نیازها و حجاب دختران و زنان

محسن ماجراجو





www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

نیازها و حجاب دختران و زنان

مشخصات کتاب

سرشناسه : ماجراجو، محسن ۱۳۶۱-
عنوان و نام پدیدآور : نیازها و حجاب دختران و زنان/ نویسنده محسن ماجراجو.
مشخصات نشر : قم: محسن ماجراجو ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری : ۲۰۲ ص. مصور.
شابک : ۳۰۰۰۰ ریال 978-964-8470-52-0
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع : حجاب اسلامی
رده بندی کنگره : ۱۳۸۸ ۸۶م۲ن/BP۲۳۰ /۱۷
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۶
شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۱۵۹۷۷

مقدمه ناشر

موضوع روابط دختر و پسر از مهم ترین و حساس ترین موضوعات مطرح در روابط بشری است. همواره بخش عمده ای از مباحث روانشناسی در علوم انسانی، به صورت دقیق و موشکافانه، به این موضوع می پردازند و زوایای گوناگون آن را می کاوند.
نیاز به جنس مخالف، تمایل به او و آسیب های این نیاز، معمولاً در سنینی اتفاق می افتد که سرنوشت یک عمر زندگی مشترک و حیات اجتماعی و خانوادگی افراد در همان سنین در حال شکل گیری است. و این، اهمیت و ظرافت این بحث را دو چندان می کند.
جامعه و به خصوص فرهیختگان و روانشناسان و متولیان امور فرهنگی، می بایست با حساسیت و تیزبینی این دوره ی حیات جوانان را بکاوند و در اندیشه ی گذراندنِ به سامانِ این دوره، برای سرمایه های اصلی کشور- یعنی جوانان- باشند.
نپرداختن به مسائل جنسی، عاطفی، نیاز به جنس مخالف، روابط بین دختر و پسر، حجاب و ضرورت آن، دلایل عقلی و حدود احکام و رعایت آن و بسیاری دیگر از مسائل مربوط به این دوره حیات حساس و طوفانی آدمی، می تواند اثرات جبران ناپذیری به بار آورد. این گونه پنداشتن که با سرپوش گذاشتن بر این مسائل، می توان جوان را به سلامت از آن عبور داد، اندیشه ای خطرناک و مخرب است.
نیازهای ذکر شده همه از غرایض آدمی است که انسان برای پرداختن به آن ها نیازی به آموزش
و یا اجازه از دیگری ندارد. غریزه، غریزه است و موجود!
پرداختن روانشناسان و جامعه شناسان غربی به طور گسترده و با تفصیل و تحقیق زیاد، به این موضوعات، می تواند نشانه ای باشد بر اینکه، آنان حساسیت و اهمیّت این موضوع را یافته اند و به دنبال راه حل برای آن بوده اند و در بسیاری از موارد نسخه هایی نیز تجویز نمود ه اند.
نپرداختن به این موضوعات و مطابق نکردن نظریات غربیان با اسلام عزیز و محمدی مان و معرفی نکردن یک الگو و راه حل علمی- اسلامی، جوانان- این سراسیمه گان در طوفان غرایض- را به رفتن به سمت دستورالعمل های غربی و غیرایرانی سوق خواهد داد.
?
دست به دست جوانان دادن و همراه شدن با آنان و ارائه راه کارهای دقیق، علمی و مطابق با فرهنگ اسلامی- ایرانی، عبور از این گردنه های خطیر و در عین حال جذاب زندگی را تسهیل نموده وآینده ای روشن،

بانشاط و همراه را عفت و سرفرازی برای آنان رقم خواهَد زد.
گروه چاپ و نشر قدسیان مصمم است در این امر مهم وارد شود و نقش مثبت ایفا کند. در همین راستا بخش مهمی از کتب منتشر شده ی قدسیان به موضوعات جوانان و مسائل خانوادگی می پردازد و استقبال خوبی نیز از این منشورات به عمل آمده است.
انتشار مجموعه "نیازها" قدمی نو است. این مجموعه کتاب که معمولاً با عنوان "نیازها و روابط " آغاز می شود به موضوعاتی چون روابط دختر و پسر، مسائل جنسی، روابط زن و مرد و زن و شوهر، احکام دوره جوانی، حجاب و ضرورت آن و... می پردازد.
امید است انتشار این آثار بتواند راهگشا و تاثیرگذار باشد.
نویسنده این مجموعه، جوانی است پرتلاش، با انگیزه، خلاّق و با سلیقه به نام آقای محسن ماجراجو؛ ایشان تحصیلات متوسطه خود را در رشته های هنری و فنی گذرانده و همزمان با تحصیل، دوره های نویسندگی و کامپیوتر را نیز به پایان رسانده است.
تحقیق و مطالعه زیاد، همراه با ذهن خلاق و پشتکار فراوان، از ایشان نویسنده ای پرکار و خوش ذوق ساخته است که تألیف و ساماندهی مجموعه "نیازها" با کمک گروهی از متخصصین و کارشناسان، یکی از آثار جذاب و کاربردی ایشان است. اولین کتاب تألیفی ایشان "نیازها و روابط دختران و پسران" بود که به سرعت در بازار نشر جای خود را باز کرد و به شهرت و فروش بالایی دست یافت. ایشان برای تحقیق و فراگیری دانش روز، سفرهای تحقیقی و علمی به چند دانشگاه آسیایی نیز داشته است.
برایشان توفیق و بهروزی آ رزومندیم.
در پایان از علما، فرهیختگان، دانشگاهیان، متولیان امور جوانان و همه خوانندگان کتاب تقاضا و انتظار داریم هر پیشنهاد سازنده ، انتقاد و نظری درباره این کتاب و یا سایر کتب قدسیان دارنداز طریق وب سایت گروه چاپ و نشر فدسیان، به نشانی www.qodsian.com قسمت نظرات مخاطبان و یا هر راه دیگر، ما را در جریان بگذارند.
از خداوند متعال می خواهیم تلاش هایمان در مسیر اعتلای فرهنگ اسلامی- ولایی وگسترش سیره و سیمای ائمه طاهرین علیهم السلام در مسیر حق و صلاح قرار دهد و معنای "الهی چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار" شامل حالمان نماید.
والسلام
محمد مظاهری
گروه چاپ و نشر قدسیان
اسفند 1388

مقدمه مولف

بسم الله الرحمن الرحیم زن را نیمی از پیکر اجتماع دانسته و نقش او را در رشد و تعالی جامعه انسانی مهم تلقی کرده اند. در متون دینی و منابع اسلامی به مطالبی برخورد می کنیم که نشانگر جایگاه والای زن در اجتماع است.
برای اکثریت جوانان این سوال مطرح می شود که چرا اسلام حجاب را بر زنان واجب کرده است؟ باید در جواب گفت: زیرا حجاب، بهترین محافظ و حصاری است که زن را از خطر بیگانه مصون می دارد. زن بی حجاب همچون میوه درختی است که شاخه آن از دیوار باغ به بیرون آویزان است و هر رهگذری به سوی آن دست دراز می کند یا مانند گلی است که هر کسی به چیدن آن تمایل دارد.
پوشیده بودن زنان در جامعه نه تنها موجب تقویت بنیان خانواده می شود بلکه سبب حفظ ارزش زن و جلوگیری از ابتذال و تباهی او است.
حجاب برای زنان مانند صدفی است که گوهر وجودش را از گزند خطرها و آسیب ها در برابر نامحرمان و بیگانگان مصون داشته، بیمه اش می نماید و به جامعه خصوصاً جوانان آرامش می بخشد و مانع هرگونه گسترش فساد و گرایش به فحشا می شود.زن مربی جامعه است. مرد از دامن زن به معراج می رود. زن مربی انسانها است. سعادت و شقاوت کشورها به وجود زن بسته است. زن با تربیت خودش انسان درست می کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می سازد. مبدا همه سعادت ها از دامن او شروع می شود زن مبدا همه سعادت ها باید باشد.
?
انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران به پیروزی رسید و با تابش خورشید حق بر این سرزمین و حاکمیت نظام مقدس جمهوری اسلامی در ایران بازنگری حقایق دین و احکام قرآن و چگونگی نگرش آن به اجتماع، مسائل اجتماع، حضور قشرهای مختلف و نقش آنها ضرورتی روشن یافت. در این میان شناخت حقوق زن، مسائل مربوط به آن، حضور یا عدم حضورش در اجتماع و کیفیت نقش اجتماعی اش از دیدگاه اسلام ذهنهای بسیاری را جلب کرد.
امام امت رحمت الله - فریادگر بزرگ مظلومیت انسان- به این موضوع توجهی شگرف داشته و در بیانیه ها و سخنرانیها، زنان را به بازشناسی هویت اسلامی فراخوانده و عملاً جایگاه اصیل آنان را در اجتماع یادآوری کرده است و با تعیین سالروز بزرگ بانوی بشریت حضرت زهرا علیها السلام اسوه کامل عفاف، حیا، ایمان و حضور در اجتماع به عنوان روز زن

فرصتی فراهم آورد تا اندیشوران، عالمان و متفکران در این باره به کاوش و جستجو پرداخته، حقایق بیشتری را عرضه کنند.
در مسئله حضور زن در جامعه و چگونگی آن مهم ترین بحثی که نقش بنیادین در تبیین آن خواهد داشت، "مسئله حجاب" است. چگونگی این مسئله می تواند به گونه ای مستقیم در حضور و عدم حضور زن در جامعه تأثیر گذارد.
در این تحقیق تا آنجا که در توان بوده کوشش شده است هیچ مطلبی بدون استناد دقیق به مرجع و منبع آن آورده نشود. از تذوّق دوری گزیده شده و در عرضه مطالب پای احساس به میان نیامده است. سیر تاریخی دیدگاهها تا آنجا که ممکن بوده رعایت شده است و در میان اقوال و آراء از مراجعه به کهن ترین منابع غفلت نورزیده و در تبیین واژه ها نیز ابتدا به قدیمی ترین متون لغوی مراجعه شده است. محسن ماجراجو

فصل اول: تاریخچه

اشاره

حجاب و پوشش در زنان
در این فصل می خوانیم:
- تاریخچه حجاب
- غیرت در حجاب زن
- حجاب زیبایی زن
- اهمیت پوشش
- کیفیت پوشش
- آراستگی و زینت زن
- نگاه به موی زن
- نگاه به نامحرم
- پوشش زن در جامعه
- شوخی با نا محرم
- فلسفه پوشش
- حیای دختران شعیب

?
:Winston Churchill
The power of man has grown in every sphere, except over himself.
قدرت انسان در همه زمینه ها رشد کرده است الا بر خودش.
"وینستون چرچیل / نخست وزیر و دولت مرد انگلیسی"

تاریخچه حجاب

پوشش در ادیان و اقوام پیش از اسلام بی سابقه نیست؛ گویا گرایش فطری انسان، او را به نوعی پوشش فراخوانده است. در برخی از اقوام و ادیان به سخت گیری های شگفتی نسبت به پوشش برمی خوریم؛ همچنانکه در اصول اخلاقی تلمود می گویند:
اگر زنی به نقص قانون یهود می پرداخت مثلاً بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت یا در شارع عام نخ می رشت یا با هر سنخی از مردان درد دل می کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد. شخص باید از هر وضعی که شور و شهوات نفسانی را برمی انگیزاند دوری کند، نباید بیش از اندازه با زنان تکلم نماید و هرگز نباید هنگام راه رفتن پشت هر زنی حتی زن خویش قدم بردارد. مرد اگر عقب شیر زیان گام بردارد بهتر است تا پشت سر زنی حرکت کند.
آنچه در آیین یهود و قانون تلمود آمد ه، اصول و دستورات سنگینی است که تحمل آن بسی دشوار است.
ویل دورانت می گوید:
در زمان زرتشت پیامبر، زنان همان گونه که عادت پیشینیان بود منزلتی عالی داشتند و با کمال آزادی و روی گشاده میان مردم رفت و آمد می کردند.
پس از داریوش، مقام زن مخصوصاً میان طبقه ثروتمندان، تنزل پیدا کرد. زنان فقیر چون برای کار کردن ناچار از رفت و آمد میان مردم بودند آزادی خود را حفظ کردند؛د اما در مورد زنان دیگر، گوشه نشینی زمان حیض که برایشان واجب بود رفته رفته ادامه پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی ایشان را فراگرفت و این امر، خود مبنای پرده پوشی میان مسلمانان به شمار می رود، زنان طبقات بالای اجتماع جرئت نداشتند بدون روپوش از خانه بیرون بیایند.
?
زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر یا برادرشان را ببینند. در نقشهایی که از ایران باستان برجای مانده به هیچ وجه صورت زن دیده نمی شود و نامی از ایشان به نظر نمی رسد.
این بیانات، از سخت گیری ایرانیان نسبت به حجاب حکایت می کند؛ به طوری که زن شوهردار پدر و برادرش از محارم وی محسوب نمی شد ه اند و حق دیدن آنان را نداشته اند. بنا به اظهارات ویل دورانت طبق آداب

مجوسی یهود مقررات سنگینی در مورد زن حائض اجرا شده است.
ابو داوود در شأن نزول آیه" ویسئلونک عن المحیض..." می نویسد:
انس بن مالک گفت: عادت یهود این بود همین که زنی از آنها حائض می شد او را از خانه بیرون می کردند، نه با او غذا می خوردند و نه از ظرف او آب می آشامیدند و نه با او در یک اتاق می زیستند. از رسول(ص) در این باره سوال شد و این آیه نازل شد: پیامبر اکرم (ص) از دوری گزیدن از آنها منع کرد و فرمود جز همبستری هیچ ممنوعیت دیگری ندارند.
از آنچه در قرآن و شأن نزول آن وارد شده روشن می شود که رفتار اسلام با زن حائض نسبت به رفتار یهود و زرتشت کاملاً متفاوت است و اسلام برخلاف یهود و زرتشت هیچگاه زن را به عنوان شیء پلید ندانسته است و اگر مقصود ویل دورانت از این عبارت که می گوید:
"... و این امر خود مبنای پرده پوشی میان مسلمانان به شمار می رود" این باشد که علت رواج حجاب میان مسلمانان، رفتار خشونت باری بوده که با زن حائض می شده، کاملاً غلط است؛ چرا که اسلام چنین رفتاری را نپذیرفته است.
اشتباه دیگری که ویل دورانت مرتکب شده این است که حجاب به وسیله ایرانیان مسلمان به سایر مسلمانان سرایت کرد.
ارتباط عرب ها با ایران از موجبات رواج حجاب و لواط در قلمرو اسلام بود. عرب ها از دل فریبی زن بیم داشتند و پیوسته دلباخته آن بودند و نفوذ طبیعی وی را با تردید معمولی مردان درباره عفاف و فضیلت زن می دانستند. عمر به قوم خود می گفت: با زنان مشورت کنند و خلاف رأی ایشان رفتار نمایند؛ ولی در قرن اول هجری مسلمانان هنوز زن را در حجاب نکرده بودند.
مردان و زنان با یکدیگر ملاقات می کردند و در کوچه ها پهلو به پهلو می رفتند و در مسجد با هم نماز می خواندند. حجاب و خواجه داری در ایام ولید دوم (126-127 ه) معمول شد. گوشه گیری زنان از آنجا پدید آمد که در ایام حیض و نفاس بر مردان حرام بودند.
جواهر لعل نهرو می نویسد:
"میان زنان عرب رسم حجاب و پرده وجود نداشت ".
این نویسندگان به گونه ای نگاشته اند که گویی اسلام به حجاب توجه نداشته و رسم حجاب را ایرانیان به جاهای دیگر رواج داده اند؛ در صورتی که این مطالب از ریشه باطل است؛ چرا که در روایات اسلامی وضع زنان را پیش از نزول آیه حجاب توصیف می کند و همین امر از رواج پوشش کامل بعد از فرمان الهی حکایت دارد. در روایتی از عایشه آمده است که می گوید:
"ما رایت سناءَ خیراً مِنْ نساءِ الأنْصار، لَمّا نُزلتْ هذه الایَةِ قامَتْ کلُ واحدة

الی مَرجلها الّمرحل فصَدَعت منْهءَ صدعةَ، فاختَمرَ، فأصبَحنْ کأنَّ عَلی رؤوسهِنَ الغِربَان."
"من برتر از زنان انصار ندیدم، همین که آیات سوره نور نازل شد یک نفر از آنان دیده نشد که مانند سابق بیرون بیاید، سر خود را با روسری های مشکی می پوشاندند، گویی کلاغ روی سرشان نشسته است ".
البته بررسی تاریخ بیانگر این حقیقت است که ایرانیان پوشش را به عنوان امری والا پاس داشته و به آن مفتخرند و بعضی از ممالک را هم تحت تأثیر قرار داده اند؛ اما این به آن معنا نیست که ایران زمین، منشأ حجاب است.
صابونی در روائع البیان می نویسد:
"... فمِن هذه النُصوصِ الکریمه فِعُلمِ أنَ الحِجابَ مفروض عَلی المرئةِ المُسلِمَة بنصوص فی کتاب اللّه قطْعیةَ الدلِالَة و لَیْس کما یزعم المُتحللونَ أنه من العاداتِ وَالتَقالیدِ اَلتی أوجَبَها الْعَصُر الْعَباسی.... ".
"... از این آیات کریمه دانسته شد که حجاب صراحتاً در قرآن که دلالتش قطعی است بر زن مسلمان واجب شده و آن طور که تحلیل گران می پندارند که از عادات و رسوم دوره عباسی است، مورد پذیرش نیست."
در هند نیز نظیر ایران قدیم حجاب شدیدی رایج بوده؛ گویا این رسم توسط ایرانیان مسلمان در آنجا رایج شده است.
ویل دورانت می گوید:
... رسم حجاب یعنی پرده نشینی، مستوری و انزوای زنان شوهردار شمال کشور هند سخت تر و محکم تر از جنوب آن کشور بوده است. شوهران در هند برای حفظ زنان از دست مسلمانان نظام پرده نشینی را چنان سخت گسترش دادند که یک زن نجیب و محترم می توانست روی خود را فقط به شوهر و پسرانش نشان دهد و در ملا عام باید با روبنده سنگینی رفت و آمد می کرد که صورتش را پوشیده دارد، حتی پزشک معالج اگر می خواست نبض بیماری را بگیرد زن می بایست پشت پرده بنشیند.
در کشور آلمان نیز رد پایی از حجاب پیدا می شود :
زنان توانگران تاج های زرین یا روسری های زربفت می پوشیدند یا گیسوانشان را با نوارهای زرین می بافتند؛ اما زنان با حیا و محجوب، دستمالی از پارچه های لطیف به سر می افکندند و آن را زیر چانه گره می زدند.
میان قبایل متعدد نیز حجاب رواج داشته است. ویل دورانت می گوید:
"بالاتر از سرزمین ارمنیان و کنار دریای سیاه، سکاها بیابانگردی می کردند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می داشتند".
البته کنار اقوام و ملل مذکور، قبایل وحشی و نیمه وحشی وجود داشته است که از برهنه بودن هیچ احساس شرمی نداشتند.
هنوز قبایل فراوانی هستند که از برهنه بودن تمام بدن خود هیچ خجالت

نمی کشند، حتی بعضی از پوشیدن لباس عار دارند. هنگامی که لیونیگستن از مهمانداران سپاه آفریقایی خود درخواست کرد که چون زنش قرار است بیاید، لباس بپوشند همه به خنده افتادند، هنگامی که ملکه قبیله بالوندا از لیونیگستن پذیرایی می کرد از فرق سر تا نوک انگشتان پا برهنه بود.
در مورد قوم عرب نیز روایت شده است که برهنه طواف می کردند و می گفتند:
"لانَطُوف فی ثیابٍ عصیْنَا اللَّهَ فیها".
"ما در لباسی که معصیت خدا را در آن کرد ه ایم، طواف نمی کنیم ".
آنچه مسلّم و قطعی به نظر می رسد اینکه حجاب فبل از اسلام در ادیان و اقوام مختلف رواج داشته و اسلام مبدأ این رسم نبوده و تنها تشریع حدود آن توسط اسلام صورت گرفته است. اکنون پا را فراتر نهاده، ادعا می کنیم که پوشش ریشه در فطرت بشر دارد، آنجا که می فرماید:
"فَدلاّهما بِغُرُورٍ فَلَمّا ذاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُما سَوْاتُهُما وَ طَفِقا یَخْصِفانِ عَلَیْهِما مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ نادَاهُما رَبّهُما ا لَمْ أَنْهَکما عَنْ تِلْکمَا الشَّجَرَةِ وَ اقُلْ لَکما إِنَّ الشَّیْطانَ لَکما عَدُوٌّ مُبینٌ ... ".
"پس راهنمایی کرد، فریب داد و دروغ گفت تا از آن درخت تناول کردند، زشتی هایشان آشکار گردید و بر آن شدند که از برگ درختان بهشت خود را بپوشانند و خدا ندا داد که آیا من شما را از این درخت منع نکردم و نگفتم که شیطان سخت دشمن شما است؟"
وقتی حضرت آدم و حوا از بهشت هبوط کردند به دنبال ساتری از برگ درختان می گشتند و این مطلب ظری بودن پوشش را می رساند، و حد و مرز آن را شرع معین می کند؛ اما آنچه از این آیه به روشنی می توان بهره برد فطری بودن پوشش است و این برای اثبات کردن کافی است.
از جمله واژه هایی که در آیات حجاب به کار رفته و بازشناسی دقیق مفهوم و مصداق آن در تعیین حدود پوشش نقش اساسی دارد واژه "زینت" است. زینت بی گمان به معنای زیبایی است در مقابل "شین" به معنای زشتی و ننگ و رسوایی.
خلیل بن احمد فراهیری می گوید:
"الزَیْنُ نَقیصُ الشَبْن... والزبنة ما جامع لِکلِّ ما یُتَزیَّنُ بِه. "
"زیبایی نقیض زشتی است... و زینت هر آنچه را که به واسطه آن آراسته شود دربردارد".
سخن وی نشانگر آن است که زینت مطلق زیبایی و آرایه است و هر آنچه با آن آراسته می شود و تزیین می گردد.
احمد بن فارس، معنای اصلی آن را نیکویی و زیبایی دانسته و می گوید:
زینت و زیبایی در مقابل زشتی قرار داده شده است.
آقای مصطفوی پس از نقل اقوال لغویان می گوید:

نیکویی در ظاهر هر چیز است، خواه عرضی یا ذاتی باشد، پس زینت در زن هر آن چیز است که از زیبائیها و نیکوئیهایش آشکار می شود.
خلیل بن احمد فراهیری می گوید:
"الجَلبابُ، ثوب اوسعُ مِنَ الْمخمارِ دونَ الرداد، تُغطی به الْمَرئةُ رأسها و صَدْرِها".
"جلباب، جامه ای است از چارقد بزرگ تر و از عبا کوچک تر که زن به وسیله آن سر و سینه خود را می پوشاند".
معجم نگاران واپسین نیز برخی این معنا را پذیرفته اند و با اندک اختلافی در آثار خود آورده اند. از جمله طریحی می نویسد:
جلباب، جامه ای است از چارقد بزرگث تر و از عبا کوچک تر که زن به وسیله آن سرش را می پوشاند و باقی آن را روی سینه اش رها می کند.
شیخ طبرسی رحمت الله علیه می گوید:
"الجَلبابُ، فمار المَرئةِ الذی یُغَطی رأسَها و وجْهَها اذا خَرجْت لحاجةٍ".
"جلباب عبارت است از روسری که هنگام خروج از منزل به کار برده می شود و سروصورت را با آن می پوشانند."
جلباب، به معنای چادر بزرگی است که در شرق، زنان هنگام بیرون شدن از خانه، سر تا پای خود را با آن می پوشانند.
خمار وسیله ای است که چیزی را با آن می پوشانند؛ ولی عرفاً مختص به چیزی شده که زن، سر خود را با آن می پوشاند.
آقای مصطفوی می گوید:
خمر و خمار به معنی ستر و پوشش است. شراب را "خمر" گویند؛ زیرا حواس ظاهری و باطنی را می پوشاند و روسری زن را نیز خمار گویند؛ زیرا سرش را به وسیله آن می پوشاند.

غیرت در حجاب زن

گاهی شرایط نامناسب اجتماعی، نتایج نامطلوبی را به دنبال دارد. موارد بسیاری ناهنجاریها سبب انزوای تعالیم می شود. بسیاری از افراد عادت کرده اند وقتی با مشکل برخورد کردند به جای چاره جویی با همه چیز مخالفت کنند؛ اما اسلام با برخورد اصولی مشکل را برطرف ساخته و زمینه رشد و تعالی زن را فراهم نموده است.
اسلام می کوشد تا نارسایی ها و ضعف ها و ناهنجاری های جامعه را اصلاح کند و با طرح برنامه هایی راه گشا و رساندن جامعه به سلامت اصیل خود، زمینه حضور تمام آحاد را فراهم نماید تا با عمل کردن به آن، ارزش های دینی را حفظ و سلامت نسل جدید را تقویت کنیم. این ارزش ها عبارت اند از:
ا. حفاظت و مراقبت از عفت عمومی بر عهده زنان و مردان است.
2. مردان با غیرت فردی و اجتماعی و زنان با حیا باید عفت عمومی جامعه را پاس دارند.
3. مرد پاسدار حرمت زن و نگهبان کرامت ناموسی است و این قدرت را خداوند برای مردان رقم زده است.
غیرت شامل: استواری، فرازمندی، راستی، حراست، پاک نگری و پاک کرداری است.
حضرت علی(ع) می فرماید:
"غیرةُ الرجلِ ایمان؛ غْیرت مرد و حراست او از ناموسش، ایمان است"
پیامبر اکرم (ص) فرماید:
"کانَ أبی إبراهیم غیوراَ و أنا أغْیَر منْهُ و أرغَمَ اللَّهُ أنْفَ مَن لایَغارُ مِنَ الْمؤمنینَ "
"پدرم ابراهیم غیرتمند بود و من از او غیرتمندترم. بریده باد بینی آن کس که غیرت نمی ورزد".
امام صادق(ع) می فرماید:
"اسیرانی را به محضر پیامبر آوردند، پیامبر فرمود جز یک نفر بقیه را گردن بزنند. آن مرد گفت: چرا مرا از قتل رها کردی؟ پیامبر فرمود: خداوند با پیک وحیش به من خبر داد که در تو پنج ویژگی است که آن ها را خداوند و رسولش دوست می دارند:
یکی حراست و نگهبانی دقیق از ناموس است و...".
غیرتمندی انشان را از آلودگی می رهاند و مرد غیرتمند نه بر خود آلودگی را می پذیرد و نه از دیگران بی عقتی را بر می تابد. حضرت علی (ع) می فرماید:

"عفت و پاکدامنی نشان غیرتمندی مرد است ".
پرهیز از افراط و تفریط در این باره باید مورد توجه مردان قرارگیرد و چنانکه اعمال غیرت چون از مدار شایسته اش بیرون رود مشکلاتی را به وجود می آورد؛ از همین رو حضرت علی(ع) از زیاده روی در آن برحذر داشته و فرموده اند:
?
"إیاک و التَغایُر فی غیرِ مَوضعِ غَیرة فَإِنَّ ذالِک یَدعو الصحیحةَ مِنهنَّ الَی السَقمِ الْبَریئةَ إلی الرَّیبِ ".
"برحذر باش از غیرت در غیرموضع غیرت که آن درستکار را به نادرستی کشاند و پاکدامن را به بدگمانی خواند".
بی توجهی اسلام در کنار این قبیل هشدارها و نهی از افراط و زیاده روی ها، نسبت به تفریط و غیرت نیز بسیار تأکید کرده است. مردی که تحت تأثیر تبلیغات بیگانه از هویت اصیل خود خارج شده و زن را همچون متاعی مادی تلقی کرده و شخصیت خود را در داشتن زنی مزیّن و آراسته جستجو می کند، دیگر توقعی از این نوع افراد در باب عمل کردن به دستورات الهی نیست، این گونه افراد مجازات سنگینی را در دنیا و آخرت خواهند داشت.
پیامبر اکرم می فرماید:
"والمرئَةُ إذا خَرَجتْ مِنْ بابِ دارِها مُتزینةَ مُتعطرةَ والزَوجُ بذلک راضٍ ، یُبنی لِزوجِها لکلِ قدمٍ بیت فِی النارِ".
"هر زنی که خود را زیبا و خوشبو کند و از منزل خارج شود و شوهرش به این امر راضی باشد خداوند در قبال هر قدمی که بر می دارد برای شوهرش خانه ای در دوزخ بنا خواهد کرد".
مردی را که نسبت به زن و اهل خانه اش غیرت ندارد "دیوث " می گویند.
جامعه اسلامی، جامعه ای به هم پیوسته است؛ فرد، فرد این جامعه نباید خود را تافته جدا بافته از دیگران تلقی کنند. انسان مسلمان، در جامعه اسلامی شخصیتی دارد و انسان مومن ناهنجاری اجتماعی را به همان اندازه که بر زن و ناموس خود نمی خواهد برای زنان مسلمان دیگر نیز نمی خواهد.
مردان موظف هستند در مقابل بی مبالاتی ها، مرز شکنی ها و حرمت زداییها بایستند و خود هرگز به شکستن مزرها نزدیک نشوند و زمینه های حرمت شکنی از ناموس اسلامی را فراهم نیاورند و فقط در چنین اجتماعی است که از سلامت شخصیت زن و ناموس خود می توانند مطمئن باشند.
امام صادق (ع) می فرماید:
"بَرُوا ابائَکمْ یَبرکمْ أبناءُکمْ و عفُوّا عَن نِساءِالناس تَعِفّ عَنْ نِسائِکمْ ".

"با پدرانتان نیکی کنید تا پسرانتان به شما نیکی َکنند و از زنان مردم چشم پوشی کنید تا مردم از زنانتان چشم بپوشند".
از امام صادق(ع) پرسیدند :
"الرَجُل تَمرُّ المَرئةُ فیَنْظُر إلی خَلْفِها. قالَ: أیُسِر احدَکمْ أنْ ینْظُرَ إلی أهْلِه و ذاتِ قرابتِه؟ قلْتُ: لا، قال: فارضَ لِلنّاسِ ما تَرْضاهُ لِنَفْسِک. "
"زنی می گذرد و مرد از پشت به او می نگرد. فرمود: آیا هیچ یک از شما خوش دارد که کسی به زن یا زنان فامیل او نگاه کند؟ گفتند: نه، فرمود: پس برای مردم همان بخواه که برای خود می خواهی".
همچنین فرمودند:
"أما یَخْشَی الَذینَ یَنْسُرُونَ فی أدْبارِ النساءِ أن یبْتَلو بذلک فی نِسائِهم".
"آیا کسانی که به پشت زنان می نگرند نمی ترسند که در مورد زنان خودشان به این نگاه های آلوده مبتلا شوند (دیگری به زنان آنها نگاه کند)".
حضرت علی (ع)می فرماید:
"ما زَنی غْیورٌ قَطُّ؛ غیرتمند هرگز زنا نمی کند".
زنا تجاوز به حریم ناموس دیگران و شکشتن حرمت نوامیس جامعه اسلامی است.
غیرتمند چگونه حاضر شود این حریم را بشکند و عفت عمومی را لکه دار کند؟ انسانی که غیرت دارد پاسدار حرمت حریم ناموس خود است.
در جامعه اسلامی که این تکلیف توسط بسیاری از مردان مسلمان رعایت میشود , زن با آرامش کامل بر صحنه اجتماع می آید و در انجام وظایف محوله اجتماعی موفق است؛ اما در جوامع غیر مسلمان که چنین ملاحظاتی وجود ندارد زنانی که در اجتماع قدم می نهند از آرامش روحی متناسبی بر خوردار نیستند؛ زیرا مورد اجحاف مردان واقع می شوند.
با اندکی تأمل و دقت می توان رمز انحصاری بودن غیرت را در مورد مردان دریافت. امام صادق (ع) می فرماید:
"لَیس الغَیْرةُ الاّ لِلرجال و أما السِناء فإنَما ذلِک منْهُنَّ حَسَد... ".
"غیرت فقط برای مردان است، اما در مورد زنان، غیرت حسادت است ".
زن مسلمان با رفتاری متناسب و متین، زمینه گسترش عفت را فراهم می سازد؛ ولی چنانچه به پوششی ظاهری بسنده شود و ملکه تقوای رفتاری در زن به وجود نیاید، حجاب همچون کالبدی بدون روح خواهد بود که تأثیر مطلوب را نخواهد گذاشت.

حجاب زیبایی زن

آنچه یک زن مسلمان را نزد مومنان، صالحان و اولیای خدا زیبا می کند حجاب است نه آرایش و زینت آشکار او. زن در پوشش و سخن گفتن، خصوصیات و ویژگی های خود را نشان می دهد. زن همانند مرواریدی است که داخل یک صدف قرار دارد، اگر به هر نحوی مروارید از داخل صدف بیرون بیاید ارزش زیبایی خود را از دست می دهد. زن همانند مروارید ارزشمند است؛ اما هنگامی که از حجاب خود بیرون بیاید هیچ خریداری که عاقبت نیکویی را برای او تضمین کند وجود ندارد؛ البته شاید قیمت و ارزش داشته باشد؛ اما برای مدتی کوتاهی است و بعد از آن هیچ ارزشی نزد خدا و مردم ندارد.

جامعه اسلامی بایستی از عفت عمومی برخوردار باشد و امنیت فردی و اجتماعی زنان را فراهم سازد؛ به این منظور باید مردان به سلاح غیرت و زنان به سلاح حیا و متانت مسلح شوند و عفت اجتماعی را تضمین نمایند.
خدشه دار شدن عفاف، امری بس خطرناک است؛ به همین دلیل اسلام در عمل منافی عفت شهادت چهار نفر عادل را شرط می داند و عملاً موارد عدیده ای زنا، مستور و مخفی می ماند و این در نظر اسلام راحت تر است از اینکه زن عفیفه ای مورد اتهام وقع شود؛ به همین دلیل چنانچه سه شاهد عادل بر زنای زنی شهادت بدهند چون به حد نصاب نرسیده اند، قاذف تلقی شده و بایستی احکام زیر برای آنها اجرا شود:
1. 80 تازیانه بخورند.
2. شهادت آنها تا آخر عمر پذیرفته نیست.
3. ملکه عدالت ساقط شده و فاسق می شوند.
هرگاه چهار شاهد به عمل منافی عفت شهادت بدهند، مجازات سنگینی مقرر می شود و حکمتش را بایستی در سلامت جامعه از آلودگی ها و پلیدیها دانست.
پس از بررسی اجمالی مفهوم عفاف و جایگاه و اهمیت آن باید به برخی از عوامل و زمینه هایی که در عفت و پوشش موثرند، اشاره نمود. اگر این عوامل مورد توجه واقع نشوند مسئله پوشش امری نامهوم خواهد شد و قابل اجرا نخواهد بود.
مسئله استیذان و محصور بودن روابط افراد خانواده، جنبه خانوادگی و مسئله نگاه و محدود بودن روابط اجتماع، جنبه اجتماعی قضیه است.
در چهار دیواری منزل، روابط و ضوابطی حاکم است که در بیرون حاکم نیست. چگونگی پوشش، برخوردها و رفتارها با آنچه در بیرون می گذرد و انسان به آن پای بند است، کاملاً تفاوت دارد. این حالت ها به طور طبیعی ویژه همان محدوده است و بسیاری هرگز روا نمی دانند که پرده بر افتد و آنچه در انسان است حتی به نزدیکان نشان داده شود. خداوند در قرآن کریم می فرماید:
یا إیهَا الَّذین امَنوُا لاتَدْخُلوا بُیوتاَ غیْرَ بُیوتِکم حتَی تَسْتأنِسُوا و تُسلَمؤاعلی أهلها ذلِکمْ خَیْر لَکم لَعلکمْ تذکروُنَ.
"ای کسانی که ایمان آوردید! به خانه دیگران داخل نشوید مگر آنکه آنان را قبلاً آگاه سازید و بر اهل خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید."
قبل از نزول قرآن، مردم بدون اعلام پیشین به خانه های یکدیگر وارد می

شدند، دست کم خویشان و نزدیکان این کار را روا می داشتند. زنی از انصار نزد پیامبر(ص) رفت و گفت: ای پیامبر اکرم (ص) اوقاتی هست که مرا حالتی است که نمی خواهم کسی حتی پدر یا فرزندم مرادرآن حالت ببیند وایشان در سرای من می آیند و مرا از آن کراهت است.
سپس خداوند آیه فوق را نازل فرمود.
یکی از عوامل فساد در اجتماع، بی مبالاتی و ارتباط بدون مرز و معیار است، در سایه عدم رعایت و بی توجهی به آنچه در تفسیر آیه آوردیم و شکستن مرزها و در آمدن به خانه ها بدون هیچ معیار و ملاکی، چه بسا انسان با مناظر مهیج و صحنه های فساد و حالات نامناسب مواجه شود که بی گمان آثاری ناهنجار درپی خواهد داشت و زمینه های فساد و تباهی و روابط ناسالم را ایجاد خواهد کرد. اسلام با این دستور عملاً سدی استوار در مقابل این احتمالات ایجاد می کند و به سلامت جامعه و پاکی آن یاری می رساند.
خداوند مردم را از ورود بدون اجازه نهی فرموده تا چشمشان به امور ناخوشایند نیفتد، پس با اجازه خواستن و سلام کردن، خطر نگاه های شک آلود را می زداید و دیدار کننده را محترم و گرامی می دارد.
عطار بن یسار می فرماید:
مردی به پیامبر اکرم (ص)گفت:
"استاذنُ یا رسولَ اللَّهِ (ص) عَلی أمی؟... قالَ: اتُحبُّ أنْ تَراها عُریانة؟ قال: لا قالَ: فاستأذِنُ علیها".
"یا رسول اللَّه! مرا مادری است آیا هرگاه نزد او می روم بایستی اجازه بگیرم؟
فرمود: آیا دوست داری او را برهنه ببینی؟ گفت: خیر! فرمود: پس اذن بگیر."
به جهت اهمیت موضوع امنیت خانواده ها در اغلب جوامع قوانین خاصی برای ورود به منازل وضع شده که ورود به خانه دیگران بدون اجازه ممنوع است.
پیامبر(ص) هنگامی که به خانه کسی می رفت روبه روی در نمی ایستاد بلکه طرف راست یا چپ قرار می گرفت و می فرمود:
"السلام علیکم! به این وسیله اجازه ورود می گرفت،زیرا آن زمان هنوز معمول نشده بود که در برابر خانه، پرده بیاویزند."
سوره نور به اهمیت پوشش، سلامت جامعه و رهایی محیط از آلودگی جنسی پرداخته است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:
"یا ایها الذین امَنؤا لِیَستأذِنکم الذّین ملکتَ ایمانکمُ والذین..".
"ای کسانی که ایمان آورده اید! بایستی کودکان نابالغ شما در سه وقت اجازه دخول بگیرند: پیش از نماز صبح، هنگام نیمروز که جامه های خویش

می نهید و بعد از نماز عشا که آماده خواب می شوید. این سه وقت خلوت شما است، در غیر این سه وقت بر شما و بر آنان باکی نیست (که بی اجازه وارد شوند). آنها و شما زیاد بر یکدیگر می گذرید. خداوند آیات را چنین بیان می کند، خداوند دانا و حکیم است ".
روایت شده است غلامی (برده ای) بر اسماء دختر ابو مرثد در زمانی که وی اکراه داشت وارد شد، بعد این آیه نازل شد.

کیفیت پوشش

در دوران جاهلیت زنان پاکدامن روسری خود را روی شانه ها یا پشت سر می افکندند؛ به گونه ای که گردن و اندکی از سینه آنها نمایان می شد. خداوند دستور می دهد که روسری را طوری بر گریبان کنند که گردن و سینه شان پوشیده بماند.
محمدعلی صابونی می گوید:
زن در دوره جاهلی، همچون جاهلیت امروز، با سینه برهنه، گردن و دستهای مکشوف میان مردان رفت و آمد می کرد و چه بسا اندام هیجان بار و گیسوانش را آشکار می ساخت تا مردها را بفریبد و روسری ها را از پشت سر می آویختند و سینه هاشان نمایان می شد.
روزی در هوای گرم مدینه زنی جوان و زیبا در حالی که طبق معمول روسری خود را به پشت گردن انداخته و دور گردن و بنا گوشش پیدا بود، از کوچه عبور می کرد.
مردی از اصحاب پیامبر اکرم(ص) از طرف مقابل می آمد. آن منظره زیبا سخت نظر او را جلب کرد و چنان غرق تماشای آن زن زیبا شد که از خود و اطرافش غافل گشت و جلویش را نگاه نمی کرد. آن زن وارد کوچه ای شد و جوان با چشم خود او را دنبال می کرد، همان طور که می رفت ناگهان استخوان یا شیشه ای که از دیوار بیرون آمده بود به صورتش اثابت کرد و او را مجروح ساخت. وقتی به خود آمد که خون از سر و رویش جاری شده بود، با همین حال خدمت پیامبر اکرم (ص) رفت و ماجرا را به عرض رساند. اینجا بود که آیه مبارکه "قل للمومنین..." نازل شد.
باید تمامی اعضای بدن زنان و دختران جوان با چادر، روسری و حجاب کامل پوشانده شود تا از آسیب و گزند فساد در امان باشند، اگر در این امر کوتاهی و به شکل های مختلف بهانه تراشی شود، عواقب و مشکلاتی برای این نوع خانم ها به وجود می آید؛ اما از آنجای که زنان از کار افتاده و پیر جاذبه جنسی ندارند و مردها نیز رغبتی به ایشان نشان نمی دهند از این حکم کلی مستثنی شده اند. در هر حال، پوشش کامل برای زن مسلمان الزامی است.
حدود پوشش و چگونگی آن در برابر نامحرم و اجنبی در آیات و روایات بیان شده است.

آراستگی و زینت زن

آنچه سبب به وجود آمدن پوشش و حجاب می شود زیبایی، آراستگی و زینت زن است که خدادادی در وجود او قرار گرفته است. زن خواسته یا ناخواسته بدن زیبا و لطیفی دارد و این خصوصیت، مرد را تحریک می کند؛ از این رو یکی از علت های حجاب همین موضوع است که پوشش را به دو دسته تقسیم می کند: یک پوشش به صورت کلی بوده که اندام را دربر می گیرد و دیگری برای زینت های آشکار و ظاهری است.

زمخشری می گوید:

زینت گفته شده؛ اما مواضع آن گفته نشده است و این به خاطر تاکید بر پوشش است؛ زیرا زینت روی مواضعی از بدن قرار می گیرد که نظر کردن به آن مواضع جز برای محارم حلال نیست؛ آن مواضع عبارت اند از: آرنج، ساق، بازو، گردن، سر، سینه و گوش.

از امام صادق (ع) سوال شد:

"سَألت أباعبداللّه(ع) عَن الذِراعین مِن الْمَرئة اهما مِن الزینةِ التی قالَ اللّه تبارک وَ تَعالی: ولایبدینَ زینتهنَ... قال: نَعَمْ و ما دُونَ الخِمار مِن الزینَةِ و مادونَ السِواریْنِ".

"آیا دو بازوی زن از زینت است که خداوند فرمود: لایبدین زینتهن...؟ امام فرمود: بلی، آنچه روسری آن را می پوشاند (سر و گردن) و بالاتر از دو دستبند از زینت است ".

فخر رازی می گوید:

زینت نامی است که بر زیبایی های مخلوق که خداوند آفریده و همین طور به آنچه انسان به وسیله آنها آراسته ومزین می شود مثل لباس، زیور و... اطلاق می شود.

طبرسی می گوید:

مراد از زینت آشکار، جامه یا لباس است لباس رو و مراد از زینت نهان، پای برنجن، گوشواره و دستبند است. این قول از ابن مسعود (صحابی معروف) نقل شده است.

اما مراد از زینت ظاهری عبارت اند از:

سرمه، انگشتر و خضاب کردن که در چهره و دستها تا مچ واقع می شود.

0همچنین مراد از زینت آشکار عبارتند از: چهره و دستها تا مچ.

زمخشری می گوید:

زینت عبارت از چیزهایی است که زن خود را به آن ها می آراید؛ از قبیل: طلا آلات، سرمه و خضاب که آشکار کردنش مانعی ندارد.

اما زینتهای باطن مثل دست و پای، بازوبند، گردنبند، تاج، کمربند و

گوشواره هستند که باید پوشانیده شوند مگر از افرادی که در آیه استثنا شده است.
از امام صادق (ع) سوال شد که مقصود از زینت آشکار چیست؟ فرمود:
"الزینَةُ الظاهِرة الکحْل والخاتُم."
"زینت آشکار سرمه و انگشتر است ".
پیامبر اکرم (ص) می فرماید:
"یا أسماء إن المَرئةَ اذا بلغَتْ المحیض لَمْ تصلَح ان یُری منها الا هذا و هذا واشارِ
الی کفِه وَ وَجْهِه."
"ای اسماء! همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدنش پیدا شود مگر این و این... اشاره فرمود به چهره و کف."

نگاه به موی زن

یکی از اعضای بدن زن که بسیار تحریک کننده و زیبا است موی او است. چنانچه موی زن در پوشش و حجاب نباشد، مرد را وسوسه شیطانی فریب می دهد. دین مقدس اسلام رعایت کردن حجاب و پوشاندن مو را بر زنان و دختران، الزامی می داند مگر برای زنان سالخورده ای که طبق شرایط آن اگر موی آنها پیدا شد گناهی بر آنها نیست. بزنطی می گوید: از حضرت امام رضا (ع) سوال کردم:
"قالَ: سئَلْتُه عَن الرَجُلِ یحلُّ لَه انْ ینْظُرَ إلی شعِر أختِ امرئتِه؟
فقالَ: لا إله أن تَکونَ مِن القَواعِد. قلتُ لَه: اُختُ امرئَتِهِ والْغَریبةُ سَواء؟ قالَ نَعم، قلت: فما لی من النَظَر إلَیْه منها فقالَ: شَعْرها و ذراعها".
"آیا برای مرد جایز است که به موی خواهر زنش نگاه کند؟ فرمود:
نه، مگر اینکه از زنان سالخورده باشد، گفتم: پس خواهر زن و بیگانه یکی است؟ فرمود: بلی، گفتم: در مورد خواهر زن سالخورده چقدر برای من جایز است نگاه کنم؟ فرمود: به مو و ذراع او از انگشت تا آرنج می توانی نگاه کنی."
نشان می دهد مستثنی بودن چهره نزد دو طرف قطعی بوده و کاملا روشن است وقتی نگاه به مو و ذراع خواهر زن سالخورده جایز باشد قطعاً نگاه به صورتش بی اشکال است. جابربن عبدالله انصاری می گوید:
"خَرَجَ رسولُ اللَّه (ص) یرید فاطمةَ و أنا مَعه فلمَّا انْتَهیْنا إلی الْبابِ وضَع یدهَ علَیْه فدَفعهُ ثُم قالَ: السلامُ عَلَیْکم. فقالَتْ فاطمةُ: علیک! السلام یا رسُولَ اللَّهِ قال: أدخلُ؟ قالَتْ: أدخِلْ یا رسولَ اللَّه، قالَ أدخُل أنا و مَن مَعی؟ فقالَتْ یا رسولَ اللَّهِ لَیْس علی قِناعٌ فقالَ یا فاطِمة خُذی فَضْل ملحفتِک فقَنِعی بها رأسَک فقَعلْتُ.
ثم قال: السلام عَلیکم فقالَتْ و علیْک السلام یا رسولَ اللَّه قال: أدخُل قالَتْ نَعَم یا رسُولَ اللَّه قالَ: أنَا و مَن مَعی؟ قالَتْ وَ مَن معَک! قالَ جابر: فدَخَل رسولُ اللَّهِ (ص) و دَخَلْتُ و اذا وجْهُ فاطِمَة أصْفر کأنَّه یَطْن جرادَه."
"با پیامبر اکرم (ص) به خانه فاطمه(س) رفتیم. پیامبر اکرم سلام کرد و اجازه ورود خواست، فاطمه(س) اجازه داد. پیامبر فرمود:
با کسی که همراه من است وارد شوم؟ حضرت زهرا گفت: پدر جان! چیزی بر سر ندارم. فرمود:
با قسمتهای اضافی روپوش خودت سرت را بپوشان، سپس مجددا استعلام کرد که آیا
داخل شویم؟
پاسخ شنیدم: بفرمایید! وقتی وارد شدیم، چهره آن حضرت زرد شده

بود...".
این روایت به روشنی بر جواز نگاه کردن به چهره دلالت دارد و اینکه پوشانیدن چهره الزامی نیست. بعضی ها پوشانیدن چهره زن را در حال احرام حرام می دانند:
امام صادق (ع) می فرمایند:
"المرئَةُ تتنقب لان احْرامَ الْمرئةِ فی وجهِها و احْرامُ الرَجل فی رأسِه."
"زن مُحرم نباید نقاب بزند؛ زیرا احرام زَن در (باز بودن) صورت و احرام مرد در مکشوف بودن سرش است".
زن باید در نماز و غیرنماز هنگامی که در معرض دید نامحرم قرار می گیرد، تمام بدنش را بپوشاند، به جز سه مورد:
1. مچ دست، 2. صورت، 3. کف و روی پا تا قوزک پا (مچ پا)
بر زن لازم است آن مقدار از عضوی را که دارای "زینت" است بپوشاند.
زن بایستی از زن دیگر، تنها شرمگاه فرجش را بپوشاند؛ مثلاً در حمام ها این مقدار پوشش لازم است.
بر زن واجب است شرمگاه خود را از محرم ها به جز شوهر بپوشاند و احتیاط مستحب آن است که از ناف تا زانو را نیز بپوشاند.
پوشیدن بدن از نامحرم بالغ به جز صورت و دستها واجب است.
حجاب بدن به جز قرص صورت و دستها تا مچ از پسر بچه ممیز به خصوص پسر بچّه نزدیک بلوغ واجب است.
اگر نمازگزاران با چادرهایی که زیر تابش نور یا آفتاب به فدری نازک نباشد که بدن یا موی زن نمایان باشد نماز بخوانند اشکال ندارد.
حجاب زن در نماز باید از تمام اطراف پوشش داشته باشد. مگر جاهایی که فقط از قسمت پایین قابل دیدن باشد؛ به طور مثال:
اگر زن بدون روسری یا مقنعه نماز بخواند و طوری چادرش را روی صورتش بیاورد که زیر گلویش دیده نشود بلامانع است.

نگاه به نامحرم

نامحرم به کسی گفته می شود که هیچ نسبت سببی یا محارمی بین نزدیکان خود نداشته باشد و فرقی بین شخصی که آشنا نیست یا فامیل هایی که جزء نزدیکان به حساب می آیند وجود ندارد؛ به طور مثال پسر عمو، پسر دایی، برادر شوهر و امثال اینها جزء فامیل و نزدیکان به شمار می روند، اما نامحرم محسوب می شوند و نگاه به نامحرم با شرایط خود اگر رعایت نشود گناه کبیره محسوب می شود.
خداوند در قرآن کریم می فرماید:
"قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ ابْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فروجَهُمْ ذَلِک أزْکی لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِير بِمَا يَصْنَعُونَ ".
"به مردان مومن بگو دیدگان خود را فرو ببرند و دامن های خویش را حفظ کنند، این برای ایشان پاکیزه تر است. خدا به آنچه می کنند، آگاه است".
نگاه کردن بر چند صورت بوده و احکامی دارد:
1. نگاه کردن به نامحرم در صورت رعایت نکردن آن حرام است و نگاه کردن به محرم حلال است.
2. برخی نگاه ها مانند نگاه به اجنبی حرام است و برخی نگاه ها مانند همسر و محارم حلال است.
پیامبر اکرم (ص) می فرماید:
"مَن ملأ عینه حَراماَ یَحشوُهَا اللَّهُ یومَ الْقِیامَه مَساهیره مِنْ نار ثُم حَشاهَا اللَّهُ ناراَ إلی أنْ تَقُومَ الناس ثُمَّ یُؤمَر به إلی النارِ".
"آنکه چشم را از حرام پر کند خداوند در روز قیامت، چشمانش را از میخهای آتشین پر خواهد کرد، آن گاه درونش را از آتش پر می کند تا مردم از گورها برآیند و سپس وی را به آتش افکند".
امام صادق (ع) می فرماید:
"النَظَرة سَهُمٌ من سَهامِ ابلیسِ مَسْمُوم مَنْ ترکها لِلّه لاِلِغَیْره أعقَبَه اللَّهُ ایماناَ یَجدِ طَعْمَه."
"نگاه، تیری از تیرهای مسموم شیطان است. کسی که به خاطر خدا نه دیگری آن (نگاه) را رها سازد خداوند در عوض پاداش ایمانی به او می دهد که طعمش را می چشد. "
ام سلمه می گوید:
"کنْتُ عنْدَ البنَی و عنْدَهُ زوجتَهُ میمونَه بنْتُ الحارثِ فأقْبَلَ ابْن ام مَکتوم و کان أعمَی و ذلِک بعْدَ أنْ أمَرْنا بِالحجابِ فدَخَل عَلینا فقالَ النَبی (ص): إحْتَجبا منْه فقُلنا: یا رسولَ اللّهِ الَیْس هُو أعمی لایُبْصرنا فقال: أفعَمیا و ان أنتما ألَسْتُما تَبْصر انِه؟."

"نزد پیامبر بودم در حالی که پیش آن حضرت همسرش میمونه دختر حارث بود، در این هنگام ابن ام مکثوم که نابینا بود وارد شد، در آن زمان به پوشش امر شده بودیم، حضرت به ما فرمود: خود را بپوشانید. گفتیم: یا رسول اللّه! اینکه نابینا است و نمی بیند. فرمود: آیا شما هم نابینایید که او را نبینید؟"
نگاه، پنجره ای است که چون بی حساب و بدون مرز گشوده شود، آتش شهوت و هیجان را برخواهد افروخت. نگاه های آلوده پیامدی جز فحشا، سیاهی دل و نکبت های اجتماعی نخواهد داشت. نگاه، راهبر دل، دام شیطان، بذر شهوت و رویشگاه فسق و فجور است. هرزگی، چشم دل را خواهد لرزاند و آرامش و ثبات را توسط فتنه ها برخواهد انگیخت و فسادها هم به وجود خواهد آمد.
حضرت علی (ع) می فرماید:
"اللَحْظ رایدُ الفِتَن؛ نگاه (حرام)، پیشاهنگ همه فتنه ها است".
همچنین می فرماید:
"العُیون، مصائدُ الشیطان؛ چشمها، دامهای شیطان هستند."
وقتی آدمی در دنیا اسیر شهوت و وساوس شیطانی شود، قهراً حیات اخروی اش تباه شود و دچار خسارتی جبران ناپذیر خواهد شد.
حضرت علی (ع)می فرماید:
"کم مِن نَظرة جلبت حَسْرةَ".
"چه بسیارند نگاه هایی که آه و حسرت به دنبال دارند. "
حضرت در حدیث دیگری می فرماید:
"مَن أطلَق طَرفْه کثُر أسفَه".
"کسی که نگاهش را رها سازد حسرت و تأسفش زیاد می شود. "
از این رو به شخصی که خود را به نگاه های خیره آلوده نسازد وعده بهشت و نعمتهای داده شده است. امام صادق (ع) می فرماید:
"مَن نَظَر إلی امرئة فرفَع بصَرهُ إلی السَماء و غضَّ بَصَهُ لم یرقه بصرهَ حَتی یُزوجَها اللَّهُ مِن الْحُورِ العینَ".
"هر کس زنی را به طور ناگهانی ببیند پس چشم از او بگرداند و به آسمان بنگرد چشم برنگرداند مگر آنکه خداوند او را با یک حورالعین به ازدواج در آورد. "
از امام محمد باقر(ع) سوال شد:
"سالتُه عَن الْمَرئةِ المسلمةِ، یصیبَها الْبَلاءُ فی جَسَدها: إما کسر أو جرَحْ فی مکان لایصلحُ النَظَرُ الیَه فیَکون الرَجلُ أرفَقُ بِعلاجِه مِن النِساءِ ایصلح لَه النَظَر إلیه؟ قالَ: إذَا الضْطَرتْ الِیْه فلیُعالِجها إن شاءَتْ ".
"زن مسلمانی که ناراحتی در بدنش عارض شده، شکستگی یا زخم و جراحتی در جایی از بدن مرد نمی تواند بنگرد و مرد معالج از زن های

معالج آگاه تر است آیا می تواند به او نگاه کند؟ حضرت فرمود:
وقتی زن ناچار از معالجه مرد باشد اگر بخواهد می تواند مرد او را معالجه کند."
البته روایات دیگری از ائمه وارد شده که نگاه و معالجه مرد را جایز ندانسته اند. علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر می پرسد:
"عزن الْمَرئِةِ یکونُ بها الْجَرحُ فی فَخذِها أو بَطنِها أو عَضُدها هَل یَصْلحَ للرجُلِ أن ینظرَ الَه یعالُجه. قالَ: لا".
"زنی که جراحتی در ران یا شکم یا بازویش ایجاد شده آیا سزاوار است مرد به جهت معالجه به او نگاه کند؟ فرمود: خیر نگاه نکند ولی معالجه نماید.."
بنابراین روشن شد که نگاه به نامحرم افزون بر "وجه و کفین" با التذاذ و عدم آن جایز نیست، از این اصل کلی مواردی استثناء شده است که عملاً محدوده ضرورت و ناچاری خواهد بود و فقیهان به این نکته توجه کرده و حد و حدود آن را باز گفته اند.

پوشش زن در جامعه

حضور یا عدم لزوم حضور زن در جامعه و فعالیتهای گوناگون او در اجتماع از جمله مسائلی است که با مسئله حجاب ارتباط نزدیک دارد و هنگامی که زن برای کار کردن یا امورات زندگی به هر شکلی که هست وارد جامعه می شود مطمئناً اگر حجاب و پوشش خود را رعایت نکند از سوی افراد مبتذل جامعه به فساد کشیده می شود. یک زن مسلمان بدون هیچ نیتی قصد خرید یا انجام کارهای خود را دارد؛ اما کسانی که در جامعه به عنوان فاسدان و شیاطین حضور دارند هیچ گاه زنی را که پوشش درست و کاملی ندارد رها نمی کنند؛ از این رو حجاب زن در جامعه دارای آثار و خواص بسیاری است که اگر در این امر کوتاهی شود عواقبی را برای جوانان آن جامعه به دنبال خواهد داشت.
خداوند در قرآن کریم می فرماید:
"إِنَّمَا الْمُؤْمِنونَ الَذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كانوا مَعَهُ عَلَى أمْرٍ جَامعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأذِنُوهُ ".
"مومنان، کسانی هستند که به خدا و رسول (ص) ایمان آورده و در مسائل و امور اجتماعی، مشارکت نموده و آن را ترک نمی کنند، مگر اینکه اجازه بگیرند. "
وقتی عمر به یکی از همسران پیامبر در مورد خروجش از منزل اعتراض می کند، حضرت فرمودند:
"قَد أذنَ اللَّهُ لَكن أنْ تَخْرُجنَ لِحوائجِكن ".
"خداوند به شما اجازه داده که برای برآورده شدن نیازهایتان از منزل خارج شوید. "
پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی می فرماید:
"یا علی! لَیس عَلَی النِساء جُمْعَة و لاجَماعَة و لا أذان وَ لا إقامَة."
"ای علی! اقامه نماز جمعه و نماز جماعت و اذان و اقامه بر زنان لازم نیست."
در مورد نماز جماعت، آنچنان اهمیت داده شده که پیامبر اکرم(ص) برای جلوگیری از نفاق منافقان فرمان می دهد:
"کسانی را که در نماز جماعت شرکت نمی کنند و تدریجاً قصد توطئه و تضعیف اسلام را دارند و نیز کسانی که به نماز جماعت دسترسی دارند و نماز جماعت را گرامی نمی دارند و در آن شرکت نمی کنند، تعزیر کنید."
دختر قیس علاوه بر اینکه محدث بوده و روایات عدیده ای از پیامبر نقل کرده در جنگ های پیامبر(ص) حضور یافته، به مداوای مجروحان و دفن شهدا می پرداخت. امیمه روزی با جمعی از زنان خدمت پیامبر اکرم (ص)

می رسد و به عنوان سخنگو می گوید:
"انا نُربدُ ان نَخْرُجَ مَعْکْ فی وجهِک! هذا فُنداوِی الْجَرحی وبعُین المُسْلمینَ بِمَا اسْتْطَعْنا"
"از پیامبر درخواست کردند که اجازه فرمایید ما در تخلیه مجروحان و دفن شهدا همکاری کنیم. حضرت اجازه دادند و آنان در جنگ خیبر شرکت کردند".
نسیبه دختر کعب بانوی قهرمانی است که در جنگ احد شرکت کرده و سیزده زخم در بدن او به وجود آمده بود. آن زمانی که عده ای پا به فرار گذاشتند یا بالای کوه نشسته بودند و زاری می کردند، ابن نسیبه و فرزندانش از پیامبر دفاع می کردند. وی به فرزندانش می گفت: "بشتابید به سوی جهاد و از پیامبر دفاع کنید وپیامبر را رها نکنید."
آنچه تا اینجا آوردیم جواز شرکت زن در اجتماع بود که جای هیچ تردید را باقی نمی گذارد. اسلام بر حضور اجتماعی زن، تأکید می ورزد؛ اما به لحاظ نکاتی که یادآوری نمودیم این حضور را بدون قید و شرط رها نمی کند. بسیاری از شرایط مهم و اساسی فعالیت اجتماعی زن و حضور وی در صحنه های گوناگون است که آن را در غالب اصلی خود پذیرفته، به آن عمل می کند.
خداوند در قرآن کریم می فرماید:
یا ایهَا الَّذینَ آمَنوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلاّ أنْ یُؤْذَنَ لَکمْ إِلی طَعامٍ غَیْرَ ناظِرینَ إِناهُ ولکنْ إِذا دعیتُمْ فَادخلوا فَاذا طَعِمْتمْ فَانْتَشِرُوا وَ لا مُسْتَأنِسینَ لِحَدیثِ إِنَّ ذلِکمْ کانَ یُؤْذِی النَّبِیَّ فَیَسْتَحْیی مِنْکم وَ اللّهُ لا یَسْتَحْیی مِنَ الْحَقِّ وَ إِذا لسَالْتُموهُنَّ مَتاعَا فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَراءِ حِجاب ذلِکمْ اطْهَرُ لِقُلُوبِکمْ وَ قُلُوبِهِنَّ وَ ما کانَ لَکمْ أنْ تؤْذُوا رَسُولَ اللّهِ وَ لا انْ تَنْکحُوَا أزْواجَهء مِنْ بَعْدِهِ ابَدَا إِنَّ ذلِکمْ کانَ عِندَ اللّهِ عظیمَا
"ای کسانی که به خدا ایمان آوردید! به خانه های پیامبر داخل نشوید مگر آنکه اذن دهد و برسر سفره طعامش دعوت کند، در آن حال هم نباید زودتر از وقت آمده و به ظروف غذا چشم انتظار گشایید بلکه موقعی که دعودت شده اید بیایید و چون غذا تناول کردید زود از پی کار خود متفرق شوید، نه آنجا برای سرگرمی و انس به سخنرانی پردازید که این کار پیامبر را آزار می دهد و او به شما از شرم اظهار نمی دارد، ولی خدا را از شما بر اظهار حق خجلتی نیست و هرگاه از زنان رسول متاعی می طلبید از پس پرده طلبید که حجاب برای آنکه دلهای شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است و نباید هرگز پیامبر اکرم را بیازارید و پس از وفات هیچ گاه زنانش را به نکاح خود در نیاورید که این کار نزد خدا بزرگ است".

شوخی با نا محرم

یکی از گناهانی که راه های ایجاد فساد را به وجود می آورد و بسیار برای مرد و زن خطرناک است شوخی کردن آنها است. هنگامی که مرد و زن نامحرم با هم صحبت می کنند، در دل خود دچار لغزش های شیطانی می شوند؛ اما اگر زن در این موقع پرهیز کند و با مرد صحبت نکند و سنگینی و وقار خود را حفظ نماید مرد نامحرم هم مجبور به عقب نشینی شده، سعی می کند با وی شوخی و خنده نکند؛ ولی چنانچه از این عمل غافل شده، بر عکس آن را عمل کند مطمئناً عواقب آن در دو عالم دامنگیرش خواهد شد؛ لذا به جوانان توصیه می شود در هر حالتی که هستند از این عمل پرهیز کنند و با بهانه تراشی از تلقین کردن به خود جلوگیری کنند.
حضرت علی(ع) به کسانی که به عدم اختلاط توجه نمی کنند و در اجتماع مردان، بدون هیچ مجوّزی در می آمیزند، هشدار می دهد و می فرماید:
"اَما تَستحیُون و لاتغارونَ، نسائُکم یَخْرجنز إلَی الأسْواقِ وبزُاحِمْنَ الْعُلوجَ ".
"آیا شما (مردان) حیا نمی کنید و غیرت نمی ورزید، زنانتان به بازارها رفته، مزاحم بیمار دلان می گردند."
حضرت در بیان دیگر می فرماید:
? "یا أهلَ العِراقِ نُبئِتُ أن نِساءَکم یدافِعْنَ الرِجالَ فِی الطَریق أما تَسْتَحیُونَ ".
"ای مردم عراق! خبردار شده ام که زنانتان، مردان را در راهها تنه می زنند، آیا حیا نمی کنید؟"
اهمیت مسئله تا آنجا است که پیامبر در بیعت با زنان به عدم اختلاط آنان با مردان تأکید نموده و ضمن بیعت با آنان می فرماید:
"عَلَی النِساءِ أن لایَحْتبَین و لایقْعُدنَ مَع الرِجالِ فِی الخَلا".
"از زنان پیمان گرفت که دوست نداشته باشند، در خلوت با مردان بنشینند."
پیامبر اکرم(ص) می فرماید:
"مَن کانَ یُؤمِنُ بِاللّه والْیَومِ الاخِر فَلا یَبیتُ فی مَوْضعٍ یَسْمَع نَفَس امرئَةٍ لیست له بمحرم".
"کسی که به خدا و روز قیامت، ایمان داشته باشد، در جایی نمی خوابد که نفس زن نامحرم را بشنود."
از این سخن رسول اکرم (ص) نیز می توان توجه شگرف آن بزرگوار را برای حفظ سلامت جامعه و دور نگهداشتن آن از فساد فهمید، همچنین نقش اختلاط و امتزاج زنان و مردان در گسترش فساد و زمینه سازی ها را استنباط نمود.

ابوبصیر می گوید:
"کنْت أقْری امرئَة کنْتُ أعلَمَها الْقرآنَ فمازَ حتُها بَشیءِ فَقِدمْتُ عَلی أبی جَعْفر فقالُ لی: أی شیءِ قُلْتَ لِلْمَرئِة فعطَیْت وَجْهی. فقالَ لاتَعُودنَّ إلَیْها".
"زنی را قرآن تعلیم می دادم، پسی به چیزی با او شوخی کردم، سپس نزد ابی جعفر(ع) رفتم. ایشان فرمود: چه چیزی به آن زن گفتی؟ رویم را پوشاندم حضرت فرمود: به سوی او باز نگرد".
پیامبر اکرم (ص) میفرماید:
"مَنْ فاکه امْرئَة لایمْلِکها جَلسَه اللَّهُ بکل کلِمةٍ کلّمَها فِی الدُنیا ألفَ عام".
"هر کس با زن نامحرمی شوخی کند در برابر هر کلمه ای که در دنیا ادا نموده، هزار سال زندانی می شود."
اسلام با طرح پوشش زن در حقیقت جواز حضور در اجتماع او را رقم زده است و با دستورات حکیمانه و راهگشایی که در چگونگی روش او ارائه داده از یک سو این نیروی عظیم را از تباه شدن نجات داده و از سوی دیگر جلوی فساد گستری و ناهنجاریهای ناشی از اختلاط مرد و زن را گرفته است. همه آحاد جامعه در مقابل سلامت نفسانی جامعه مسئولند و مسولیت مهم تر در این باره بر دوش خانم ها است.

فلسفه پوشش

عالمان و متفکران اسلامی در فلسفه پوشش، با استناد به نصوص دینی، مطالبی آورده اند که از تکرار آن خودداری می کنیم و به مطالبی می پردازیم که در ارتباط مستقیم با پوشش زن است.
زن مسلمان، تجسم حرمت و عفت در جامعه است. حفظ پوشش به نوعی احترام گذاشتن به زن و محفوظ نگه داشتن وی از نگاه های شهوانی و حیوانی است. چنانچه زن، حدود را رعایت نکند هر بیماردلی به او طمع نموده، با نگاه آلوده اش حر یم زن را می شکند. آن شخصیّتی که باید سالم بماند و نسل سالمی تربیت کند، تحت تاثیر نگاه های آلوده به گناه به طرف شهوات سوق داده می شود؛ در نتیجه هویت واقعی اش را فراموش کرده، در چنگال بیماردلان و هوسبازان گرفتار می آید و از منش انسانی اش سقوط کرده، به غرقاب حیوانیت فرو می رود.
میل به خودنمایی و جلوه گری به مصالحی در سرشت زن، نهفته است که باید در مسیر درست و هدفی والا به کار گرفته شود. بی گمان این گرایش در وجود زن اگر همچون سایر میل ها به درستی به کار گرفته شود، ثمرات مطلوبی خواهد داشت و در جهت کمال او کارآمد خواهد بود و در مسیر فراهم آوردن محیطی مناسب همراه با زندگی اش، سودمند خواهد شد. هیچ گرایش درونی بدون جهت در جان انسان به ودیعه نهاد نشده است؛ اما اگر این گرایش، مرزی نداشته باشد وخودنمایی وجلوه گری همواره ودرهمه جا نمود داشته باشد، قطعاً فساد آفرین خواهد بود و در ایجاد زمینه های ناهنجاری در جامعه تأثیر خواهد گذاشت. پوشش را می توان مهم ترین عامل تعدیل این میل دانست.
حضرت علی (ع) می فرماید:
"زَکات الجَمالِ، العِفافُ ".
"عفاف زکات زیبایی است".
زیبایی برای زن، سرمایه است؛ اما باید بجا مصرف شود و حفظ عفاف، زکات جمال زن است.

حیا و عفت زن چنان بر مرد اثر دارد که ذهن و فکر مرد را نسبت به او عوض می کند و حتی از کوچک ترین تفکرات بیهوده جلوگیری می نماید. حجاب و عفت که به انسانها داده شده از پیامبران و خانواده های آنها بوده که با عمل کردن به دستورات الهی به مردم به ارث رسیده است و با آگاه کردن عفت و حجاب در حریم ناموس اعتقادات دینی را در آداب آن قرار داده اند تا راه هرگونه بهانه ای را نسبت به آن بسته باشند؛ نمونه بارز آن دختران حضرت شعیب در مقابل حضرت موسی (ع) هستند.
قرآن کریم در مورد حیای دختران شعیب و عفت متقابل حضرت موسی (ع) می فرماید:
* فَخَرَجَ مِنْها خائِفَا یَتَرَقَّبُ قالَ رَبِّ نَجِّنی مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمینَ* وَ لَمّا تَوَجَّهَ تِلقاءَ مَدْیَنَ قالَ عَسی ربی أنْ یَهْدیَنی سَواءَ السَّبیلَ * وَ لَمّا وَرَدَ ماءَ مَدْیَنَ وَجَدَ علَیهِ أمَّةَ مِنَ النّاسِ یَسْقُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْراتَینِ تَذودانِ قالَ ما خَطْبکما قالَتا لا نَسْقی حَتّی یصْدرِ الرِّعاء وَ ابونا شَیخ کبیر " فسقی لَهُما ثُمَّ تَولّی إلَی الظِّلِّ فَقالَ رَبِّ إنّی لِما انْزَلْتَ إلَیَّ مِنْ خَیْرِ فَقیر* فَجاءَتْهُ إحْداهُما تَمْشی عَلَی اسْتِحْیاءِ قالَتْ إنَّ أبی یَدْعُوک لِیَجْزِیَک اجْرَ ما سَتَقَیْتَ لَنا فَلَمّا جاءَهُ وَ قَصَّ عَلَیهِ الْقَصَصَ قالَ لاتَخف نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمینَ قالَتْ إحْداهُما یا ابَتِ اسْتَأجِرْهُ إنَّ خیرَ مَنِ اسْتَاجَرْتَ الْقَوِی الْأمینُ قالَ إنّی أریدُ أنْ أنْکحَک إحْدَی ابْنَتَیَّ هاتَیْنِ عَلی أنْ تَأجُرَنی ثَمانِیَ حِجَجٍ فَإن أتْمَمْتَ عشْرَا فَمِنْ عِنْدکِ وَ ما أریدُ انْ اشُقَّ علَیْک سَتَجِدنی إنْ شَاءَ اللّهء مِنَ الصّالِحینَ*.
"موسی از شهر مصر با حال ترس و نگر انی از دشمن بیرون رفت، گفت: بارالها! مرا از شر این قوم ستمکار نجات ده و چون (ا ز مصر برون شد) رو به جانب شهر مَدین آورد با خود گفت: امید است که خدا مرا به راه مستقیم هدایت فرماید و چون بر سر چاه اَبی حوالی شهرمدین رسید آنجا جماعتی را دید که حشم و گوسفندان را سیراب می کردند و نزد آنان دو زن دید که (از مخلوط شدن گوسفندان) منع می کردند، گفت: خواستتان چیست؟ پاسخ دادند: ما گوسفندانمان را، سیراب نمی کنیم تا چوپانها از اینجا خارج شوند و پدر ما پیرمرد مُسِنّی است. موسی گوسفندانشان را اَب داد و به طرف سایه برفت و گفت: بار الها! من به خیری که تو نازل فرمایی محتاجم. موسی دید که یکی از آن دو دختر با کمال حیا باز آمد و گفت: پدرم از تو دعوت می کند تا در عوض سقایت گوسفندان ما به تو پاداشی دهد. چون موسی نزد او رسید و سرگذشت خود را بر او حکایت کرد (شعیب) گفت: اینک هیج مترس که از شر قوم ستمکار نجات (ابدی)

یافتی. یکی از ان دو دختر (صفورا) گفت: ای پدر! این مرد را به خدمت خود اجیرکن که بهتر کسی که باید به خدمت برگزینی کسی است که امین و توانا باشد. شعیب گفت: من اراده آن دارم که یکی از این دو دخترم را به نکاح تو در آورم بر این مهر که هشت سال اجیر من باشی و اگر ده سال تمام کنی آن دو سال، به میل و اختیار تو و من در این کار رنج بر تو نخواهم نهاد، ان شاءالله مرا شخصی شایسته این خدمت خواهی یافت."
خداوند برای نشان دادن عظمت حالت دختر شعیب، کلمه استحیا را به صورت نکره آورده است تا عفت و نجابتش را از طریق راه رفتنش نشان داده باشد و در مقابل، عفت موسی(ع) قرار داد که در تفسیر آمده است هنگام بازگشت، موسی(ع) به دختر شعیب فرمود راه را به من نشان بده و خودت از پشت سرم بیا؛ زیرا ما دودمان یعقوب به پشت سر زنان نگاه نمی کنیم و دختر شعیب به خاطر عفت شدید موسی(ع) را به امین ملقب نمود. علی بن ابراهیم می گوید:
"فقالَ لَها شُعَیْب: أمّا قوته فَقدْ عَرَّفْتِنیه أنَهُ یستَقِی الدلو وَحْدَه فَبِم عرفْتِ أمانَتَه؟ فقالَت: إنه لِما قال لی: تَأخری عنی و دلینی عَلَی الطَریق فأنَا مِن قَومَ لا یَنْظُرونَ فی أدبارِ النِساء عرفتُ انّهُ لَیْسَ مِن الَذینَ یَنْظرون فی أعْجازِ النساء فهذهِ أمانَتُه."
"شعیب به او (دخترش) گفت: نیروی آن جوان را به خاطر اینکه دلو بزرگ را به تنهایی از چاه کشید، به من شناساندی، اما او را از کجا شناخته ای؟ دختر گفت: از آنجا که موسی (ع) به من گفت: از پشت سرم بیا و راه را به من بنما، زیرا من از قومی هستم که به پشت سر زنان نگاه نمی کنند، دانستم او از کسانی است که از پشت سر به زنان نمی نگرد و همین دلیل بر امین بودنش است".
پیامبر اکرم (ص) می فرماید:
"خَیْرُ نِسائِکم العَفیفةُ الْغَلْمةُ".
"بهترین زنان شما، زنان عفیف و پاکدامن و شوهر دوست هستند."
?
:Martin Luther King Jr
I look to a day when people will not be judged by the color .of their skin, but the content of their character
من منتظر روزی هستم که مردم نه از روی رنگ پوستشان، بلکه از روی سیرتشان مورد قضاوت قرار گیرند.*
"مارتین لوتر کینگ جرالد / سیاهپوست آمریکایی، برنده جایزه نوبل"
?

فصل دوم: حجاب از نظر

اشاره

آداب و حفظ حجاب
در این فصل می خوانیم:

- حجاب از نظر قرآن
- حجاب از نظر معصومین
- حجاب از نظر حضرت فاطمه
- حجاب از نظر حضرت زینب
- حجاب از نظر مراجع تقلید
- حجاب از نظر امام خمینی
- حجاب از نظر مقام معظم رهبری
- حجاب از نظر متفکران غربی
- حجاب از نظر ادیان و ملل
- حجاب در یهودیان
- حجاب از نظر جرجی زیدان
- حجاب از نظر ویل دورانت
- حجاب از نظر مسیحیت
- حجاب در شریعت زرتشت
- حجاب نزد برهمائیان
- حجاب نزد بودائیان
- حجاب نزد عرب ها
- حجاب در تورات
- حجاب در انجیل

:Herman cain
Success is not the key to happiness. Happiness is the key to success. If you have what you are doing, you will be successful.
موفقیت کلید شادی نیست.شادی کلید موفقیت است. اگر آنچه را انجام می دهی دوست داشته باشی موفق خواهی بود.*
"هرمن کین / تاجر آمریکایی، بنیان گذار پیتزای گادفادر"

حجاب از نظر قرآن

آنچه سبب به وجود آمدن پوشش و حجاب شده، بی حجابی و اهمیت ندادن به آن قبل از نزول قرآن به پیامبر اکرم بوده است؛ زیراقبل از آنکه آیات سوره نور نازل شود سوء استفاده های زیادی از بی حجابی توسط ظالمان صورت می گرفت.
خداوند در قرآن کریم می فرماید:
"وَ قُلْ لِلومناتِ یَغضَضْنَ مِنْ اَبْصارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فروجَهُنَّ وَ لا یُبدِیْنَ زِیْنَتَهنَّ اِلّا ماظَهَرِ مِنْها ولْیَضْرِبْنَ بِخمْرِهِنَّ عَلی جُیوبِهنَّ وَ لا یُبْدِینَ زِیْنَتَهُنَّ.. ".
"ای پیامب(ص) به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را فرو گیرند و(از نگاه به مردان نامحرم بپرهیزند) و دامان خود را حفظ کنند و نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن مقدار که به طور طبیعی ظاهر است و(اطراف) روسریهای خود را بر سینه خود افکند. (تاگردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان همکیشان یا کنیزانشان یا افراد سفیهی که شمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی شان آشکار شود."
همچنین می فرماید:
"یا اَیُّهَا النَّبِی قُلْ لِاَزْواجِک وَ بَنَاتِک وَ نِساءِ الْمُؤمِنینَ یُدْنِینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلابِیبِهِنَّ ذلِک اَدْنی.. ".
"ای پیامبر(ع) به همسران و دخترانت و زنان مومنان بگو: روسری های بلند (مانند چادر) خود را بر خویش فرو افکنند تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنان سرزده، بدانند که) خداوند همواره بخشنده و مهربان است".
اُم سلمه- یکی از زنان پیامبر اکرم - می فرماید:
"هنگامی که آیه حجاب نازل شد زنان انصار از منزل بیرون آمدند، در حالی که عبا (و چادر) مشکی بر سر داشتند".
از این حدیث چنین استفاده می شود که چادر مشکی که امروز لباس بیرون از منزل زنان با شخصیّت و با تقوا است در صدر اسلام حجاب زنان پاکدامن بوده است.
زن با سر کردن چادر بهتر می تواند اندام و بر جستگیهای خود را بپوشاند.
در صدر اسلام بعضی از زنان بی بند و بار بودند که نسبت به پوشیدن حجاب اعتنا نمی کردند. خداوند حکیم دستور داد که زنان مومن و پاکدامن

حجاب خود را کاملاً رعایت کنند تا بین آنان، بانوان با عفّت و پاکد امن از زنان بد حجاب و آلوده مشخص گردند؛ در حقیقت چادر و حجاب کامل نشانه پاکدامنی، ایمان، سلامت روح و شخصیت والای زن است؛ در وافع حجاب مرزی است بین زنان با هویّت و زنان بی هویّت و غرب زده.
حجاب به خاطر آن است که زن با حجاب شناخته شود و مورد آزار و اذیت فرار نگیرد. اسماء دختر مرثد، نخلستانی داشت. روزی عده ای از زنان مدینه در حالی که لباس سراسری بر تن نداشتند، وارد نخلستان او شدند. اسماء که دید آنها چادر ندارند و خلخال و گردن و برآمدگی سینه آنها نمایان است، با ناراحتی گفت:
این چه حرکت زشتی است که مرتکب شده اید و با این وضع وارد باغ من شده اید؛ هنگامی که این قضیه به رسول خدا (ص) رسید شأن نزول آیه حجاب بر پیامبر(ص) نازل شد.

حجاب و پوشش جزو سنت های پیامبران و اهل بیت آنها بوده است. هیچ گاه در تاریخ مشاهده نشده است که کسانی همچون اهل بیت و همسرانشان بدون حجاب و پوشش در جامعه حضور داشته باشند و هر سخنی که از معصومین (ع) در مورد حجاب به مردم سفارش شده مطمئناً دارای آثار و برکاتی برای آن ها بوده است. خانواده هایی که امر حجاب را نزد همسران و دخترانشان اجرا می کنند، برکات زندگی آن ها در رزق و روزی و روا شدن حاجت های دنیوی و اخرویشان موثر خواهد بود؛ اما برای عمل کردن به حجاب سنتی به آگاهی احتیاج است؛ از این رو آنچه معصومین (ع) در این باب لازم بوده بیان کر ده ا ند.
امام محمدباقر(ص)می فرماید:
"وَلا یُبْدینَ زینَتَهنَّ الّا ما ظَهَرَ مِنْها، فَهِی الثِیّابُ وَ الکحْلُ وَالْخاتَم وَخِضابُ الْکفَّ والتِسوارُ والزینةُ ثَلاث: زینه لِلنّاسِ و زینةُ المَحْرَم فَمَوْضعُ القِلادَة فَما فَوْقَها و الدُّمْلَجُ وَ ما دُونَهِ وَ الْخَلْخالُ وَ ما اَسْفَلَ مِنْهُ و امّا زیَته الزَّوج فَالجَسَدَ کلَّه ء".
"زنان زینت خود را آشکار نکنند مگر آنچه پیدا است. زینت ظاهر عبارت است از سرمه، انگشتر، خضاب دستها و النگو، سپس فرمود:
زینت سه نوع است:
1. برای همه مردم و آن پوشش از نامحرم است.
2. زینت برای محارم است و آن جای گردنبند به بالاتر و محل بازوبند و خلخال به پایین تر است.
3. زینتی که به شوهر اختصاص دارد و آن تمام بدن زن است."
از امام صادق (ع) سوال شد:
"قلْتُ لَهُ ما یَحلّ الرَّجل اَنْ یَرَی مِنَ الْمَرأةِ اذِالَمْ یَکنْ مَحْرَماَ؟ قالَ الوَجْهُ وَ الْکفّانِ و القَدَمان ".
"برای مرد نگاه کردن به چه قسمتی از بدن زن جایز است در صورتی که محرم او نباشد؟ امام صادق (ع) فرمود: چهره، دو کف دست و دو قدم."
آنچه استثنا شده دست و صورت، بدون قصد لذت است؛ در رساله احکام فقها آمده است: "نگاه کردن به صورت و دستها اگر به قصد لذّت باشد حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است بدون قصد لذّت هم نگاه نکند و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد به جز صورت و دستها حرام می باشد".
اسماء دختر ابوبکر و خواهر عایشه به خانه پیامبر اکرم (ص) آمد، در حالی که جامه های نازک و بدن نما پوشیده بود. پیامبر اکرم (ص) روی خویش را از او برگرداند و فرمود:

"یا اَسْماء انِّ المَرأةَ اذا بَلَغَتِ الْمَحیضَ لَمْ تَصْلحْ اَنْ یُری مِنْها الاَ هذا وَ هذا و اَشارَ الِی کفَّهِ وَ وَجْهِه".
"ای اسماء! همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود، مگر از مچ دست به پایین و صورتش."
فضیل بن سیار می گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم:
"عَنِ الذَّراعَیْنِ مِنَ الْمَرأةِ اَهُما مِنَ الزّینة الّتی قالَ اللَّهُ تَبارک و تَعالی: ولا یبْدِینَ زِینَتَهنَّ اِلّا لِبعُولَتِهِنَّ؟ قالَ: نَعَمْ وما دُونَ اَلخِمارِ مِنَ الزَّینَةِ و ما دُون السِّوارَیْنِ ".
"آیا آرنج زن تا مچ از قسمتهایی است که باید از غیر محارم بپوشاند؟
امام (ع) فرمود:
بله! آنچه زیر روسری قرار می گیرد و همچنین از محل دستبند به بالا، باید پوشیده شود."
پیامبر اکرم (ص) در خطاب بهَ حَوْلاء (همسر عطاره) می فرماید:
"یا حَوْلاءُ، لا تُبْدِي زْینَتَک لِغَیْرِ زَوْجِک، یا حَوْلاء، لا تَحِلُّ لِامرأةٍ اَنْ تَظْهَرَ مِعصَمِها وَ قَدَمَها لِرَجلٍ غَیْرَ بَعْلِها وَ اذا فَعَلَتْ ذلِک لَمْ تَزَلْ فی لَعنَةِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ وَ غَضَبَ اللَّه عَلَیها وَ لَعنَتْهَا مَلائِکة اللَّهِ وَ اُعِدَّ لَها عَذاباَ أَلیماَ یا حَوْلاء، مَن کانَتْ مِنکنَّ تُؤْمِنُ باللَّهِ وَ الْیَوم الاخِر، لاتَجْعَل زینتَهَا لِغَبیرِ زَوجها وَ لا تُبدیءُ خِمارَها وَ مِعْصَمَها و اَیُّها اِمرَاَةٍ جَعَلَتْ شَیْئاَ مِنْ ذلِک لِغَیْرَ زَوْجِها، فَقَدْ اَفسَدَتْ دینَها وَ اَسْخَطَتْ رَبَّها عَلَیْها..."
"ای حولاء! زینت خود را برای غیر شوهرت آشکار نکن و برای زن جایز نیست مچ پایش را برای مرد نامحرم آشکار سازد و اکر مرتکب چنین عملی شد عواقبی را نیز به دنبال دارد:
1. خداوند سبحان همیشه او را لعنت می کند.
2. دچار خشم و غضب خداوند بزرگ می شود.
3. فرشتگان الهی همه او را لعنت می کنند.
4. عذ اب دردناکی برای او در روز قیامت آماده شده است.
ای حولاء! هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نمی کند، همچنین موی سر و مچ خود را نمایان نمی سازد و هر زنی که این کارها را برای غیر شوهرش انجام دهد دین خود را فاسد و خداوند را نسبت به خود خشمگین کرده است".
امام صادق (ع) می فرماید:
"لایَصلحُ لِلمَراة الْمُسلِمَةِ اَن تَلْبِسَ مِنَ الْخُمُرِ وَ الدُّرُوعِ ما لا یُواری شَیْئاَ".
"برای زن مسلمان جایز نیست که روسری و پیراهنی بر تن کندکه بدنش را نپوشاند".
امام رضا(ع) می فرماید:
"حَرُمَ النَّظْرُ الي شعور النِّساء.ِ لِما فِیهِ مِنْ نَهْیج الرِّجال وَ ما یَدْعُو التَّهیج

اِلَی الْفَسادِ والدَّخولِ فِیما لا یَحِلّ... ".
"حرام شد نگاه به موهای زنان، برای آنکه اگر موهای شان در برابر مردان نامحرم آشکار شود باعث تحریک و جلب توجه خواهد شد و فساد و بی بند و باری را به دنبال دارد و سبب می شود که در کارهای حرام وارد بشوند".

حجاب از نظر حضرت فاطمه(س)

حضرت فاطمه زهر(س) سرور زنان اهل ایمان و اسلام است. ایشان در حجاب و عفت زبانزد زنان عالم است. حضرت فاطمه زهرا(س) در مکتب پدری همچون پیامبر اکرم (ص) درس اخلاق و حیا را به نیکی آموخته است و هر آنچه سبب برتری و حفظ ارزش های بانویی همچون ایشان در طول تاریخ بوده و موجب الگو بودن بر زنان بشریت به شمار رفته، رعایت تقوا و عفاف این بانوی با کرامت است.
روزی پیامبر اکرم(ص) از صحابه خود پرسید:
"چه چیز برای زنان از همه بهتر است؟ "
یاران ندانستند. علی (ع) خدمت فاطمه علنی آمد و از ایشان پرسید، حضرت فاطمه (س) پاسخ داد:
"خَیر لَهُن أن لا یَرَیْن الرِجالَ ولا یَرونَهُنَ ".
"از همه چیز بهتر این است که نه آنها مردان بیگانه را ببینند و نه مردان بیگانه آنها را. "
وقتی حضرت علی (ع) بازگشت و پاسخ داد، حضرت رسول (ص) فرمودند:
"چه کسی این پاسخ را برای تو بیان کرد؟
حضرت علی (ع) عرض کرد: فاطمه (س) و پیامبر اکرم (ص) فرمود:
"انَها بضعْه مِنی؛ او پاره تن من است ".
روشن است که علی(ع) پاسخ را می دانست؛ اما سوال از آن بزرگوار برای طرح مقام والا و مکانت عظیم فاطمه اطهر است.
جایگاه بلند و شخصیت والای حضرت زهرا(س) روشن تر از آن است که به گفتگو نیاز داشته باشد. در روایاتی آمده است که هنگام تولد حضرت فاطمه (س) لباسی از بهشت برای آن حضرت آوردند و جسمش را با آن پوشاندند تا زمینه ای برای تعالی روحش باشد. راوی می گوید:
"وَ أخْرَجَتْ خِرقَتَیْنِ بَیْضاوَتَیْن أشدُ بیاضاَ من اللَبَنِ وأطب ربحاَ مِن الْمِسْک و العَنبر فَلفَقها بواحدةٍ وقنعها بالثانیةِ".
"دو جامه سفیدی که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوشبوتر بودند آوردند، یکی را به اندام پیچید و دومی را مقنعه ساخت ".
اسماء بنت عمیس می گوید: روزی فاطمه(س) به من فرمود:
من از کار مردم مدینه که زنان خود را بعد از وفات به صورت ناخوشایندی برای دفن می برند و تنها پارچه ای روی او می افکنند که حجم بدن از پشت آن نمایان است، ناراضی ام.
اسماء گفت: من در سرزمین حبشه چیزی دیده ام که جنازه مردگان را با آن حمل می کنند، شاخه هایی از درخت نخل را بر می دارند و به صورت

تابوت مخصوصی در می آورند، پارچه ای روی چوبهای آن می افکنند، سپس بدن را درون آن می گذارند، به گونه ای که بدن پیدا نمی شود. هنگامی که فاطمه (س) این مطالب را شنید، تبسم نمود و این تنها تبسم او بعد از وفات پیامبر اکرم(ص) بود.
به جهت اهمیت موضوع، چنین وصیت فرمود:
برای من تابوتی تهیه کن که هنگام حمل جنازه، بدنم پیدا نباشد و طرز ساختمانش چنین و چنان باشد.
این بانوی اطهر با این همه عظمت و جلالت و حراست از جایگاه بلند عفاف در زندگی، چون وارد فیامت شود به گوش خواهد رسید:
"یا مَعْشَر الْخَلائِق غَضُّوا ابصارَکم حَتی تُجوزَ فاطمه (ع) بِنْت محمد(ص) ."
"ای مردم! چشمهایتان را ببندید تا فاطمه (ع) دختر پیامبر اکرم (ص) عبور کند."
استاد جوادی آملی می گوید:
"این امر نه برای آن است که شما نامحرمید و اجازه دیدن آن حضرت را ندارید؛ زیرا در قیامت تکلیفی و حرمت و حلیتی و... نیست، بلکه وقتی آن حضرت با آن جلال می گذرد، اهل محشر توان دیدن آن را ندارند."
پیامبر اکرم (ص) در مورد حضرت فاطمه (ع) می فرماید:
"تحْشَر ابنَتی فاطِمة یَوْمَ القیمةِ وَعلَیْها حُلَّة الکرامَةِ قَدْ عَجِبَتْ بِماءِ الْحَیَوانِ فَتنْظُرُ إلَیها الْخَلائِ فیُعْجبونَ مِنْها".
"دخترم فاطمه روز قیامت محشور می شود در حالی که لباس کرامت بر تن دارد، لباسی که با آب حیات عجین شده بر تن و خلایق به عظمت او می نگرند و از مقام والای او در شگفتی فرو می روند".
پیروی از آن بزرگوار و الگوگیری آن حضرت در گرو آن است که زن مسلمان حق آن حضرت را پاس دارد و از عفاف و حرمتش حراست کند و همانند آن حضرت، پوشش کامل را رعایت نماید و وجود و زندگی، رفت و آمد و حضورش در جامعه را نمادی از عفاف، حیا و شکوه پر کند.
روزی حضرت علی محتاج به قرض شد، پس چادر حضرت فاطمه را که جنسش از پشم بود نزد یک یهودی به نام زید به گرو گذاشت و از او مقداری جو قرض گرفت. یهودی آن چادر را به خانه خود برد و در حجره گذاشت. وقتی شب شد زن یهودی به آن حجره آمد و دید نوری از آن چادر ساطع شده و تمام حجره را روشن کرده است. وقتی زن یهودی آن حالت شگفت انگیز را مشاهده کرد نزد شوهر خود رفت و آنچه دیده بود نقل کرد. یهودی از شنیدن این قضیه بسیار متعجب شد و فراموش کرده بود که چادر حضرت فاطمه (ع) در آن خانه است، پس به سرعت شناخت و داخل آن حجره شد و دید پرتو نور چادر آن خورشید فلک عصمت است که مانند بدر منیر، خانه را روشن کرده است. از مشاهده آن حالت تعجبش بیشتر

شد.
سپس او و زنش به خانه خویشان خود رفتند و آنها را خبر کردند و هشتاد نفر از آنها آمدند و از برکت پرتو نور چادر حضرت فاطمه (ع) همگی به نور اسلام منوّر گردیدند.

حجاب از نظر حضرت زینب (س)

زنان در نهضت عاشورا حضوری جدی و نقشی عظیم دارند. آنان در اوج مصائب و سختیها، حریم عفاف و حجاب را پاس داشتند و آخرین وصیت پیشوای بزرگ شهامت، معلم شهادت، امام حسین ع را که در آستانه رفتن به میدان نبرد بود آویزه گوش قرار دادند. امام (ع) فرموده بود:
آماده مصیبت باشید، لباسهای خود را بپوشید، بدانید خدا حامی شما است و از شما محافظت می کند و از شر دشمنان نجانتان می دهد و عاقبت امورتان را خیر می کند.
بنگرید امام حسین (ع) در آن هنگام شگرف و در آخرین لحظات حیات، زنان را به حجاب و پاس داشتن حرمتشان سفارش می کند. آنان نیز می دانستند که سپاه یزید و ارتش بنی امیه اسیر زرق و برق دنیا هستند، پس زیور آلات خود رابه سوی آنان پرتاب کردند تا در پی غارت آنان کمتر بی حیایی کنند.
حضرت زینب که- پیام آور این حماسه و قافله سالار یاران پیامبران نور است- در کوفه برای لرزندان دلها و به هوش آوردن خفتگان در عین عفاف و حیا سخن گفت:
کلام زینب (س) و منش والای او هنگام سخن گفتن به گونه ای بود که گفتند:
"و لَم أرَواللَهِ خَفرِةَ قَط انطَقَ مِنْها".
"به خدا سوگند! هرگز زن با حیایی را ندیدم که از زینب شیواتر سخن بگوید".
آن حضرت با همه شکوه و شهامت در مجلس یزید به پا خاست و پرده دری آن مدعی خلافت را بر سرش کوفت و فریاد زد:
"اَمِنَ الْعَدلِ یابْنَ الطُلَقاء تَخدیرکُ حَرائِرکُ و امائُک وسوقک بناتُ رسولِ اللّه سَبا یا قد هَتکتَ ستورَ هُنَّ و ابْدیتَ و جُوهَهُنَ... ".
"آیا عدالت همین است که زنان و کنیزان خود را در پس پرده بنشانی و دختران پیامبر اکرم(ص) را در مجلس بیگانگان بر پا بداری؟! پرده زنان ما را هتک کردی و نقاب از چهره شان به غارت بردی."
در همان جلسه است که سکینه دختر امام حسین (ع) به گریه می افتد و زمانی که یزید، علت آن را جویا می شود، می گوید:
"کیفْ لایَبْکی مَنْ لَیْس لَها ساترٌ یَسْترُ وجهَها عنْک و عَن جلَساءِ مَجْلسِک."
"چگونه گریه نکند کسی که پوشش و نقابی برای او نیست که صورت خود را از تو و حضار مجلست بپوشاند".
سکینه همان دختر جوانی است که قبل از این در قتلگاه با کشته پدر درد

دل کرد و گفت:
"یا أبتَا اُنظُر اِلی رؤوسِنَا الْمَکشُوفَةِ".
"پدر جان! بنگر به سرهای برهنه ما".
و این جمله آغاز درد دل دختر با پدر است و می فهماند که جانگدازترین مصیبت در سرزمین کربلا همین بلا و مصیبت است.
حضرت ام کلثوم نیز از جمله زنانی است که این مهم را پاس می دارد و در بدو ورود به دمشق تقاضایش را چنین ابراز می کند:
"دنتْ اُم کلْثومٍ منَ شمْر و قالَتْ لَه‌ء لی إلَیْک حاجه قال: ما هِی؟ قالَتْ: اذ دخلْتَ بنَا البْبلَدَ فاجِمْلنا فی دربٍ قَلیلِ النَظارةِ و تقدَّمْ ان یَخْرِجُوا هذه الرووسَ مِن بیْنِ الْمَحامِل و تنْجوُنا عَنْهاَ فقَدْ خزِینا مِنَ کنْزةِ النَظَر إلَیْنا و نَحْن فی هذهِ الحَالِ، فأمَر بضد ماسئَلَه بغْیاَ مِنْه و عُتواَ و سئَلَک بِهْم عَلی تِلک الصفَة حَتی وَصلوا بابَ دِمشقَ حیث یکون السبی".
"ای شمر! به تو حاجتی دارم. پرسید چیست؟
فرمود: چون ما را به شهر درآوردی از دری ببر که نظاره گران اندک باشند و به آن مردم که همراه تو هستند بگو سرها را از میان کجاوه ها ببرند و ما را از اینان رها کنند، ما با این حال به دروازه دمشق وارد شدیم جایی که اسیران را نگاه می داشتند".
رسالت عظیم اهل بیت در حفظ پوشش، ام کلثوم را وامی دارد که از دشمن تقاضا کند زمینه نظاره گری خاندان رسول (ص) را کاهش دهد و برای استتار خود از سر عزیزانش کمک گیرد؟ اما دشمن تقاضا را رد می کند تا ضربات روحی را به طور کامل وارد سازد؛ غافل از اینکه روح حیا در رگهای این بزرگواران دمیده است؛ لذا این پیام توسط سکینه دختر امام حسین (ع) به یکی از صحابه می رسد تا به گوش زنان در همه عصرها برسد.
سهل بن سعد ساعدی می گوید:
بر دروازه دمشق رفتم، بیرق هایی پی درپی پیدا شد، سواری دیدم بیرقی در دست داشت، چیزی از بالای آن بیرون آورد و سری که نورانی بود و به پیامبر اکرم (ص) شباهت داشت. دیدم از پشت سر وی زنانی بر شترانی بی روپوش سوارند، نزدیک شدم و از نخستین زن پرسیدم:
کیستی؟ گفت: سکینه بنت الحسین. گفتم: حاجتی داری تا برآورم؟
من سهل بن سعد ساعدی هستم، جدّ تو را دیدم و حدیث او را شنیدم.
گفت:
ای سهل! به حامل این سر بگو که آن را زیاد در دور ببرد تا مردم مشغول نگریستن آن شوند و به حرم رسول کمتر نگاه کنند. سهل گفت:
چهارصد دینار به سربازان دادم تا آن کار را انجام دادند.

کاهی در کوچه و خیابان دیده می شود دختر خانمی که سن او از شش-هفت سال تجاوز نمی کند بدون پوشش همراه پدر و مادرش بیرون آمده است و بعضی اوقات علاوه بر آنکه پوششی ندارد، با پوشاندن لباس های بسیار زیبا و رنگارنگ و با شکلهای مختلف موها نظر هر بیننده ای را به دختر کوچک جلب می کند. وقتی به پدر و مادر این دختر خانم گفته می شود: حداقل یک روسری سر دخترتان می کردید برخی در جواب می گویند:
این هنوز نُه سالش تمام نشده است.
چنین مادرانی گمان می کنند وقتی نُه سال دخترشان تمام شد باید روسری و چادر سر او کنند، در حالی که وقتی نه سال تمام شد نماز و روزه بر او واجب می شود و باید واجبات را انجام دهد و محرمات را ترک نماید.
فرزندانتان را قبل از رسیدن به سن تکلیف به نماز و روزه در حدّ توانشان وادار نمایید تا قبل از رسیدن به بلوغ، احکام الهی را بیاموزند و روح و جسمشان آمادگی قبول تکالیف حضرت احدیّت را داشته باشد.
حجاب بچه ها قبل از تکلیف یک نوع تمرین و عادت برای او است و روش امام معصوم (ع) را به ما نشان می دهد که لازم است دخترانمان را در این سنین بپوشانیم.
oسوال: برخی از مادران فرزندان دختر خود را که به حد بلوغ شرعی نرسیده اند با سر و روی برهنه در خیابانها و مجالس و حضور نامحرمان می آورند مستدعی است وظیفه والدین را در قبال فرزندان خود بیان فرمایید و این بی اعتنایی چه صورتی دارد؟
?جواب : کار صَحیحی نیست و والدین موظفند دختر را از کودکی به رعایت حجاب و گریز از نامحرم عادت دهند و اگر در این امر مسامحه کنند و دختر را نسبت به نامحرم
بی تفاوت نمایند، در معاصی دختر شریک هستند.
?در حدیث وارد شده است در مجلسی که حضرت رضا (ع) تشریف داشتند و عد ه ای نیز حضور داشتند دختر بچه ای وارد شد و حضّار یکی یکی دختر را مورد نوازش قرار دادند تا به حضرت رضا (ع) رسید، آن حضرت از سنّ دختر سوال کرد، گفت: پنج سال دارم، حضرت دختر را از خود دور کرد.
این عمل آن بزرگوار باید برای زن مسلمان سرمشق باشد.
"حضرت آیة اللّه العظمی صافی گلپایگانی"
?این کار اشاعه فاحشه است و حرام است.

"حفرت آیة اللّه العظمی مظاهری"
?بر پدر و مادر واجب است که فرزندان خود را با آداب و رسوم اسلامی و وظایف شرعی آشنا کنند و چنانچه موارد مذکور موجب تهییج و مفسده شود اگر چه بچه ممیز نباشد باید آن را بپوشانند و حفظ کنند که در آینده آلوده و بی بند و بار نشود.
"حضرت آیه اللّه العظمی فاضل لنکرانی"
?یکی از وظایف مهم پدر و مادر عادت دادن فرزندان به کارهای نیک و عادت دادن به ترک محرمات است، مخصوصاً در احادیث آمده سن دختر که از پنج و شش گذشت لازم است حجاب را مراعات کند و پدران و مادران او را بدون حجاب در انظار بیگانگان حاضرنکنند.
"ایه اللّه العظمی نوری همدانی"
?حجاب بانوان در اسلام، یکی از اموری است که از وقتی استعمارگران چشم طمع به کشورهای اسلامی و غصب معادن و منابع آنها دوختند، مورد حمله آنها قرار گرفت؛ زیرا چادر و حجاب زنان مسلمان را یکی از عوامل بزرگ برای بقای استقلال شخصیت اسلامی کل جامعه مسلمانان و حفظ هویت اسلامی آن دیدند و آن را مانع نفوذ سیاسی و اقتصادی خود شناختند.
"حضرت آیة اللّه العظمی گلپایگانی"
?چادر، هم بهترین نوع حجاب است و هم یک نشانه ملی ما است که هیچ منافاتی با هیچ نوع تحرکی از زن ندارد. اگر واقعاً کار اجتماعی و کار سیاسی و کار فکری به معنای تحرک باشد، لباس رسمی زن می تواند چادر باشد که بهترین نوع حجاب است؛ البته می توان محجبه بود ولی چادر نداشت منتها همین جا هم باید آن مرز را پیدا کرد.
"حضرت آیة الله العظمی خامنه ای"
عده ای از چادر فرار می کنند به خاطر اینکه هجوم تبلیغاتی غرب دامن گیرشان شده است؛ اما اگر از چادر فرار می کنند به آن حجاب واقعی بدون چادر هم رو نمی آورند؛ چون آن را هم غرب مورد تهاجم قرار می دهد.
تصور نکنید اگر چادر را کنار بگذاریم دست از سر ما برمی دارند، آنها به این چیزها قانع نیستند بلکه می خواهند همان فرهنگ منحوس خودشان را در اینجا مثل زمان شاه که زن اصلاً حجاب و پوشش نداشت عملی کنند.
رضاخان این مرد قلدر نادانِ بی سواد خود را در اختیار دشمن قرار داد. یکباره لباس این کشور را عوض کرد، بسیاری از سنتهای مردم را تغییر داد، دین را ممنوع کرد و... .
چقدر رسوایی است که یک پادشاهی یکباره لباس ملی کشورش را عوض کند. شما به اکثر نقاط دنیا مثل هند سفر کنید، ملتها لباس ملی خودشان را

دارند و به آن افتخار می کنند و از آن احساس سرشکستگی هم نمی کنند؛ ولی آنها آمدند یکباره لباس ملی این ملّت را ممنوع کردند. چرا با این لباس نمی شود عالِم شد؟ بزرگ ترین دانشمندان ایرانی که آثار آنها در اروپا تدریس می شود با همین فرهنگ، لباس و در همین محیط پرورش یافتند. مگر لباس چه تاثیری دارد؟
چادر را از سر زن ها برداشتند و گفتند: با چادر غیرممکن است زنی عالم و دانشمند بشود و در فعالیت اجتماعی شرکت بکند!
سوال من این است که با برداشتن چادر در کشور ما زن ها تا چه اندازه در فعالیتهای اجتماعی شرکت کردند؟
مگر در دوران رضاخان و پسرش، فرصتی داده شد تا زن های ما در فعالیتهای اجتماعی شرکت کنند؟
زن های ایرانی زمانی وارد فعالیت اجتماعی شدند و کشور را با دستهای توانای خود متحول کردند و مردهای این کشور را دنبال خود به میدان مبارزه کشیدند که چادر سرشان کردند.
" حضرت آیة اللّه العظمی خامنه ای"
?بی شک چادر حجاب برتر است.
"حضرت ایة الله العظمی مکارم شیرازی"
?چادر حجاب پسندیده است.
" حضرت آیة اللّه العظمی بهجت"
?چادر بهترین پوشش برای خانم ها است؛ چون تمامی بدن را می پوشاند. خانم های مسلمان باید آداب و سنن اسلام را در لباس پوشیدن مراعات کنند و از تجددگرایی مضرّ پرهیز کنند.
"حضرت ایة اللّه العظمی صافی گلپایگانی"
?سزاوار است خانم ها از چادر استفاده کنند؛ چون چادر در کشور اسلامی ایران از مظاهر و شعار اسلام می باشد و با حفظ این شعار رسمی سعی کنند بانوان محترم حرکت دشمن علیه حجاب برتر را خنثی کنند.
"حضرت آیة الله العظمی فاضل لنکرانی"
?چادر حجاب برتر است و سزاوار نیست زن های مومن بدون چادر وارد جامعه شوند.
"حضرت آیة الله العظمی سیستانی "
?نظر به اینکه چادر از جهات مختلف می تواند پوشش کاملی باشد به بانوان توصیه می گردد که چادر را به عنوان مهم ترین نوع حجاب که شعار ملی و مذهبی ما است حفظ نمایند؛ زیرا موجب وقار و سنگینی زن خواهد بود.
"حضرت آیة اللّه العظمی علوی گلپایگانی"
oسوال: عده ای با تبلیغات فرهنگی دشمن در روزنامه ها و سخنرانی

هایشان می گویند: چادر مشکی برای بانوان مکروه است و باید پوشش جدید مانند مانتو و دامن با رنگهای متنوع جایگزین چادر مشکی شود. آیا چنین حرفی و اقدامی صحیح است؟
?این صحبت صحیح نیست و بهترین حجاب پوشیدن چادر است و چادر سیاه هم بی اشکال است.
"مقام معظم رهبری"
?چادر مشکی بهترین نوع حجاب است و پوشیدن لباسهایی که جلب توجه کند حرام است.
"حضرت آیة الله العظمی فاضل لنکرانی"
?اظهارنظر در مسائل دینی و احکام شرعی بر کسانی که صاحب نظر نیستند جایز نیست و بر مومنین واجب است در تمام احکام دینی به مراجع بزرگوار و اسلام شناسان مورد وثوق و اعتماد مراجعه نمایند.
" حضرت آیة اللّه العظمی خامنه ای"
?زن باید بدن خود را در غیروجه و کفین از نامحرم بپوشاند و نیز باید زینت خود را بپوشاند و لباسی که زینت حساب می شود باید آن را هم بپوشاند و با چادر بهتر می تواند بدن و زینت را بپوشاند و چادر سیاه مثل عبای سیاه کراهت ندارد.
"حضرت آیه الله العظمی تبر یزی "
?باتوجه به اینکه درحال حاضر رنگ مشکی برای حفظ پوشش زنان بهتر است کراهت آن ثابت نیست.
"حضرت آیة الله العظمی مکارم شیرازی "
?چادر مشکی برای خانم یک سنت شرعی و ملی است، وانگهی باید در حفظ آن کوشا باشیم و اگر این گونه حرفها درست بود، علما و بزرگان و مراجع معظم تقلید و حضرت مقام معظم رهبری بهتر از دیگران می دانستند، مقیّد بودن خانم های آنان به چادر مشکی یک امر ضروری است.
"حفرت آیة اللّه العظمی مظاهری"
?نظریه مذکور صحیح نیست و مفاسد بسیار دارد. متأسفانه در این زمان عده ای اصرار بر آشکار شدن بدن زن و خروج او از عفاف که حافظ شخصیت و ارزش و متانت او است دارند؛ مع الوصف می خواهند این امر را اسلامی جلوه دهند در حالی که برخلاف اسلام است.
"حضرت آیة الله العظمی صافی گلپایگانی"
خواهران مسلمان توجّه داشته باشند چادر وفتی ارزش واقعی خود را پیدا می کند که ضمن استفاده از چادر، از مقنعه و لباسهای آستین بلند و جوراب ضخیم برای خارج شدن از خانه و رویارویی با نامحرم استفاده کنند که خشنودی الهی نیز در آن است.
وفتی به برخی از بانوان سفارش می شود که چادر سر نمایند، شروع به

مذمت بعضی از زنان چادری می کنند و می گویند:
چادری ها خیلی بدتر از ما هستند و... .
1. تعداد کمی از زنان چادری با اینکه چادر دارند حجاب را کاملاً رعایت نمی کنند؛ ولی سخن ما روی این تعداد زنان نیست؛ بلکه حرف ما روی اصل چادراست و آن این است که وقتی چادر درست سر شود در حالی که مانتو هم زیر آن پوشیده شده باشد و سایر موازین شرعی رعایت گردد بهترین نوع حجاب است. 02 این حرفها بهانه و توجیهی است برای فرار از چادر سرکردن والا هر انسان عاقلی می داند در هر گروه و صنفی تعدادی بد هستند، همان طوری که در قشر دکترها، نظامیان، کارمندان و... این افراد وجود دارند. ولی نمی توان گفت کشور به دکتر، نیروی مسلح و... احتیاج ندارد؛ زیرا اصل وجود طبیب و نیروی نظامی برای وجود مملکت الزامی است.
oآیا حجاب از ضروریات دین است و حکم کسانی که به آن بی اعتنایی می کنند چیست؟
?بی اعتنایی به حجاب گناه است و داشتن حجاب واجب است.
" حضرت اية اللّه العظمی بهجت"
?بله! حجاب از ضروریات اسلام است و اگر کسی منکر آن باشد نظیر کسی است که منکر نماز باشد؛ ولی اگر منکر نیست اما عمل به آن نمی کند فقط فاسق است.
"حضرت آية اللّه العظمی مظاهری"
?اصل وجوب حجاب فی الجمله از ضروریات اسلام است و منکر آن مرتد است؛ ولی بی اعتنایی به آن یا عدم انکار وجوب آن، فاسق است.
"حضرت آية اللّه العظمی صافی گلپایگانی"
oآیا حجاب از ضروریات اسلام است و منکر آن و کسانی که به این دستور الهی به ویژه در جامعه اسلامی بی اعتنایی می کنند چه حکمی دارند؟
oاصل حکم حجاب از ضروریات است و منکر آن حکم منکر ضروری را دارد و منکر ضروری محکوم به کفر است، مگر اینکه معلوم باشد منکر خدا یا پیامبر اکرم نیست.
oسوال: در صورتی که زن می داند مرد نامحرم به قصد لذّت به صورت و دستهای معمولی زینت نشده او نگاه می کند، در چنین فرضی پوشاندن صورت و دست لازم است یا نه؟
?در فرض مذکور باید حتی وجه و کفین خود را هم بپوشاند.
"مقام معظم رهبری"
?بلی! در این صورت بنابر احتیاط پوشاندن لازم است.
" حضرت اية الله العظمی تبریزی"
?پوشاندن دست و صورت مطلقاً بنابر احتیاط لازم است.

"حضرت ایة اللّه العظمی بهجت"
?پوشاندن در فرض مذکور واجب است.
"حضرت آیة اللّه العظمی مظاهری" ?پوشانیدن در این صورت بر آنها واجب نیست مگر اینکه مفسده خاصی بر آن مترتب شود.
"حضرت آیة الله العظمی مکارم شیرازی"
oگفته شد که زن باید خود را از پسر بچّه ممیز بپوشاند، بفرمایید ممیز بودن پسر بچّه از چه راه یا راههایی شناخته می شود؟
?جواب: مطالبی که بزرگها می فهمند و اطفال آنها را درک نمی کنند، اگر بچّه به حدی برسدکه آن مطالب را تشخیص بدهد به او بچّه ممیّز می گویند.
oپوشیدن جورابهای نازک و بدن نما برای خانم ها بیرون از منزل و انظار نامحرمان چه صورتی دارد؟
?جواب: بر زن واجب است بدن خود را از نامحرمان بپوشاند و از هر گونه لباسی که جلب توجه نامحرم می کند، اجتناب نماید.
"حضرت آیة اللّه العظمی اراکی"
?حرام است.
"حضرت آیة اللّه العظمی گلپایگانی"
?پوشانیدن بدن از نامحرمان بر زن واجب است و چنین جورابهایی برای حجاب شرعی واجب، کفایت نمی کند.
" مقام معظم رهبری"
oبیرون گذاشتن موهای سر از چادر و مقنعه توسط خانم ها در انظار عموم و در دید نامحرم چه حکمی دارد؟
?جواب: بر زن واجب است موهای خود را از نامحرم بپوشاند.
"اراکی رحمت الله"
?حرام است.
"حضرت آیة اللّه العظمی گلپایگانی"
?جایز نیست، پوشیدن تمام موی سر در برابر نامحرم واجب است.
" مقام معظم رهبری"
oآرایش کردن خانم ها در بیرون از خانه (خانم های کارمند، محصّل و...) چه صورتی دارد؟
?جواب: بر زن واجب است زینت خود را از نامحرم بپوشاند.
" اراکی رحمَت الله "
?جایز نیست.
"گلپا یگانی"
?اصل آرایش اشکال ندارد؛ ولی واجب است در برابر نامحرم بپوشاند.
"مقام معظم رهبری"

oپوشیدن لباس در رنگهای تند و زننده و جلب نظر کننده در اجتماع برای خانم ها چه صورتی دارد؟
?پوشیدن هرگانه لباسی که توجّه نامحرم را جلب کند، حرام است.
"اراکی رحمت الله"
?با فرض آنکه مهیّج شهوت باشد حرام است.
" آیه الله گلپایگا نی"
?هرگونه لباسی که بدن و برجستگی های بدن زن را از نامحرم بپوشاند کافی است؛ ولی باید از انتخاب رنگ یا شکلی که موجب جلب نظر و انگشت نما شدن است خودداری نمایند.
"مقام معظم رهبری"
oآرایش کردن زنان در خیابانها و بیرون گذاشتن کمی از موها و پوشیدن جوراب بدن نما و لباسهای تحریک کننده چه صورتی دارد؟
?حرام است.
" حضرت آیة الله العظمی لنکرانی"
?حرام است.
"حضرت ایه اللّه العظمی بهجت"
?حرام است .
" حضرت آیه اللّه العظمی صافی گلپایگانی"
?جایز نیست.
" حضرت آیة اللّه العظمی تبریزی"
?جایز نیست.
"حضرت آیة اللّه العظمی سیستانی"
?حرام و گناه آن خطری بزرگ است.
" حضرا! ابه اللّه العظمی مظاهری"
oحکم سرکردن چادرهای برّاق (شِرمن) برای بانوان چیست؟
?اشکال ندارد مگر آنکه به صورتی باشد که جلب نظر نامحرم نماید و زن با سرکردن در میان نامحرمان انگشت نما گردد.
"مقام معظم رهبری"
oپوشیدن پیراهنی که آستین آن بالای آرنج است برای مردان چه صورتی دارد؟
?بر مردها پوشاندن بدن خود از دید نامحرم واجب نیست؛ ولی اگر بدانند در معرض دید زنان نامحرم قرار می گیرد و نگاه می کنند جهت تحرز از گناه باید تحرز از سر و گردن و دستها تا مچ را بپوشانند.
"مفام معظم رهبری"
?پوشیدن چادرهایی که مو یا سایه دستها از پشت آن نمایان باشد جایز نیست و خانم ها خصوصاً در منزل اگر نامحرمی هست باید از پوشیدن این

گونه چادرها خودداری کنند.
"امام/ گلپایگانی/ اراکی"
?نگاه کردن به دست خانم نامحرمی که انگشتری یا النگو در دست دارد یا ناخن های خود را بلند کرده و یا لاک زده و یا به هر صورت زینت داده حرام است، خواه نامحرم از بستگان نزدیک باشد و یا غریبه باشد.
"امام/ گلپایگانی/ اراکی"
?صحبت کردن خانم ها با نامحرم به غیر ضرورت مکروه است.
"امام/ گلپایگا نی"
?در صورتی که مرد بداند در مکانی خانم های بی حجاب یا بد حجاب هستند رفتن به آن محل برای اینکه چشمش به آنها بیفتد حرام است.
"امام/ گلپابگانی/ اراکی"
?جواربهای نازک که پوست پا نمایان باشد، حکم پوشش را ندارند و خانم ها باید از پوشیدن این گونه جورابها در مقابل نامحرم اجتناب کنند.
"امام/ گلپا یگانی/ اراکی"
oبیرون گذاشتن موهای سر از چادر و مقنعه توسط خانم ها در انظار عمومی چه حکمی دارد؟
?حرام است.
" گلپا یگانی/ خامنه ای/ فاضل/ مکارم شیرازی/ صافی گلپا یگانی"
?نگاه کردن بدون لذّت به زنان بدحجاب که مو و زینت خود را نزد نامحرم آشکار می کنند و اگر تذکری هم به آنها داده شود اصلاً توجه و گوش نمی دهند، آیا این نگاه جایز است یا نه و آیا چنین زنانی در حکم ملحق به زنان بادیه نشین و اعراب هستند یا نه؟
?در فرض سوال نگاه جایز نیست و ملحق نیستند.
"مفام معظم رهبری"
?جایز نیست.
" حضرت ایة اللّه العظمی بهجت"
?خیر، جایز نیست و حتی نگاه به زنان بادیه نشین هم صحیح نیست.
"حضرت ایة الله العظمی فاضل لنکرانی"
?جایز نیست و این گونه زن ها ملحق به بادیه نشینها نیستند.
"حضرت آیة اللّه العظمی لطف اللّه صافی گلپایگانی"
?نگاه به صورت زن که زینت دارد حرام است و قیاس او به زن های بادیه نشین قیاس درستی نیست.
"حضرت ایة اللّه العظمی مظاهری"

حجاب از نظر امام خمینی

یکی از پیشرفت های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در زمان مبارزات امام خمینی (ره) با دربار شاه در مورد حجاب و پوشش زنان مسلمان ایران بود. آنچه سبب شد امام خمینی (ره) دست به قیام بزنند، فساد و بی بندوباری بود که در جامعه دامنگیر مردم شده بود و آثار شوم آن به نسل های بعدی سرایت می کرد؛ اما با دلاوری های مردان خدا همچون امام خمینی (ره)، مردم مومن کشور اسلامی ایران علیه این گونه بی بندوباری های دربار شاه قیام کردند و با پوشش و حجاب کامل دختران و زنان مسلمان توانستند رژیم شاهنشاهی را از ایران بیرون کرده مملکت را با به وجود آوردن حجاب و پوشش اسلامی پیروز نمایند و رضایت و خشنودی خداوند و ائمه معصومین را به دست آوردند و خداوند نعمت های بی دریغش را برای این مردم هر روز فراوان تر از روز دیگر نازل کرد، از همین رو حجاب یکی از مهمترین آثار و برکات خود را در قیام علیه نظام شاهنشاهی به اثبات رساند.

امام خمینی در بیانات خود در مورد حجاب می فرماید:

"از جنایتهای بزرگی که به ملّت ما شد... بانوان ما را ملعبه کردند. بانوان ما را مثل عروسکها کردند. اینها می خواستند زن را مثل شیء مثل یک چیز، مثل یک متاع، به این دست و آن دست بسپارند."

زن هم باید از فساد اجتناب کند. زن ها نباید ملعبه جوانهای هرزه بشوند. زن ها نباید مقام خودشان را منحط کنند و خدای ناخواسته بزک کرده بیرون بروند و در انظار مردم فاسد قرار گیرند. زن ها باید انسان باشند، زن ها باید تقوا داشته باشند، زن ها اختیار دارند، همان طوری که مردها اختیار دارند.

آنهایی که قصد دارند زنان را ملعبه مردان و جوانان فاسد قرار بدهند، جنایتکار هستند. زن ها نباید فریب بخورند. زن ها گمان نکنند این مقام زن است که بزک کرده یا سر باز و لخت بیرون برود، این مقام زن نیست، این عروسک بازی است، زن باید شجاع باشد.

زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند. زن آدم ساز است، زن مربّی انسان است.

این جانب به زنان توصیه می کنم که رفتار زمان طاغوت را فراموش کنند و ایران عزیز را که متعلق به خودشان و فرزندانشان است به طور شایسته بسازند.

امام خمینی معنای آزادی غربی را چنین تشریح می کند:

"آن آزادی که آنها برای مملکت ما می خواستند آن آزادی بود که پسرهای

جوان ما و هم دخترهای جوان ما را به تباهی بکشند. آن آزادی را آنها می خواهند که من، این آزادی وارداتی یا آزادی استعماری را یک آزادی که در ممالکی که وابسته به غیر باشد. این آزادی ها را سوغات می آورند، مثل هروئین، مشروبات، صدها محل فساد که همه را در غالب آزادی به وجود می آوردند و می خواستند مراکز فحشا بیشتر از مراکز علم باشد".

حجاب از نظر مقام معظم رهبری

بزرگ ترین سلاح مسلمانان در مقابل دشمنان، حجاب زنان است. از زمان صدر اسلام آنچه ظالمان را به طرف خود جلب می کرده حجاب زنان مسلمان بوده؛ به همین علت رهبران دینی در صدر اسلام از هیچ گونه عملی در این راه کوتاهی نکرده اند تا پایه های محکم اسلام در نسل های بعدی آنچه را که در اعتقادات و ایمان تأثیر می گذارد عملی سازند؛ از این رو بعد از آنکه امام خمینی (ره) در مبارزات خود از هیچ گونه خدمتی در راه اسلام و مسلمانان دریغ نکرد، رهبر کبیر انقلاب حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای نیز به عنوان رهبر مملکت اسلامی ایران راه امام (ره) را پیمود و حجاب را بر زنان امت اسلامی لازم و ضروری دانست.
مقام معظم رهبری حجاب را چنین بیان می کند:
"مسئله حجاب به معنای منزوی کردن زن نیست. اگر کسی چنین برداشتی از حجاب داشته باشد، این یک برداشت کاملاً غلط است. مسئله حجاب به معنای جلوگیری اختلاط بی قید و شرط هم به ضرر جامعه و هم به ضرر زن و مرد به خصوص به ضرر زن است ".
رهبر معظم انقلاب اسلامی در یکی از سخنرانی های خود پیام زن ایرانی را به دنیا چنین می گوید:
"من می خواهم بگویم شما خانم ها یک پیامی برای دنیا دارید... زن های ایران به خصوص آن کسانی که در رشته های گوناگون دانش توانسته اند در چهار چوب اسلام و احکام اسلامی و مهمتر از همه مسئله حجاب حرکت کنند."
اینها بایستی به زنان و دختران دنیا و دانشجویان زن دنیا عملاً تفهیم کنند که علم به معنای بی بند و باری نیست و لازمه تحصیل علم نه تنها بی قیدی به موازین اخلاقی در مورد معاشرت زن و مرد نیست، بلکه می توان با رعایت کامل موازین علم را تحصیل کرد و به مراحل بالا رسید.
از طرفی باید از این گروه پرسید: آیا اداره خانه، تربیت فرزندان برومند و چرخهای عظیم جامعه را به حرکت درآورن، فعالیت نیست؟!
آن ها که این رسالت عظیم زن را کار مفید نمی دانند، از نقش خانواده در تربیت اجتماعی سالم، آباد و پرحرکت بی خبر هستند، تصور می کنند راه صحیح این است که زن و مرد از آغاز صبح، خانه را به قصد اداره، کارخانه و مانند آن ترک کنند و بچه های خود را به شیرخوارگاهها و مهد کودکها بسپارند یا در اتاق تنها بگذارند و در را به روی آنها ببندند و طعم تلخ زندان را از همان زمان که غنچه ناشکفته ای هستند به آنها بچشانند! غافل از اینکه با این عمل، شخصیت آنها را در هم می کوبند و کودکانی بی روح و

بدون عواطف انسانی بار می آورند، کودکانی که آینده جامعه را به خطر خواهند انداخت.

حجاب از نظر متفکران غربی

حجاب و پوشش تنها برای انسان ها مخصوصاً زنان است؛ لذا اگر زنان مسلمان در سراسر دنیا حجاب خود را رعایت کنند دلیل بر آن نیست که زن های ادیان دیگر از آن فاصله بگیرند، پوشش و حجاب زن جز منفعت و دوری از فساد و امنیت چیز دیگری را برای اطرافیان به دنبال ندارد و کسانی که در ادیان مختلف از پوشش اسلامی استفاده نمی کنند بی شک ضربه ای را که بر روح و روان آن ها وارد می شود در طول زندگی تجربه کرده اند. برخی از صاحب نظران می گویند:

زن های محجبه نمی توانند کارهای اجتماعی انجام دهند؛ در حالی که زن های محجبه در منزل خود کارهای بسیار پرارجی انجام می دهند که عبارت است از:

تربیت اولاد و خانه داری و در کنار این مسئولیت های بزرگ می توانند کارهای تولیدی هم انجام دهند.

مانند: کرباس بافی، پشم بافی، خیاطی، ملیله بافی، گل دوزی، فالی بافی و...

بعضی از زن های عفیف با داشتن حجاب و عفت در چهاردیواری منزل این کارهای خانگی را انجام می دهند، همچنین به کمک مردان و شوهران خود هم می شتابند و در تحصیل مواد خام مانند گندم، جو، برنج و حبوبات دیگر شرکت می کنند و جامعه از دست رنج آنها بهره مند می شود. آری! زن های محجوب، وفا و صمیمت بیشتری دارند و از دسترنج خود به شوهر و فرزندان کمک می نمایند.

بعضی ها در مسئله حجاب گفته اند که الزام زنان به رعایت حجاب یک نوع سلب آزادی است.

در پاسخ آنها می گوییم:

آزادی یکی از آرمانهای مهم بشر بوده و هست؛ ولی آیا آزادی حدود و مقرراتی ندارد؟

واضح است که آزادی تا آنجا محترم است که به دیگران زیان نرساند و جامعه را دچار فساد و اختلال نکند. آزادی عبارت است از اینکه اشخاص بتوانند هر کاری را انجام دهند، مشروط بر اینکه اقدامات و عملیات آنها صدمه ای به حقوق دیگران وارد نسازد و با حقوق جامعه منافات نداشته باشد.

منتسکیو می گوید:

"آزادی عبارت است از اینکه انسان حق داشته باشد هر کاری را که قانون اجازه داده و می دهد بکند و آنچه قانون منع کرده و صلاح او نیست مجبور

به انجام آن نگردد."
خانم ساچیکو موراتا اهل هوکائیدوی ژاپن است که بعد از خاتمه تحصیلات به دانشکده حقوق دانشگاه چلبا در رشته حقوق قضایی راه یافت و موفق به دریافت مدرک لیسانس شد و بعد از آن، برای تحقیق در زمینه فقه اسلامی به اخذ دکترای الهیات نایل گردید. وی با اینکه با زبان عربی و فارسی آشنایی نداشت، بر اثر جدیّت با این دو زبان هم آشنا شد تا توانست دکترای الهیات را کسب نماید.
ایشان بودایی مذهب و همسرش مسیحی است و احتمالاً بعد از انقلاب اسلامی مسلمان شده است. وی در مصاحبه ای به سوالات بسیاری پاسخ داد که ما دو سوال آن را در اینجا می آوریم.
خبرنگارگفت: به نظر شما حجاب یعنی چه؟
شما محجوبه بودن خانم ها را ترجیح می دهید یا مکشوفه بودن را؟
خانم ساچیکو موراتا می گوید:
حتما محجبه بودن را ترجیح می دهم و حد معقول پوشش را می پسندم؛ زیرا لطف زن به محجبه بودن او است. اصولاً طبع هر انسانی طالب کشف تنوّع ها است. وقتی زنان به شکل امروزی مکشوفه باشند، چیزی برای جلب توجه مرد باقی نمی گذارند.
هر چیز با اهمیتی وقتی چندین بار رویاروی قرار گیرد، اهمیّت خود را از دست می دهد
و این موضوع در تحکیم روابط زناشویی نقش بسیار مهم و موثری دارد. در مغرب زمین که زن ها قیود را گسسته اند و انواع لباسهای کوتاه و زننده می پوشند، روابط زناشویی آنان از کمترین استحکامی برخوردار نیست.
خبرنگار گفت: وضع زنان ایران در چه پایه ای قابل قیاس با زنان ژاپن است؟ زن های ژاپنی در هر موقعیت تحصیلی که باشند کار در خانه را ترجیح می دهند، فرزندانشان را خوب تربیت می کنند و برای مردان خود نیز احترام فوق العاده ای قائل هستند. اصولاً حفظ و سلامت بزرگ ترها، یکی از وظایف اخلاقی مردم ژاپن است و این مولود تعلیمات مذهبی است که باز هم در ژاپن از مقام و موقعیت خاص برخوردار است.
خانم گاندی می گوید:
"ای زنان! اگر آرایش کردن شما تنها به منظور جلب شهوت مرد است، از این کار خودداری کنید و زیر بار چنین خفت و خواری نروید".
آقای آلفرد هیچکاک- فیلمساز مشهور- می گوید:
من معتقدم که زن هم باید مثل فیلمی پرهیجان باشد. به این معنی که ماهیت خود را کمتر نشان دهد و برای کشف خود، مرد را به نیروی تخیّل و تصور زیادتری وادارد. باید زنان پیوسته بر همین شیوه رفتار کنند؛ یعنی کمتر ماهیّت خود را در معرض نمایش قرار دهند و بگذارند مرد برای

کشف آنها بیشتر به خود زحمت بدهد. زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روی بندی که به کار می بردند خود به خود جذّاب می نمودند و همین مسئله، جاذبه نیرومندی به آنها می داد؛ اما به تدریج با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می دهند، حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود، از میان می رود و همراه آن از جاذبه جنسی او هم کاسته می شود.
آقای برتراندراسل می گوید:
از لحاظ هنر، مایه تأسف است که با آسانی به زنان بتوان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد، بدون آنکه غیرممکن گردد.
آقای ویل دورانت می گوید:
آنچه بجوییم و نیابیم عزیز و گرانبها می گردد. زیبایی به قدرت میل بستگی دارد. خودداری از انبساط و امساک در بذل و بخشش، بهترین سلاح برای شکار مردان است. اگر اعضای نهایی انسان را در معرض عام تشریح می کردند. توجّه ما به آن جلب می شد؛ ولی رغبت و قصد به ندرت تحریک می گردد.
مرد جوان دنبال چشمان پر از حیا است و بی آنکه بداند، حس می کند که این خودداری یک لطف عالی است.
چارلی چاپلین به دخترش می گوید:
"برهنگی بیماری عصر ما است و من پیرم. شاید حرفهای خنده آور می زنم؟ اما به گمان من تن عریان تو باید مال کسی باشد که روح عریانش را دوست داری".
جودیت میلر (خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز) مقاله ای با عنوان "زنان در آغوش اسلام امنیتی تازه می یابند" با اشاره به گرایش روز افزون زنان مسلمان به حجاب می نویسد: چه چیزی این بازگشت را میّسر ساخته است بازگشتی که به معنای واقعی در آزادیهای شخصی و سیاسی صورت گرفته است؟
پاسخ آن در ارمغانها است که اصول گرایان اسلامی به روح و روان جامعه مدرن خاورمیانه و به زن و مرد آن تقدیم کرده اند.
پوشش برای زن این امکان را فراهم ساخته که در شهرهای شلوغ بتواند به راحتی فعالیت کند و از مزاحمت مردان جوان و نوجوانانی که در جستجوی کار از اطراف کشور به پایتخت سرازیر شده اند در امان بماند.
این لباس یک پیام غیرقابل تردید به اطرافیان می فرستد. حجاب می گوید: این زن نجیب است با او کار نداشته باشید و به وی اجازه می دهد بدون اینکه مورد آزار جنسی فرار گیرد در اتوبوسهای شلوغ شهر سوار شود.
رئیس انستیتو تعلیم و تربیت آلمان می گوید:
حضور مجزای دختران و پسران در ِکلاسهای درس مخصوص در دوره

ابتدایی می تواند در یادگیری دختران تأثیر به سزایی داشته باشد و در پی تحقیقات انستیتو پژوهشی آلمان میل و رغبت دختران برای یادگیری روش مخصوص علوم ریاضی در کلاسهای مختلط رضایت بخش نیست.
خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از روزنامه لوس آنجلس تایمز می گوید:
برای پیروان و عمل کنندگان به اصول مذهبی سیک، یهودیت، ارتدکس و اسلام، لباس، تنها مسئله راحتی و ذوق سلیقه نیست بلکه بیانگر گستردگی عقیده مذهبی آنها است. مذاهب خاصی وجود دارند که حدّ اعلای عفت را پوشش می دانند؛ اما این موضوع به هیچ وجه نباید به معنای یکنواختی، کسل کنندگی و شلختگی تلّقی شود.
در حال حاضر پیروان این مذاهب، فوانین مذهبی خود را با مد درهم می آمیزند.
نویسنده این مقاله ضمن گفتگو با چند نفر از جمله خانم "شمیم شیخ " که آموزگار است به نقل از او می نویسد:
باید زیبایی های خود را بپوشانیم تا سبب جلب توجّه نادرست نشویم. ما نیز مدهای زیادی داریم و آن را در مقابل خانم ها و شوهرانمان ارائه می کنیم.
دکتر جورج کری (اُسقف اعظم انگلیس) نسبت به انحطاط اخلاقی در میان جوانان این کشور هشدار داد و از بی توجهی سیستم آموزشی به دروس مذهبی انتقاد کرد و گفت:
این اعتقادات مذهبی در انگلستان به عنوان یک سرگرمی در افکار عمومی جای گرفته و برنامه های مذهبی مداری به عنوان یک بخش اضافه نه اصلی مطرح است و بعد ایشان خواستار بازگشت به ارزشهای مطروح در فرمان الهی و رعایت بیشتر موازین ارزشمند اخلاقی شد.
خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران به نقل از رادیو فرانسه می گوید:
در ویرجینیای آمریکا طرحی در سال سوم راهنمایی برای جداکردن دختران از پسران در کلاس درس در دست آزمایش است؛ چون آموزگاران پی برده اند که دختران به خصوص در ریاضیّات و علوم بدون حضور پسران راحت تر به نظر می رسند.
به گفته آموزگاران، دختران در کلاسهای مختلط برای آنکه مورد تمسخر و انتقاد پسرها قرار نگیرند کمتر در بحثها شرکت می کنند. در حالی که در غیاب پسرها بهتر و راحت تر به سوالات جواب می دهند. ظاهر نتایج اولیه این آزمایشها رضایت بخش بوده است.
به گفته آموزگاران دختران خَجول در کلاسهای دخترانه راحت تر هستند؛ اما انجمنهای متعددی از جمله انجمن ملی زنان آمریکا با این طرح به مبارزه برخاسته است و آن را جدایی و تبعیض جنسی فاحشی می داند.

حجاب از نظر ادیان و ملل

در حالی که بدحجابی و بی حجابی در جهان شیوع پیدا کرده و بر اثر همین کار، فساد و بی بند و باری، بسیاری از کشورهای دنیا را فرا گرفته، عده ی گمان می کنند که حجاب مخصوص دین مقدس اسلام و بعضی از ادیان الهی است؛ در حالی که این توهم و گمان صحیح و شایسته نیست؛ زیرا آنچه به طور خلاصه می توان گفت این است که تمام ملل و مردم جهان زنانشان دارای حجاب بوده اند؛ اگر چه در کیفیت پوشش فرق داشته اند.
صفت حیا و عفت در زن و غیرت در مرد یک امر فطری است که خداوند غیور این دو صفت و سایر صفات را هنگام خلقت در ذات انسان قرار داده است؛ بنابراین زن از نظر فطری و طبیعی، عفت و پاکدامنی را دوست دارد و از بی عفتی و برهنگی نفرت دارد؛ هر چند به موجب نداشتن اعتقاد و ایمان قوی به خداوند بزرگ و روز قیامت و نداشتن تربیت صحیح و کمبودهای روانی و نیز به سبب گرفتار شدن در دام شیطان و مردان شیّاد وغرق شدن در گناهان، دل بعضی از زنان سیاه گردیده و غبار ظلمانی جلوی نور فطرت آنها را پوشانده است به گونه ای که با چشم بصیرت نمی توانند راه خداوند بزرگ را از راه شیطان تشخیص دهند و متأسفانه چنان در گرداب لجنزار گناه فرو رفته اند که به چیزی جز شهوات نمی اندیشند.

حجاب در یهودیان

پوشش در زنان تا آنجا حائز اهمیت است که ویل دورانت (متفکر اروپایی) می گوید: یهودیان هم آن را جزو اصول اولیه زنان خود می پنداشتند و عمل به آن را از واجبات دین خود قرار داده بودند.
ویل دورانت درباره حجاب یهودیان می گوید:
"در قرون وسطی یهودیان همچنان نسوان (زنان) خویش را با لباسهای فاخر می آراستند. کسی به آنها اجازه نمی داد که با سر عریان میان مردم روند. نپوشاندن موی سر خلافی بود که مرتکب را مستوجب طلاق می ساخت. از جمله تعالیم شرع یکی آن بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش هویدا است دست به درگاه خدا بردارد".
تورات در مورد عذاب زنان بی تقوا می گوید:
از این جهت که دختران صهیون متکبر هستند و با گردن افراشته و غمزه های چشم راه می روند و به ناز می خرامند و به پاهای خویش خلخال ها می بندند خداوند فرق سر دختران صهیون را کلْ (کچل) خواهد ساخت و خداوند عورت ایشان را برهنه خواهد نمود و در آن روز خداوند زینت، خلخال ها، پیشانی بندها و هلالها را دور خواهد کرد و گوشواره ها، دستبند ها، رو بند ها، دستارها، زنجیر ها، کمربند ها، عطردان ها، تعو یذها، ا نگشترها، حلقه های بینی، رخوت نفیسه، رِداها، شال ها، کیسه ها، آینه ها، کتان نازک، عمامه ها و برُقعها را واقع می شود که به عوض عطریّات عفونت خواهد شد و به عوض کمربند ریسمان و به عوض مویهای بافته کلی (کچلی) و به عوض سینه بند، زنّارِ پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود.

حجاب از نظر جُرجی زیدان

جرجی زیدان یکی از دانشمندان متفکر و موافقان پوشش در دنیا است که پوشش و حجاب بین زن ها را فقط الگوبرداری از مسلمانان نمی داند بلکه در صحبت خود آن را قبل از اسلام بیان می کند و به خاطر آثار آن در اروپا و حفظ و ارزش زن آن را در ادیان دیگر هم پسندیده دانسته و آن را چنین بیان می کند:
"اگر مقصود از حجاب، پوشاندن به وسیله چادر و روسری و نقاب و امثال آن است، این موضوع قبل از اسلام و حتی پیش از دین مسیح بوده و مسیحیت هم تغییری در آن نداده است و تا قرون وسطی در اروپا حجاب معمول بوده و تا امروز هم آثار حجاب در اروپا باقی است ".

حجاب از نظر ویل دورانت

ویل دورانت (نویسنده مشهور اروپایی) پوشش در جامعه را از وصایای دهگانه حضرت موسی (ع) این چنین بیان می کند:
در وصیت پنجم از وصایای دهگانه موسی (ع) خانواده، تقدیس می شود، از لحاظ سازمان اجتماعی و آن را در منزلتی فرار می دهد که تنها معبد از آن بالاتر است. این اهمیت و احترام که در آن زمان برای خانواده بود، در تمام قرون وسطی و قرون جدید در اروپا مراعات می شد و چون انقلاب صنعتی معاصر آغاز شد، مقام خانواده نیز متزلزل گردید و انحطاط یافت.

حجاب از نظر مسیحیت

مسیحیت در اروپا و جهان در مورد پوشش، نظریه مثبت خود را اعلام کرد ه اند و حتی بر آن پای بند هستند و بزرگان مسیحیت آن را چنین بیان می کنند:
گلمت و ترتولیان می گوید:
زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد اِلا آنکه در خانه است؛ زیرا فقط دباسی که او را می پوشاند می تواند از خیره شدن چشمها به سوی او مانع گردد.
زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش به گناه وادار نماید. برای زن مومن عیسوی در نظر خداوند پسندیده نیست که به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن باید با اختفا و فراموشی آن، از بین برده شود؛ زیرا برای بینندگان خطرناک است.
درست کردن موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آیینه فقط از خصوصیات زنانی است که شرم و حیا را از دست داده اند.
... موهایت را به رنگهای مختلف درنیاور، خلخال طلا نبند و صورت ظاهری خود را تغییر نده.

حجاب در شریعت زرتشت

در شریعت زرتشت حرف اول را با پوشش زنان و دختران خود عمل می کردند و آن را عملکردی مثبت در دین خود می دانند؛ چنانکه پوشش در زرتشت به این صورت بیان شده است:
"در کیش آرایایی، زنان محترم محجوب بوده اند. زنان محترم ایران برای حفظ حیثیت طبقه ممتاز و ایجاد حدودی که آنها را از زنان عادی و طبقه چهارم امتیاز دهد صورت خود را می پوشاندند و گیسوان خود را پنهان نگه می داشتند".

حجاب نزد برهمائیان

پوشش نزد دین برهمائیان از اصول خاصی پیروی می شد و بر آن معتقد و پای بند بودند و آن را جزو واجبات دین مطرح می کردند؛ چنانکه اصول آن را چنین بیان کرده اند:
"حجاب نزد براهمه روش خاصی داشت و زن حق نداشت از منزلش بیرون برود و نیز هیچ
مردی جزء آن محارمی که دین معرفی کرده بود حق نداشت او را ببیند و بشناسد."

حجاب نزد بودائیان

پوشش نزد بودائیان به همان روش ادیان دیگر وجود داشته و در عصر جدید هم طبق سنت خودشان آن را یکی از اصول دین و آبروی خود تلقی می کنند؛ چنانکه اصول آن را چنین بیان می کنند:
"حجاب زن نزد بودائیان مانند برهمائیان بود و تا امروز آثاری از حجاب براهمه نزد هندیها باقی است ".

حجاب نزد عرب ها

پوشش نزد عرب ها طبق همان سنت پیامبر به متابعت از مسلمانان شیعه است و چون کتاب آسمانی اکثر اعراب همان قرآن کریم است، آن ها دستورات الهی را بر خود واجب دانسته و حفظ ناموس را با پوشش و حجاب از واجبات خود می شمارند؛ چنانکه اصول اولیه آن ها به این شکل بیان شده است:
"از اشعار عرب در مورد زنان به دست می آید که حجاب نزد زنان اشراف و بزرگان آنها رایج بوده است، تا جایی که روزی جوانی از طایفه بنی کنانه مزاحم زنی از قبیله بنی عامر می شود، آن زن صدایش بلند می شود و همین مزاحمت باعث جنگ بین این دو طایفه می گردد"

حجاب در تورات

تورات و انجیل به دست بعضی از شاگردان حضرت موسی(ع) و عیسی (ع) نوشته شده و بر موضوع پاکدامنی و حجاب زن و دوری از هر ناز و عشوه گری جز در برابر شوهر تأکید نموده است.
تورات درباره رفقه دختر بتوئیل که با نامحرم برخورد می کند چنین می گوید:
رفقه چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شبر خود فرود آمد و ازخادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید؟
خادم گفت: آقای من است. پس بُرقع (نقاب) خود راگرفته، خود را پوشاند.
تورات در مورد دختر موآبیه می گوید:
بو عَزْ بروت گفت: ای دخترم! مگر نمی شنوی، به هیچ کشت زار، دیگر برای خوشه چینی مرو و از اینجا مگذر، بلکه با کنیزان من در اینجا باش و چشمانت به زمینی که می درند نگران باش و در عقب ایشان برو. آیا جوانان را حکم نکردم که تو را لمس نکنند؟ بو عَز گفت: زنهار کسی نفهمد که این زن به خرمن آمده است و گفت چادری که بر تو است بیاور و بگیر.

حجاب در انجیل

آنچه سبب هدایت بشر شده کتاب هایی است که از سوی خدا به پیامبرانش نازل شده و هر کتابی تا نیامدن فرآن میان انسان ها جایگاهش حفظ شده و اطاعت از آن واجب بوده است؛ برای نمونه تورات بر حضرت موسی (ع) نازل شد و هر آنچه خداوند بندگان را به آن دستور داده بود اطاعتش واجب بوده است؛ لذا سخن خداوند در یک هدف بوده است؛ اما از هنگامی که قرآن نازل شد اطاعت قرآن، واجب و عمل کردن به آن الزامی شد؛ چنانکه قرآن کامل تر از کتاب های دیگر پیامبران برای پیامبر اکرم (ص) نازل شده است.
در انجیل چنین می فرماید:
اما سخنان شایسته را که تعلیم صحیح آن را به تو می گوید بگو، که مردان پیر هشیار و باوقار و خردانديش و در ایمان عفت و صبر صحیح باشند.
زنان پیر در مسیر اخلاقی متقی باشند و نه غیبت گو و نه بنده شراب؛ بلکه معلّمات تعلیم نیکو تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست باشند و خردانديش و عفیفه و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبادا کلام خدا متهم شود.
زنان، خویشتن را بیارایند به لباس مزیّن به حیا و پرهیز، نه به زلفها (موی سر و گیسو) و طلا و مروارید و لباس گران بها.
و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و مُتَحَلّی شدن به طلا و پوشیدن لباس؛ بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد، روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانبها است؛ زیرا زنان مقدّسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند خویشتن را زینت می نمودند و شوهران خود را اطاعت می کردند مانند ساره که مطیع ابراهیم بود.
اگر دست یا پایت تو را بلغزاند آن را قطع کرده، از خود دور انداز؛ زیرا تو را بهتر است که لنگ یا شل داخل حیات شوی از آنکه با دو دست یا پا در نار (آتش) جاودانی افکنده شوی. اگر چشمت تو را لغزش دهد آن را قَلْع کرده، از خود دور انداز؛ زیرا تو را بهتر است با یک چشم وارد حیات شوی از اینکه با دو چشم در آتش افکنده شوی. شگفت اینکه قرآن کریم و تورات و انجیل فعلی مردم را از این گناهان برحذر داشته اند و کسانی که امروز ادعای پیروی از این دو پیامبر بزرگ را می کنند، اگر راست می گویند باید به دستورهای کتاب مقدسشان عمل کنند؛ اما متأسفانه اکثر بی بند و باریهای زنان از جانب اینان به سراسر عالم سرایت کرده است.
oسوال: اگر تورات و انجیل روی حجاب و پاکدامنی زن و سایر احکام و مسائل اخلاقی این همه تاکید نموده است، پس چرا در اروپا و بعضی از

کشورهای دیگر که خود را پیرو حضرت موسی و حضرت عیسی (ع) می دانند این همه برهنگی و بی بند و باری از جانب بسیاری از زنان مشاهده می شود.
?جواب: اولاً همان طوری که بین مسلمانان بعضی از افراد به قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار عمل نمی کنند و در ظاهر مسلمان هستند، بین یهودیان و مسیحیان نیز افراد بسیاری هستند که ادعای پیروی از حضرت موسی و حضرت عیسی را دارند؛ ولی در حقیقت بنده هوی و هوس خود هستند نه بنده خداوند و پیروان این دو پیامبر.
?ثانیاً از زمانی که اروپا از نظر علم و صنعت رشد چشمگیری داشت به همان نسبت از دین و مسائل معنوی دور شد که یکی از آنها رواج فساد و برهنگی بین بسیاری از زنان آنها بود و این موضوع فقط مخصوص اروپا نیست بلکه کشورهای اسلامی هم اگر دقت نکنند و همزمان با رشد صنعت به رشد معنویت جامعه فکر نکنند به درد و بلای اروپا مبتلا خواهند شد و این موضوعی است که قرآن کریم در موارد متعددی به آن هشدار داده است و مردم شریف و مسلمان ایران اسلامی و مسئولان متعهد نظام کاملاً هوشیار باشند که مسئله ایمان و ارزشهای اسلامی در درجه اول و موضوع صنعت و رشد اقتصادی در درجه دوم قرار دارد.
* * * Geloria Steinem:
The first problem for all of us, men and women, is not to learn, but to unlearn.
آموختن، اولین مشکل تمامی ما مردان و زنان نیست؛ بلکه فراموش کردن آموخته هایمان است.*
"گلوریا اشتایم / ویراستارو نویسنده فمینیست آمریکایی"

فصل سوم: تربیت منفی

اشاره

عوامل بد حجابی و بی حجابی
در این فصل می خوانیم:
- تربیت منفی در حجاب
- بهانه های نداشتن حجاب
- علت بد حجابی زنان
- لباس شهرت در زنان
- زنان و دختران بد حجاب
- کشف حجاب در ایران
- بی حجابی زلیخا مقابل یوسف (ع)

Indira Gandiha ?:
My grandfather once told me that there are two kinds of people: those who work and those who take the credit. He told me to try to be in the first group: there was less competition there.
یک بار پدربزرگم به من گفت که دو گونه آدم وجود دارد؛ آنها که کار می کنند و آنها که معروف می شوند. او به من گفت که سعی کنم تا در دسته اول قرار بگیرم. در آنجا رقابت کمتری بود.*
"گلوریا اشتایم / ویراستار و نویسنده فمینیست آمریکایی"

بی حجابی پدیده ای اجتماعی است که برای رسیدن به عوامل و علل آن باید با نگاهی اجتماعی، مسائل و زمینه های آن را دید. این بحث از جهات مختلفی قابل تأمل و توجه است و بی گمان در چگونگی پیدایش و رشد و گسترش آن نمی توان به یک یا چند عامل بسنده کرد. چنانکه راه حلهای این معضل اجتماعی را نیز نمی توان ساده انگارانه در مطالبی محدود کرد.
هویت و شخصیت زن در گرو منش و روش زندگی او است؛ حجاب و پوشش منش والای زن مسلمان و شیوه عظیم زندگی او است. زن با حجاب از اینکه بازیچه هوسها قرار گیرد مانع می شود و از اینکه عامل فساد گستری فساد اندیشان شود، جلوگیری می نماید. برداشتن حجاب از اندام زن با هدف هویت زدایی از زن مسلمان انجام می شد تا بیشتر از آنکه زن حافظ آرمان مکتب و شخصیتش باشد، برآورنده امیال، هوسها و اهداف سلطه جویانه جباران گردد. آنچه استعمار انگلیس می خواست در ایران برقرار شود به این شرح بود:
1. در مسئله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده ای به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر، مشتاق شوند.
2. باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی عباس متداول شده و مطلقاً سنت اسلام نیست.
3. مردم همسران پیامبر را بدون حجاب می دیده اند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی، دوش به دوش مردان فعالیت داشته اند.
4. حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان برود.
5. وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان غیرمسلمان وادار کنند و این زنان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آن تقلیدکنند.

زنی که با وضع تحریک آمیز از خانه خارج می شود و نظر صدها مرد نامحرم و جوان هرزه را به سوی خود جلب می کند در حقیقت رفتار او ترویج فساد است، نه آزادی.
اگر از جوانان هرزه و بی تقوا در جامعه جلوگیری نشود و هر جوانی بگوید من آزادم و دلم می خواهد چنین کنم، در این صورت آ یا دختران و زنان جرئت بیرون آمدن دارند؟ پس این آزادی نیست؛ بلکه سوء استفاده از آزادی و بی توجّهی به قانون خداوند سبحان است.
گاهی به برخی از بانوان گفته می شود: این رفتار یا پوشش شما درست نیست، در جواب می گویند:
دلم می خواهد، انسان آزاد است!
به شما ربطی ندارد.
مرا که توی قبر شما نمی گذارند!
این آقا مثل برادرم است!
انسان باید دل و قلبش پاک باشد!
هر وقت همه درست شدند، من هم خودم را درست می کنم!
من وقتی فلان خانم یا آقا را دیدم، اخلاق و رفتارم عوض شد!
در چند روز جوانی انسان این چنین است، بعد از این تصمیم به خودسازی می گیرم!
من خودم پدر و مادر، شوهر و سرپرست دارم، آنها خودشان بهتر می دانند!
چون شوهرم چشم چران و آلوده است من هم برای آنکه او را بیازارم مقابله به مثل می کنم!
کسی که عمل خلافی از او سر می زند، وقتی به او تذکر داده شد باید با کمال میل آن را بپذیرد و حق ندارد به نهی کننده بگوید به شما ربطی ندارد. جامعه اسلامی مانند یک پیکر است. همان طوری که اگر یک عضو بدن فاسد و مریض شود، اعضای دیگر بدن آرامش ندارند و در صدد بهبود عضو فاسد بسیج می شوند، در جامعه نیز اگر فردی از نظر روحی مریض شد، افراد دیگر جامعه نباید نسبت به اصلاح او بی اعتنا باشند، بلکه به سرعت باید به مداوای فرد بیمار بپردازند تا بیماری او به سایر افراد جامعه سرایت نکند.
هیچ یک از ما را در قبر دیگری نمی گذارند؛ ولی باید توجّه داشت که آلودگی هر فرد به تدریج جامعه را فرا می گیرد و ما برای اینکه به مرض فرد گناهکار دچار نشویم برای نجات خود و فرزندانمان باید با امر به

معروف و نهی از منکر جلوی او را بگیریم.
در جامعه اسلامی، همه با هم خواهر و برادر دینی هستند؛ ولی مسائل مربوط به محرم و نامحرم باید رعایت شود؛ زیرا رعایت نکردن آنها، مفاسد و مضرات زیادی به دنبال خواهد داشت.

علت بدحجابی زنان

چگونه زن یا دختری بد حجاب می تواند با ناپوشیدگی خود ادعا کند که سرپرست او بهتر می داند که چگونه از وی مواظبت کند!
رفتار او نشان می دهد که سرپرست او یا از وضع دختر، همسر و... خود بی اطلاع است یا نسبت به مسائل اخلاقی و آثار خطرناک گناه آگاهی ندارد؛ زیرا سرپرستی تنها در رسیدگی به خوراک و پوشاک و فرزند نیست؛ بلکه ضمن توجه به مادیات و ظواهر باید او را در رسیدن به کمالات معنوی- که سعادت دنیا و آخرت او را تضمین می کند- یاری دهد.
باید توجه داشت فضای جامعه متعلق به عموم مردم است و یک فرد یا چند فرد ناآگاه نمی توانند محیط آن را آلوده سازند؛ از همین رو اسلام به مردم فرموده است که با امر به معروف و نهی از منکر جلوی آلودگی را بگیرند.
بانوانی که با بدحجابی خود ادعا می کنند به مقابله با شوهر چشم چران خود رفته اند آیا اگر شوهر او به طرف باتلاق گناه و جهنّم پیش می رود، عاقلانه است که زن هم دنبال او راهی جهنم شود!
منشأ و علت این گناه بزرگ (بدحجابی) مختلف است که به بعضی از موارد اصلی آن اشاره می کنیم:
1. بسیاری از زنانی که در کوچه و خیابان با وضع زننده و لباس نامناسب ظاهر می شوند یا بین اقوام و مهمانی ها محرم و نامحرمی را رعایت نمی کنند بر اثر نداشتن آگاهی است که اگر واقعاً اطلاع پیدا کنند رعایت می کنند.
2. عده ای به خاطر عقده های روانی و کمبودهای روحی که در وجودشان احساس می کنند، با گمان واهی خود موی سر خود را بیرون می ریزند و با ادا و آرایش در خیابان و انظار عمومی ظاهر می شوند تا این کمبودهای روانی را جبران کنند.
3. علت بدحجابی بعضی از اشخاص به خاطر داشتن دوستان ناباب است. دختران مسلمان باید بدانند به هیچ دوست و انسانی نباید اطمینان کامل داشته باشند. حضرت علی (ع) می فرماید:
"لا تَثِقْ بالِصِّدیق قَبْلَ الْخُبْرَةِ".
"پیش از آزمایش و شناخت، به دوستت اعتماد مکن."
همچنین می فرماید:
"مَن اَحَبَّک نَهاک."
"دوست تو کسی است که تو را از گناهان و خطاها باز دارد".
و نیز می فرماید:
"اَخُوک فِی اللّهِ مِنْ هَدیک اِلی الرَّشادِ وَ نَهاک عَنِ الْفَسادِ وَ اَعانَک علی

اِصْلاحِ الْمَعاد".
"برادر دینی و دوست تو کسی است که تو را به راه راست هدایت نماید و تو را از گناه و فساد دور کند و تو را در انجام امور آخرت و اصلاح آن یاری نماید".
4. تهاجم فرهنگی بیگانه و خود باختگی علت دیگری برای ترویج بدحجابی و بی بند و باری در جامعه است که از سوی رادیو، ماهواره، نوار و فیلم های مبتذل از طرف کشورهای بیگانه و دشمنان اسلام مانند سیل به طرف کشورهای اسلامی در حرکت است و بعضی از زنان و جوانان تحت تأثیر قرار می گیرند؛ به گونه ای که با دیدن یکی از این برنامه های فاسد آثارش در شکل و قیافه آنها مشاهده می شود.
5. بعضی از این بدحجابی ها باقیمانده رژیم طاغوت است؛ آنهایی که در هتلها و کاباره ها، برنامه رقص و آواز و مفاسد دیگر داشتند یا در این گونه برنامه ها شرکت می کردند به طوری که گاهی از اوقات تا نزدیک صبح به لهو و لعب مشغول بودند که الحمدللّه با عنایت ایزد مَنَّان و برکت انقلاب اسلامی آن مفاسد و بی بند و باریها بر چیده شد.
6. بعضی دیگر به خاطر مفسد فی الارض بودن پدر، برادر یا... دل خوشی از انقلاب اسلامی ندارند و هر جا که می نشینند از نظام اسلامی بد گویی می کنند. این گروه و بعضی دیگر اگر از مردم حزب اللّه و شهید پرور- که اکثریت مردم را تشکیل می دهند- نترسند این روسری کذایی را هم سر نمی کنند. بین این مفسدان فی الارض بسیاری از خانواده ها و اقوامشان هستند که از این مسئله ناراحت هستند؛ چون مسئله اسلام و دین را از همه چیز بهتر دوست دارند و نمی آیند دین و آخرتشان را به خاطر یک فرد خطاکار از دست بدهند. 7. منشأ دیگر بدحجابی زنان، عدم اطلاع و آگاهی مردان اعم از پدر و شوهر و برادر و... از دین است؛ به عبارت دیگر بدحجابی زن نشانه نداشتن تعصب دینی و غیرت مرد است. مگر می شود مردی غیرت داشته باشد و زن و دختر و خواهرش بدحجاب بیرون بیایند؟!
8 . خوردن لقمه حرام یکی از علت های مهم بدحجابی است. کسی که درآمد و کسب زندگی اش را با ربا، رشوه، گرانفروشی، کم فروشی، غشّ در معامله، کم کاری در اداره و محل کار و مصرف بیجا از بیت المال و... مخلوط می کند و آن را به خورد زن و فرزندانش می دهد سبب می شود که دختر و همسرش، عروسک متحرک کوچه و بازار شود و پسر او نیز خود را به شکل دختران و غربی ها در آورد و خود هم عکس العملی نشان ندهد.
امام حسین(ع) در روز عاشورا خطاب به مردم فرمود:
"... غَیْرُ مُسْتَمعٍ لِقَولی قَدْ انخَزَلَتْ عَطِیّاتکمْ مِنَ الْحَرامِ وَ مُلِئَتْ بُطُونکمْ مِنَ الْحَرام فَطَبَعَ اللّهُ عَلی قلُوبِکمْ ".

"شما که به سخنان من گوش نمی دهید و حرف من در دل شما اثر نمی کند، علتش آن هدایایی است که از راه حرام به دست شما رسیده و شکمهای شما از حرام پرشده و به همین خاطر خداوند بزرگ بر دلهایتان مهر زده و روسیاه گردانیده است ".
اگر شکم از راه حرام پر شود حرف سالار شهیدان حضرت اباعبداللّه الحسین هم در او اثر نمی کند و این سخن آن حضرت هشداری است به بعضی از افرادی که در جامعه مسئولیت یا موقعیتی دارند.
9. توجه به تجملات و تشریفات منجر به دیر ازدواج کردن دختران می شود. دختری که با لباس نامناسب و ادا و اطوار، خود را در معرض دید عموم مخصوصاً جوانان قرار می دهد در حقیقت به صورت کنایه و غیرمستقیم می گوید:
من احتیاج به ازدواج دارم.
باید گفت: دختر جوان! پاکدامنی و حجاب و تقوایت را حفظ کن تا جوانی که مرد زندگی است رغبت کند به خواستگاری ات بیاید و با شما ازدواج کند؛ زیرا بیشتر جوانان هنگام ازدواج دنبال دختر عفیف و مومن هستند نه دختری که تمام جوانان هرزه او را می شناسند.
10. حرص و طمع علت دیگر بدحجابی است. کسی که از صبح زود تا پایان شب فقط به فکر ثروت اندوزی و تجملات زندگی است و تمام تلاش خویش را صرف آن کرده تا بهترین منزل و زیباترین ماشین و جدیدترین وسایل منزل را داشته باشد گاهی تا چند روز فرصت دیدن بچه هایش و سخن گفتن با آنها را ندارد.
چنین کسی زندگی را فقط در رسیدگی به خوراک و پوشاک فرزندانش می داند. چنین اشخاصی دیگر شیطان به آنها اجازه نمی دهد به فکر دین و اخلاق و آخرت خود و خانواده شان باشند؛ بر همین اساس، بسیاری از کسانی که از زندگی مرفهی برخوردار هستند از نظر اخلاق، مذهب و حجاب زن و دخترشان مشکل دارند. در حالی که اسلام به این مسائل سفارش نموده است.
11. مسامحه و بی توجهی بعضی از مسئولان با عاملان به منکر و نیز عمل نکردن اکثر مردم به امر به معروف و نهی از منکر یکی دیگر از عوامل شیوع بدحجابی و سایر منکرات در سطح جامعه است.
انسان خطا کار را نخست باید با اخلاق اسلامی و راههای صحیح وشرعی نصیحت نمود؛ ولی این طور نیست که همه مردم با موعظه از گناه کردن دوری کنند. اگر چنین بود حضرت محمد(ص) و حضرت علی - که مظهر رحمت و عطوفت بودند- به دستور حضرت حق تعالی در بعضی مواقع با شدّت با گناهکاران برخورد نمی کردند و احکامی مانند حدود و قصاص و دیه و تعزیر را اجرا نمی کردند؛ زیرا در جامعه افرادی هستند که به عناوین

مختلف سخن حق و عقل و منطق را قبول نمی کنند و اگر قانون و ترس از اجرای آن نباشد به هیچ چیزی پای بند نخواهند بود و همه مقدسات و قوانین دین و کشور را به استهزاء میگیرند برهمین اساس مسئولان برای رضایت از دین وحفظ ارزشهای الهی برقراری نظم و امنیت و ضایع نشدن حقوق عموم مردم باید با چنین افرادی برخورد کنند.
12. نداشتن ایمان درست و نبودن ارتباط واقعی به وسیله نماز، قرآن و دعا با خداوند سبحان، علت تمام گناهان از جمله بدحجابی است. اگر کسی نمازی خواند که او را به یاد خداوند بزرگ و مکر و صحنه های هولناک عالم قبر و روز قیامت انداخت دیگر گناه نمی کند. دیگر به اعضای بدنش که امانتهای حق تعالی هستند خیانت نمی کند؛ چون خود را در محضر پروردگار عالم می بیند و نمی آید برای هوی و هوس اسیر دام شیطان بشود و آخرت خود را که- جای همیشگی است- از دست بدهد. هیچ انسان عاقلی چنین کاری نمی کند .

لباس شهرت در زنان

از جمله مصادیق خودنمایی، پوشیدن لباس شهرت است. لباس شهرت، لباسی است که مطابق با عرف جامعه نباشد و پوشنده آن لباس غیرمتعارف انگشت نما شود. پیامبر اکرم می فر ما ید:
"مَن لِبسَ ثوباَ مَشْهوراَ مِن الثیابِ أعرضَ اللّه عَنْه یَوْمَ القیمةِ".
"کسی که لباس شهرت بپوشد خداوند در روز قیامت از وی روی بگرداند".
امام صادق (ع) می فرماید:
"کفی بالْمَرء حزیا أنْ یَلْبِس ثَوباَ یَشْهُرَه."
"برای حقارت و خواری آدمی همین بس که لباسی بر تن کند که او را مشهور نماید".
همچنین می فرماید:
"إنَ اللّه یبغض الشُهْرةَ اللِباسِ ".
"خداوند، لباس شهرت را مبغوض می دارد".
روشن است که حکمت نهی از چنین لباسی از جمله جلب توجه نکردن متوجه نساختن مردان به زنان است. هر یک از زن و مرد مکلفند لباس مختص به خود را بر تن کنند.
پیامبر اکرم (ص) می فرما ید:
"لَعَن اللّه الْمتشبهینَ مِن الرِجالِ بالنِساءِ و الْمتشبهات مِنَ النساءِ بِالرجالِ".
"خداوند، مردهایی را که شبیه به زنان و همین طور زن هایی را که شبیه به مردان می شوند لعن کرده است. "
لباس، نمایانگر حالات روحی، ایمانی و شخصیت افراد است. زنی که با لباس و جوراب نازک بیرون می آید این امر از عطش و اعتقاد ضعیف وی به خداوند و روز قیامت خبر می دهد و بالعکس زن پوشیده و با عفّت درونی پاک و اعتقاد قوی دارد که خویشتن را نیازمند جلب توجه دیگران نمی بیند.
خداوند در قرآن کریم می فرماید:
"قُلْ کلّ یَعمَلُ عَلی شاکلَتِهِ فربکمْ أعْلَمُ بِمَنْ هُوَ اهْدی سَبیلاَ".
"ای پیامبر! بگو هر کس طبق روش و خلق و خوی و باطن خود عمل می کند. پس پرودگار شما، آنها را که راهشان نیکوتر است، بهتر می شناسد".
زن می تواند فقط برای شوهر خویش، لباس بدن نما بپوشد و این نه تنها نشانه ضعف ایمان او نیست، بلکه نشانه تقوای او است؛ البته بهتر است از پوشیدن چنین لباسهایی و عریان کردن بدن نزد فرزندان و سایر محارم پرهیز شود؛ زیرا آثار نامطلوبی به بار می آورد.

اولین کسی که برهنگی را ایجاد کرد و تمام تلاش خود را در این مورد به کار برد شیطان بود و هدفش از این وسوسه و فریب آن بود که آبرویی برای بشر باقی نگذارد و کسانی که امروز به هر عنوان برهنگی را ترویج می کنند- چه آنها که لباسهای مبتذل تولید می کنند و چه افرادی که فروشنده هستند و چه زنانی که انظار عمومی و نزد نامحرم از این پوشاکها و جورابها استفاده می کنند- همه در واقع در برابر دستورهای خداوند سبحان و انبیای بزرگ و ائمه اطهار به طور علنی به مخالفت برخاسته اند و از اهداف شیطان ملعون دفاع کرده اند. زنی که بی پروا و بدون ترس از خدا بدن و زینت خود را آشکار می سازد و در مقابل چشمان صدها جوان و مرد نامحرم با ناز و عشوه حرکت می کند و بر این عمل شیطانی خود مباهات می کند، نشان دهنده بی حیایی او است.

حضرت علی (ع) می فرماید:

"اَلحَیا یَصُدُّ عَنِ الْفِعْلِ الْقَبیحِ".

"حیا از کارهای زشت جلوگیری می کند."

پیامبر اکرم می فرماید:

"لَیْسَ مِنَّا عَنْ عَمِلَ بِسنةِ غَیْرِها".

"مسلمان واقعی نیست کسی که به دستور و آداب و رسوم بیگانه عمل نماید".

همچنین می فرماید:

"ای مردم! برای پوشش خود از شلوار استفاده کنید؛ زیرا جزء پوشاننده ترین لباسهای شما است و با آن زنانتان را هنگامی که از خانه خارج می شوند معنویت بخشید."

و نیز می فرماید: "ثَلاثَةَ لا یَدْخُلُون الْجَنَّةَ اَبَدَاَ، الدَیُّوث وَ الرَجلَةُ مِنَ النِّساءِ و مُدْمِنُ الْخَمْرِ".

"سه گروه، هرگز داخل بهشت نمی شوند:

1. دیوث: کسی که نسبت به عفت ناموس خود بی تفاوت است.
2. زنی که خود را در لباس و حرکات و امور دیگر شبیه مرد سازد.
3. شراب خوار."

زن و مرد بر پایه تفاوتهای جسمی و روحی از نظر لباس و حرکات با هم تفاوت دارند؛ به همین دلیل مرد نباید خود را در حرکات و لباس و زینت شبیه زن کند. زن هم نباید خود را مرد گونه نشان دهد؛ بلکه هر کدام باید طبق آن فطرت و طبیعتی که در وجودشان هست، لباس بپوشند و زینت کنند و همان گونه عمل کنند که شایسته آن هستند.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید:
"خدا لعنت کند زنانی که خود را شبیه مردان در می آورند و خدا لعنت کند مردانی که خود را شبیه زنان می کنند".
همچنین می فرماید:
"لَوْلا النِّساءُ یُعْبَد اللّهُ حَقَ عبادتِه."
"اگر زنان بد نبودند خداوند سبحان چنان که شایسته پرستش بود، پرستیده می شد".
و نیز می فرماید:
"بدترین زنان، زنانی هستند که برای اشخاصی غیر از شوهر خود آرایش می کنند و در برابر شوهر متکبر و خودخواه هستند. این گروه از زنان منافق هستند حتی به اندازه کلاغی که خط سفید به گردن دارد، به بهشت نمی روند".
زن دیندار و با تقوا، زنی است که برای شوهرش آرایش کند و در برابر او متواضع و خدمتگزار و در برابر مرد نامحرم پوشیده و با وقار باشد و از هر گونه حرکات زننده و پوشیدن لباسهای تحریک آمیز خودداری کند.
در مقابل، زنی که برای شوهرش آرایش نمی کند و خودخواه و متکبر است و در برابر نامحرمان زینت و عشوه گری می نماید و خود را متواضع نشان می دهد، همچون منافقان است؛ زیرا در ظاهر دوست و در حقیقت دشمن است؛ از این نوع زنان بسیار کم به بهشت می روند، مگر آنکه از ته دل توبه کنند.

کشف حجاب در ایران

طرح هماهنگ و یکسان کشف حجاب در کشورهای اسلامی و حضور عریان خانواده روسای وابسته به نظامهای استکباری و تلاش بی وقفه آنان در انجام این طرح، نشانگر نقش شگرف زدایش پوشش در اجرای طرحها و رسیدن به اهداف استعمار است، رضاخان در ایران مجری این طرح بود. بر خورد خشونت بار او با مردم و قضیه گوهر شاد نشان می دهد که آنان در اجرای این برنامه تا چه اندازه جدی بودند و مطالعه تاریخ متوجه می شویم تا چه اندازه به ناموس این مرز و بوم خیانت کرده اند، چنانکه آمده است برای کشف حجاب در مشهد، صبح روز جمعه 10 ربیع الاول سال 1354 قمری مصادف با 20 تیر 1314 مردم را متفرق ساختند و یکصد نفر کشته و زخمی شدند. شنبه 11 ربیع الاول مردم در مسجد با چماق، بیل و داس برای دفاع جمع شدند، زنان وسط مسجد گوهر شاد چادر زده و حاضر بودند. در همین حال مسلسل هایی سنگین بالای مسجد و عده ای مزدور داخل مسجد بودند. در نیمه های شب حمله را آغاز کردند دو هزار نفر را کشتند و پانصد نفر را دستگیر کردند، می گویند 56 کامیون جنازه بردند واین تظاهرات و... اعتراض به کشف حجاب بود.
ماه مبارک رمضان سال 1346 قمری مصادف با 1306 شمسی هنگام تحویل سال عده ای به قم رفته بودند و رضاخان نیز با اعضای خانواده اش در غرفه بالای ایوان حرم با زنش بی حجاب نشسته بودند، شیخ محمد بافقی پیغام فرستاد: شما چه کسانی هستید! اگر غیر دین اسلامید اینجا چه می کنید؟ و اگر مسلمان هستید در حضور چندین هزار جمعیت در غرفه حرم چرا مکشوفه الوجه نشسته اید؟
علی رغم تلاشهای مذبوحانه دشمن، زنانی در سایه پوشش و عفاف به صحنه اجتماع آمدند و در برابر ستمگران ایستادگی کردند:
زینب پاشا (فرزند شیخ سلیمان، دهقان بی چیز، رهبر زنان تبریز) گروهی داشت و در مجامع حاضر می شد و مردم را به مبارزه تشویق می کرد. یک بار به جمع مردان گفت:
اگر شما مردان جرئت ندارید جزای ستم پیشگان را کف دستشان بگذارید اگر می ترسید که دست غارتگران و دزدان را از مال و ناموس و وطن خود کوتاه کنید چادر زنان را سرتان کنید وکنج خانه بنشینید و دم از مردی ومردانگی نزنید ما جای شما با ستمکاران می جنگیم.
فرهنگ ستیزان در جوامع اسلامی برای زدودن ارزشها تلاشی شگرف به کار گرفته اند.
بی گمان روشها در چگونگی موضع گیری اش نقش مهمی ایفا می کند.

اسلام، زن را در متن اجتماع به تلاش و کوشش فرا خوانده؛ اما با حجب، حیا، وقار، متانت، سنگینی رفتار، شکوه گفتار و سلامت کردار و این همه را برای او ارزش دانسته است.
این چگونگی تا جایی پیش می رود که پوشش نه برای حفاظت بدن بلکه نوعی عرضه وجود است؛ از این رو غالباً این گونه پوشش را نیز برای نمایاندن برمی گزینند.
حضرت علی (ع) می فرماید:
"تَظْهر فی اخِر الزَمانِ و هو شَرُ الأزمِنةِ نِسوة کاسِیات عاریاتٌ مُتبرجات، مِن الدینِ خارجاتٌ و فِی الفِتَن داخلات و لِلشَهواتِ مائلاتٌ و الَی اللَذاتِ مسرعات، مستحلاتٌ لِلمحرَماتِ و فی جهنَم خالِداتٌ ".
"در آخر الزمان که بدترین زمانها است جمعی از زنان پوشیده ای که برهنه هستند (لباس دارند اما آنقدر نازک است گویا نپوشیده اند) و از خانه با خودآرایی بیرون می آیند، اینان از دین بیرون رفته و در فتنه ها وارد شده اند و به سوی شهوات تمایل دارند و به کوی لذات نفسانی در شتابند و حرامها را حلال می دانند و در دوزخ به عذاب ابدی گرفتارند".
امروزه به روشنی این کلام معجزه آسا را می فهمیم و پوشیدگان برهنه را در می یابیم که چه کسانی هستند.
این گونه روشها و منشها قطعاً از چگونگی ارزشگذاری زن به زندگی سرچشمه می گیرد.

بی حجابی زلیخا مقابل یوسف (ع)

داستان حضرت یوسف (ع) و زلیخا در فرآن نمونه ی بارزی از تقوا و حیای پیامبر را به تصویر می کشاند. زلیخا در اوایل کار خود به پیامبری همچون حضرت یوسف (ع) تمایل پیدا کرد؛ اما حضرت یوسف (ع) در همه مراحل زندگی خود در کاخ فرعون حیا و تقوا را پیشه کرد و هیچ گاه با آنکه زلیخا حجاب و عفت خود را رعایت نمی کرد دست از پا خطا نکرد. آنچه روز به روز زلیخا را به یوسف (ع) عاشق تر می کرد حیای یوسف بود؛ به همین خاطر زلیخا از کاری که کرده بود ابراز پشیمانی و توبه کرد و خداوند هم پاداشی را به او همچون ازدواج با یوسف عطا کرد تا به بندگان خود ثابت کند با توبه و کار نیک به طرف من بیایید. خداوند هیچ گاه دست رد به سینه توبه کنندگان نخواهد زد.
پیامبر اکرم (ص) فرماید:
"وقتی زن جایی نشسست و بلند شد، در آن مکان ننشینید تا جای او سرد گردد."
با وجود این سخنان کدام مردی است که با زن نامحرم جز موارد ضروری بر خورد کند و تحت تأثیر قرار نگیرد!
انسان باید در جوانی بیشتر باید مراقب خود باشد؛ زیرا وقتی سن او بالا می رود بسیاری از سخنان را کمتر می پذیرد و تأثیر موعظه در او کاهش می یابد.
خداوند در قرآن کریم می فرماید:
وَ لایؤْذَنُ لَهُمْ فَیَعْتَذِرُون.
"در روز قیامت به آنها اجازه داده نمی شود تا عذر و بهانه بیاورند".
همچنین می فرماید:
*اَلْیَوْمُ نَخْتِم علی اَفْواهِهِمْ *.
"روز قیامت ما بر دهانهایشان مهر می کوبیم (زیرا باطن و حقیقت مردم آشکار و گویا است."
انسان ها تا در این دنیا فرصت دارند می توانند توبه کنند و نیازهای خود را درخواست نمایند، اما هنگامی که این دنیا را وداع می کنند هیچ راه برگشتی ندارند و در آن هنگام است که جز پشیمانی و افسوس چیز دیگری را برای صاحب خود به دنبال ندارد. * * *

فصل چهارم: تربیت مثبت

اشاره

راه های مبارزه با بی حجابی
در این فصل می خوانیم:
- تربیت مثبت در حجاب
- تقویت ایمان در زنان
- حجاب و استحکام خانواده
- حجاب راه نجات از گناه
- راهنمایی دختران به حجاب
- بهترین وسیله حجاب

:Phillips Brooks ?
Do not pray for easy lives.party to be stronger men! Do not pray for tasks equal to your power. Pray for power equal to .your tasks
از خدا طلب راحت و آسان نکنید؛ دعا کنید آدم های نیرومند تری شوید! برای کارهایی برابر با توان خودتان دعا نکنید؛ برای توانایی دعا کنید هم تراز کارهایتان.*
"فیلیس بروکس / وزیر و شاعر آمریکایی"
?

تربیت، اساسی ترین، ضروری ترین و ابتدایی ترین نیاز بشر است. تمامی جوامع، ملل و فرهنگها روی این مسئله تکیه فوق العاده ای می کنند که فرزندانشان براساس فرهنگ و سنن ملی، میهنی و قومی پرورش یابند و سنتهای گذشته خود را به آنها منتقل می کنند. در آغاز، هر کس تلاش می کند فرزندش به خوبی تربیت شود؛ منتها هر کسی به نحوی یا به فرموده فرآن مجید، هر حزبی به عقاید و فرهنگ خود دل بسته است.
حضرت علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع) می فرماید:
"وَ إنَّما قَلبُ الْحَدَثِ کالأرْضِ الخالیةِ ما اَلْقی فیها مِنْ شَیءٍ قَبَلَتْهُ ".
"پسرم! قلب فرزند نورس مانند زمین خالی است، خالی از بذر و گیاه، هر تخمی که در آن افشانده شود، همان رشد می کند."
متاسفانه آنهایی که خارج و بیرون از اسلام هستند، در طول سالیان دراز و با فعالیتهای بی وقفه نتوانستند با فرهنگهای خود ساخته به یاری فرزندانشان بشتابند؛ لذا آنها را به بیراهه کشاندند و قدرت مهار و کنترل عصیانهای روز افزون آنها را از دست داده اند؛ اما اسلام چهارده قرن است که با فرهنگ غنی و آسمانی خود، فرزندانش را در حصار و حفاظ استوار و محکم حفظ کرده است. به خاطر ارائه راه درست تربیت پیروانش در خلق و خوی بشری نمونه و سرافراز جهانیان هستند.
بزرگان و خردمندان عالم از دیرزمان در سخنان و در مباحث خود به مسائل تربیتی اهمیت داده اند. کانت می گوید:
"تربیت بزرگ ترین و سخت ترین مسئله ای است که برای حل کردن به انسان داده می شود، زیرا بصیرت انسان به تربیت او و این یکی هم به بصیرت او بسته است ".
ارنست رنان می گوید:
"مسئله تربیت برای نژاد کنونی مسئله زندگی و مرگ است".
جون ریسکن می گوید:
"هر تربیتی در درجه اول باید اخلاقی و در درجه دوم عقلی باشد. هر تربیت کامل، عقل است. بدون تربیت اخلاقی، هر تربیت ناقص و یک بدبختی است ".
هدف اسلام از تربیت فرزندان، تربیت خوب و نیک آنها است. خوبیها و نیکی هایی که در راستای مذهب و تعالی روحی و معنوی و دینی باشد نه چیز دیگر و امتیاز اسلام میان سایر مکتبها به همین امر تربیت معطوف است و فلسفه وجودی اسلام نیز طبق فرموده پیامبر اکرم (ص) در همین امر خلاصه می شود که فرمود:

"انِّی بُعِثت لاتَمِّمَ مَکارِمَ الّأخلاقِ ".
"من برای تکامل بخشیدن به اخلاق و خوی خوب بشریت مبعوث گشته ام."

تقویت ایمان در زنان

باید باورهای دینی و ایمان در زن ایجاد شود؛ زنی که دل به حق داده و اندیشه به خدا سپرده و فرجام زندگی دنیوی اش را پذیرفته چطور حاضر می شود خودآرایی و خودنمایی کند و خود را در معرض دیدهای آلوده قرار دهد و زمینه های لذت دیگران و فسادآفرینی را به وجود آورد؟!
حضرت علی (ع) می فرماید:
"شخصیت انسان در گروه باورهای او است."
همچنین می فرماید:
"نشانگر آن است که باورهای درست و ایمانهای راسخ، عالی ترین نقش را در کیفیت زندگانی انسان، ایفا می کنند".
بسیاری از دختران جوان از ضعف اراده خود می نالند و در برابر اهداف عالیه انسانی، خود را ضعیف می پندارند. این گروه از پشت کار و جدیت در کارها و فعالیتهای خود محرومند و همیشه از کاری که شروع کرده اند، بدون اینکه به پایان برسانند، متنفر شده، فوراً تصمیم خود را تغییر می دهند.
یکی از مهم ترین راههای تقویت اراده و به دست آوردن صفت جدّیت و پشت کاری، توجه به امور معنوی است؛ چرا که در این هنگام انسان خود را به نیروی قوی و شکست ناپذیری وصل می داند و همین برای تقویت اراده کافی است.
حضرت عیسی (ع) می فرماید:
"بِحَقِ أقولُ لَکم: ماذا یُغنی عَن الْجَسَد اذِا کانَ ظاهِره صَحیحاَ و بالهُنه فاَسِداَ و ما تغنی غَنْکم اجسادکم اذِا أعجبتکم و قَد فسدتْ قلوبُکم و ما یُغنی غَنکم أن تنقَّوا جُلودکم و قلوبُکم دَنِسة".
"به حق برای شما می گویم: تن چه سودی دهد در صورتی که ظاهرش درست باشد و درونش تباه، بدنهای شما چه سودتان دهد که خوشتان دارد و دلهایتان تباه باشد و سودی نبرید که پوست خود را پاک نگاه دارید و دلهای شما چرکین باشد".
امام صادق (ع) می فرماید:
"ألهِموهُنَ حبَ علی عدلاً و ذروهُنَ بلهاء."
"به زنان دوستی آل علی (ع) را الهام کنید و به همین مسائل اندک رهایشان کنید".
زن اگر حب علی (ع) را فراگرفت و او را راهبر شناخت و خاندان او را به عنوان الگو پذیرفت. و بر راهی رفت که اهل بیت (ع) رفته اند و آنان را سرمشق گرفت، حضورش در جامعه دلهره آفرین نخواهد بود.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:
قُلْ إِنْ کنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّهَ فَاتَّبِعُونی یُحْبِیکمُ اللّهُ وَ یَغْفِرْ لَکمْ ذُنُوبَکمْ وَ اللّهُ غَفور رَحیمٌ
"بگو ای پیامبر اگر خدا را دوست می دارید مرا پیروی کنید که خدا شما را دوست دارد و گناه شما ببخشد که خداوند آمرزنده و مهربان است".
الگوها در ساختار روحی و رفتاری نقش مهمی دارد. امروز یکی از تأسف های جدی این است که زن مسلمان آنچنانکه بایسته و شایسته است با چهره های بلند تاریخ اسلام آشنا نیست، پس باید زندگانی حضرت زهرا(س) و فرزند برومندش حضرت زینب (س) و دیگر چهره های والای تاریخ گذشته و معاصر به زن مومن نشان داده شود تا بنگرد با حفظ هویت و شخصیت و وقار می تواند در جامعه حضور پیدا کرده، ایفای نقش نماید.
امام حسین (ع)که در ماجرای محرم سال 61 هجری به درجه رفیع شهادت نایل آمد نسبت به مسئله حفظ ناموس و حجاب زنان، دختران و خواهران خود بسیار حساس و متعصب بود.
ایشان هنگامی که کاروان خود را اطراف خیمه زنان برپا کردند فاصله بین آنها را کم نموده، خیمه ها را نزدیک به هم بر پا کردند.
طبق نقل شیخ مفید، حضرت دستور دادند خندقی اطراف خیمه ها حفر نموده، آن را با هیزم پر کنند، آن گاه آتش بزنند تا دشمن نتواند از پشت یا اطراف حمله نماید.
شیخ مفید در قسمت دیگری از کتاب ارشاد می نویسد:
وقتی امام حسین (ع) به شهادت رسید و کاروان اسرای اردوگاه حسین بر راه افتاد، زنان از عمربن سعد درخواست کردند که لباسهای غارت شده آنان را برگرداند تا خودشان را از دید نامحرمان بپوشانند.
عمرسعد دستور داد هر کس از وسایل اینان چیزی برداشته برگرداند؛ ولی به خدا قسم! هیچکسی چیزی برنگرداند.
آری! زینب و سایر زنان و دختران حاضر در کاروان اسیران حسین، هرگز از عمربن سعد درخواست آب یا خوراک نکردند و اولین درخواستشان طلب پوششی برای حفظ حجاب خود بود.
فاطمه صغری دختر امام حسین (ع) که در ماجرای شهادت پدر و برادران بزرگوارش در کربلا حضور داشت، می گوید:
کنار خیمه ایستاده بودم و نظاره گر بدنهای پاره پاره پدر و یارانش بودم، در این فکر بودم که لشکر دشمن پس از کشته شدن پدرم با ما چه می کند؟
آیا ما را به قتل می رسانند یا به اسارت می برند؟
در همین فکر بودم که ناگهان مردی اسب سوار با نیزه اش زنان را دنبال کرد و آنان به یکدیگر پناه می بردند. او چادرها و مقنعه هایشان را می

کشید و آنان فریاد وامحمداه، واعلیّاه، واجداه سر می دادند.
دلم لرزید و پا به فرار گذاشتم، آن سوار نانجیب مرا دنبال کرد و ناگهان با نیزه اش به کتفم زد و من با صورت بر زمین افتادم، مقنعه و گوشواره ام را کشید و من بیهوش شدم. ناگهان عمه ام زینب را دیدم که کنار من قرار دارد و به شدت می گرید، چشمان خود را باز کردم و گفتم: عمه جان! آیا پارچه ای هست تا سرم را از نامحرمان بپوشانم؟
عمه ام فرمود: دخترم! عمه تو نیز مانند تو است.
آری! فاطمه صغری دختر امام حسین (ع) از تشنگی و گرسنگی و تازیانه خوردن شکوه نکرد؛ بلکه در اولین لحظه ای که به هوش آمد از عمه اش درخواست پوششی کرد تا خود را از دید نامحرمان بپوشاند و این بزرگ ترین درسی است که دختران و زنان جامعه اسلامی باید از آن بگیرند.
از مسائل فوق هم که بگذریم و پای شرع و سیره و روش معصومان را هم از مسئله مورد بحث جدا کنیم، می توانیم با مراجعه به عقل سلیم خود به این نکته دست یابیم که بسیاری از ناکامیها و انحطاط و سقوطهای جوانان بر اثر رعایت نکردن مسائل اخلاقی است.

حجاب و استحکام خانواده

حجاب لذّتها و بهره های جنسی را به محیط خانواده محدود می گرداند و به دنبال آن ازدواجهای مشروع به وجود می آید. این گونه ازدواجها پیوند زن و شوهر را محکم می سازد و در نتیجه، کانون خانواده گرم تر می شود؛ در حالی که بدحجابی و بی حجابی و آزادی بدون قید و شرط، باعث فروپاشی کانون خانواده می شود؛ زیرا در چنین نظامی، اساس خانواده را بر دشمنی و نفرت پایه گذاری می کند و معمولاً این نوع زندگیها و روابط زناشویی دوام نخواهد داشت؛ زیرا زندگی بر پایه غریزه جنسی بنا می گردد و چون غریزه جنسی بعد از مدتی فروکش می کند، مسائل دیگر از قبیل: نداشتن توافق اخلاقی، مشکلات خانوادگی و... بروز می کند و در نتیجه، به طلاق و آوارگی فرزندان منجر خواهد شد.
بی حجابی و بی عفّتی، سبب گریز جوانان از ازدواج و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت زندگی می شود؛ زیرا راه برای رسیدن به هوسهای آنان باز و آماده است.
بهتر است به برخی گزارشها در این باره اشاره کنیم:
هشت هزار دختر در هندوستان به سبب عدم توانایی در ازدواج، خودکشی کردند. در هندوستان دختران به خواستگاری پسران می روند و جهیزیه برعهده آنان است و قدری هم پول نقد می برند و اینها در هندوستان واجب است.
طبق آماری تکان دهنده هر بیست دقیقه یک بار، یک زن در سوئد کتک می خورد و مجروح می شود، همچنین در هر سه ساعت یکبار، به یک زن تجاوز می شود.
شبکه تلویزیونی "سی. اِن. اِن " در گزارشی از وضعیت کنونی خانواده ها در آمریکا گفت:
طی سال گذشته، 16270 مرد آمریکایی خانواده هایشان را بی اطلاع گذاشتند و رفتند. استمداد زنان از پلیس فدرال آمریکا، تنها منجر به بازگرداندن هفت هزار نفر از شوهران گریز پا به خانواده هایشان گشته است. دلایل این عدّه برای گریز از خانه، بداخلاقی، سلطه جویی، خرج تراشی، سبکسری همسر، پشیمانی ازدواج، شیطنت فرزندان، مزاحمت مادر زن، میل به تجرد و عشق به زن دیگر عنوان شده است.
بین سالهای 1968-1992 در آمریکا هشت هزار نفر از همسرانشان جدا شدند که فرانسه، آلمان، سوئد، ایتالیا و انگلستان نیز با فاصله کمی دنبال آمریکا هستند.
به گزارش "سی. اِن. اِن " برآورد موسسات بین المللی و پیگیری امور

خانوادگی نشان می دهد که از هر سیزده ازدواج در آمریکا، یکی به مرحله طلاق کشیده می شود و همین امر باعث می شود که کودکان را ناپدریها و نامادریها آزار دهند، حتی به دست آنها کشته شوند.
آمارهای قطعی و مستند نشان می دهد که با افزایش برهنگی و بی حجابی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی به طور مداوم بالا رفته است و هوسهای سرکش هر روز دل را به دنبال دلبری تازه می کشاند.
امّا در محیطی که حجاب و موازین دیگر اسلامی رعایت می شود، احساسات، عشق و عواطف همسران دربند یکدیگر است. در بازار آزاد برهنگی که زنان به صورت کالای مشترکی درآمده اند دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی ندارد و خانواده ها، همچون تار عنکبوت به سرعت متلاشی می شوند و کودکان بی سرپرست می مانند. 31 درصد کودکانی که در سه ماهه اخیر سال گذشته میلادی در انگلیس متولد شده اند، پدر مشخصی نداشته اند. زندگی اکثر افرادی که قبل از ازدواج با یکدیگر روابط نامشروع داشته اند در کشورهای غربی معمولاً به طلاق منجر می شود و در همین حال، تعداد کودکانی که در خارج از زندگی زناشویی در غرب به دنیا آمده اند نیز روز به روز در حال افزایش است.
شبکه تلویزیونی "سی. ان. ان " اضافه کرد پنجاه درصد کودکان در آمریکا را اطفال نامشروع تشکیل می دهند و شمار خانواده هایی که قربانی طلاق شده اند روز به روز افزایش می یابد.
حجاب و پوشش اسلامی در استحکام پیوند خانوادگی نقش مهمی را ایفا می کند. اگر دختر یا زنی که در خانواده ای زندگی می کند، خود را صاحب جمال و نفس خویش بداند؛ هرگز حاضر نمی شود دیگری او را آلت دست قرار دهد و مایه لذت خود را فراهم آورد و برعکسی کسانی که از این قانون الهی بهره نمی گیرند و در خیالات و اوهام شیطانی خود غوطه می خورند، فقط برای لحظاتی مایه کیف و لذت گروهی عیاش می شوند و از مالکیت جمال و نفس خود دست می کشند. این گروه نباید فراموش کنند که با ایجاد کردن چنین اوضاع بدی در جامعه، زمینه گسستن خانواده ها و کانون های کوچک صمیمی را برهم می زنند و همان گونه که گذشت عاقبت خودشان نیز دچار آن خواهند شد. روشن است که در چنین شرایطی از بهره مند شدن استحکام در خانواده محروم خواهند ماند.

اصولاً گناه همانند آتش است. هنگامی که در نقطه ای از جامعه، این آتش روشن شود باید سعی و تلاش کرد که آتش خاموش یا حداقل محاصره گردد؛ اما اگر به آتش دامن زنیم و آن را از نقطه ای به نقطه دیگر ببریم، حریق همه جا را فراخواهد گرفت و کسی قادر به کنترل آن نخواهد بود.
حضرت علی (ع) فرماید:
"ای بندگان خدا! خویشتن را از آتش گناه دور نگاه دارید و پیش از آنکه مرگ بی شکیب بر شما پنجه افکند، توشه نیکی از این گیتی برای آخرت بیندازید و بر مرگ پیشی گیرید."
کوچک شمردن گناه، خود یکی از خطاها است. کسی که گناهی می کند و آن را بزرگ می شمرد و از کار خود ناراحت است و در مقام توبه و جبران برمی آید، مورد آمرزش قرار می گیرد؛ ولی کسی که آن را کوچک می شمرد و اهمیتی برای آن قائل نیست و حتی می گوید:
خوشا به حال من اگر گناه من همین باشد! چنین کسی در مسیر خطرناکی قرار گرفته و همچنان به گناه خود ادامه می دهد.
حضرت علی (ع) می فرماید:
"اَشَدّ الذّنوبِ ما اسْتَهانَ بِه صاحِبَة."
"شدیدترین گناهان گناهی است که صاحبش آن را سبک شمارد".
بنابراین هنگامی که نخستین وسوسه های اشاعه فحشا یا هر گناه دیگری آشکار می شود باید همانجا در مقابل آن ایستاد تا آلودگی گسترش پیدا نکند.
خداوند در قرآن کریم می فرماید:
"یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعوا خُطوَاتِ الشَّیْطَانِ وَمَنْ یَتَّبِعْ خطُوَاتِ الشَّیْطَانِ فَإِنَّهُ یَامرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمنْکر".
"ای کسانی که ایمان آورده اید! از گامهای شیطان پیروی نکنید و هر کس از گامهای شیطان پیروی کند به انحراف و گمراهی و فحشا و منکر کشیده می شود، چرا که شیطان به فحشا و منکر دعوت می کند."
حضرت علی (ع) می فرماید:
"لَیْسَ فْی الْبَدَنِ شَی اَقَلا شُکراَ مِنَ الْعَیْنِ فَلاتعْطَوها سؤلها فَتَشْغلکم عَن ذکِرِاللّهِ عَزَّ وَجَلَّ".
"در بدن انسان چیزی کم سپاس تر از چشم نیست، پس به خواسته های آن اعتنا نکنید (و آن را کنترل نمایید) که اگر به خواسته های چشم پاسخ مثبت دهید، شما را از یاد خدای بزرگ باز می دارد".
پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

"کلّ عین باکیَة یَوْمَ الْقیامَةِ اِلاّ ثَلاثَةَ اَعْیُنٍ عَیْن بَکتْ مِنْ خَشْیَةِ اللّهِ وَعَیْن غَضَّتْ عَنْ مَحارِمِ اللَّهِ وَعین باتَتْ ساهِرَةٍ فی سَبیل اللَّه."
"هر چشمی روز قیامت گریان است جز سه چشم:
1. چشمی که در دنیا از خوف خدا گریسته است.
2. چشمی که از نگاه به حرام خدا خودداری نموده است.
3. چشمی که در راه خدا شب زنده داری نموده است".
توبه وسیله تقرب و دوستی با خدا، تبدیل کننده سیئات به حسنات، مایه امید نا امیدان و باب الابواب رحمت الهی است.
انسانها هرچه گناهکار باشند نباید از رحمت واسعه خداوند نا امید گردند.
خداوند در قرآن کریم می فرماید:
"چرا که تنها کافران بی ایمان از قدرت خدا بی خبرند، از رحمتش مأیوس می شوند."
بنابراین، اگر این باب رحمت بسته می شد، چگونه افرادی همچون حربن یزید ریاحی و فضیلِ بن عیاض می توانستند به آن مقام رفیع نائل آیند؟
اگر انسان گنهکار بتواند با عنایت حقّ و دست کشیدن از گناهان به توبه حقیقی نائل آید و قلّه بلند معنویت را فتح نماید، بسان طفلی می ماند که از مادر متولد شده و هیچ گناهی در نامه اعمالش ثبت نشده است.

افراد یک جامعه مانند بدن یک انسان هستند، اگر فردی از لحاظ روحی مریض باشد تمام مردم باید در صدد اصلاح آن برآیند و سعی و تلاش کنند تا او را از انحرافات نجات دهند؛ زیرا اگر سستی در این امر به وجود آید، بیماری این فرد به سایر مردم سرایت می کند و امکان دارد به تدریج تمام جامعه را فراگیرد.
پیامبر اکرم (ص) فرماید:
"انِّ الْمَعْصیَةَ اذا عَمِلَ بِها الْعَبْد سِرّاَ لَمْ تَضد الاّ عامِلَها وَ اذا عمِلَ بِها عَلانیةَ وَ لَمْ یَتَعبَّرْ عَلَیْهِ اَضَرَّتْ بِالْعامَةِ".
"وقتی گناه در خفا باشد، ضرر آن فقط متوجه گناهکار می شود و اگر معصیت آشکارا صورت گیرد و جلوی آن گرفته نشود ضرر آن برای همه مردم است ".
برای جلوگیری از معصیت در جامعه، باید کودکان را از همان اول در منزل با فرهنگ غنی اسلام عزیز آشنا ساخت و در مدارس، دانشگاه ها و... در این راه بزرگ تلاش و کوشش کنند و مردم باید به مسئله امر به معروف و نهی از منکر توجه داشته باشند تا محیط و فضای جامعه از هر گناه و آلودگی پاک گردد.
خداوند در قرآن کریم می فرماید:
"وِلْتَکنْ مِنْکمْ أمَّة یَدْعونَ إلِی الْخَیرِ وَ یامُرُون بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَوْنَ عَنْ الْمنکرِ وَأولَئِک هُمْ الْمُفْلِحُونَ ".
"باید از میان شما جمعی به نیکی دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنها رستگارانند."
امام محمد باقر (ع) می فرماید:
"انِّ الْاَمرُ بالْمَعْروفِ وَالنَّهی عَنِ المُنْکرِ سَبیلَ الأنبیاء...".
"امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا و روش انسانهای صالح است."
دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرایض با آنها برپا می شوند و به وسیله این دو، راهها امن می گردد و کسب و کار مردم حلال می شود، حقوق افراد تأمین می گردد، در سایه آن زمینها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می شود و در پرتو آن همه کارها روبه راه می گردد.
پیامبر اکرم (س) می فرماید:
"کیفَ بِکم اِذا فَسدَتْ نِساوکم وَفَسَقَ شَبابکم ولَمْ تَأمروا بالمَعروفِ ولمْ تَنْهَوا عَنِ المنکرِ".
"چگونه بر شما می گذرد، زمانی که زنانتان فاسد و آلوده شدند و جوانانتان به طرف فسق و فجور روی آوردند؟ و هنگامی پیش می آید که

شما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید."
همچنین می فرماید:
"در شب معراج گروهی را دیدم که با قیچی لبایشان را می برند، به جبرئیل گفتم: اینها چه کسانی هستند؟ گفت: اینها خطبا و علما از امت شما هستند که قدرت بر بیان احکام خداوند را داشتند، لکن در این امر خطیر سستی کردند".
و نیز فرمودند:
"خداوند غضبناک می شود از دست مومن ضعیفی که دین ندارد. گفته شد: آن مومن ضعیف چه کسی است؟ فرمودند: کسی که کار زشتی را می بیند و جلوگیری نمی کند."
حضرت علی (ع) در وصیتشان به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) فرمودند:
"اللّه اللّه فی الجهاد بِاَموالِکمْ وَاَنفسِکم والسِنَتکم فی سبیلِ اللَّهِ لاتترکوا الاْمرَ بِالْمعروفِ والنّهی عَنِ الْمنکرِ فَیوَلّی عَلَیکم اَشْرارَکم ثمَّ تَدْعونَ فَلایَستجابَ لَکم"
"از خدا بترسید، از خدا بترسید، درباره ی جهاد با دارایی ها و جان و زبانتان در راه خدا و دفاع از دین، با مال و جان و زبان نهایت تلاش بکنید و امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید؛ زیرا ترک این دو فریضه الهی باعث می شود ظالمان بر شما مسلط شوند و در آن هنگام برای دفع دشمن دعا می کنید، ولی خداوند اجابت نمی کند."
بنابراین کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، در حقیقت رهرو راه انبیا و صالحان است و کسی که این دو فریضه مقدس را رها کند، ایمان ظاهری را حفظ کرده؛ ولی در دل و قلب او نفوذ نکرده است.
اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه صورت نگیرد، میدان برای انسانهای فاسد و بی دین باز می شود. روز به روز بر قدرت و فساد آنان افزوده می شود و میدان برای تجاوز به حقوق دیگران به صورت احتکار، گرانفروشی و... بازخواهد شد.
وقتی افراد فاسد در جامعه قدرت پیدا کنند، انسانهای مسلمان و مظلوم برای رهایی از این مصائب هر چه دعا کنند، خداوند دعای آنها را اجابت نمی کند؛ زیرا خودشان بر اثر ترس و عدم مبارزه با ظالم، باعث ذلت خود شدند.
خداوندا! چشم ما را بینا و گوش ما را شنوا و فکر ما را صائب و زاینده و کارساز فرما تا بتوانیم به عمق تعلیمات کتابت راه یابیم و از آن چراغ پرفروغی برای خود و دیگران فراهم سازیم.

بهترین وسیله حجاب

حجاب یکی از ضروریات دین مقدّس اسلام است. اگر کسی منکر یکی از ضروریات دین شود در صورتی که به انکار خداوند سبحان و رسول مکرّم اسلام (ص) بازگردد، مرتد و کافر است.
آنچه در مورد حجاب باید مدّنظر قرار گیرد این است که زن با پوشش، هم خود را از خطر مصون می دارد و هم جامعه را از فساد نجات می بخشد؛ زیرا بی حجابی و بدحجابی باعث تحریک جوانان شده، در نتیجه فجایع ناخوشایندی به وجود می آورد، پس زن ضمن حفظ حجاب، باید از هرگونه حرکت تحریک آمیز که موجب توجه بیگانه می گردد، اجتناب کند.
در اینجا این سوال مطرح می شود که بهترین نوع حجاب در چیست؟
بهترین وسیله برای پوشش و مستور بودن زن از نامحرم، چادر است.
مانتو و مانند آن در صورتی که دوخت، مدل و رنگ آن مناسب باشد و تحریک کننده نباشد و نمایان بودن صورت زن موجب جلب توجه دیگران نگردد و سیمای او بدون آرایش باشد، اشکال ندارد با این حال معایبی دارد که عبارت اند از:
1. مانتو و امثال آن، برجستگیهای بدن را نمایان می سازد و این خود، خلاف عفّت و وقار زن است و شایسته مقام زن مسلمان نیست که چنین لباسهایی بپوشد و در شأن مرد مسلمان هم نیست که همسر و خواهرش را آزاد گذارد تا چنین در انظار مردم، ظاهر شوند.
2. در قرآن و روایات معصومین (ع) یک اصل کلی و تغییر ناپذیر وجود دارد که زن نباید لباس محرک و شهوت انگیز بپوشد، در حالی که مانتو و... چنین نیست. مانتو و لباسهایی مانند آن سبب توجه بیشتر نامحرمان می گردد و نگاه های هرزگان را بیشتر جلب می کند. چه بسا امکان دارد خانمی با پوشیدن مانتو هدفی نداشته باشد و زنی با شخصیت و قابل احترام است؛ اما بعضی از جوانان اهداف پلیدی دارند و جلوی چشم آنها را نمی توان گرفت؛ روی همین اساس، یکی از امتیازات چادر آن است که جلوی چشمهای آلوده را می گیر د.
3. در مواقع باد و طوفان و تصادف و... کسانی که از مانتو استفاده می کنند بیشتر در معرض نمایان شدن بدنشان قرار می گیرند؛ در حالی که این موضوع با پوشیدن چادر، کمتر است.
4. با پوشیدن مانتو، بدن پوشیده می ماند؛ امّا صورت کاملاً آشکار است، در این حال اگر سیمای زن زیبا باشد یا به آرایش آراسته باشد یا به هر دلیل دیگر چهره او نظر نامحرمان را جلب نماید پوشیدن چنین لباسی بر زن جایز نیست.

5. هرگاه پوشیدن مانتو و آشکار شدن صورت سبب گناه یا موجب بر انگیخته شدن فتنه برای خود زن شود پوشاندن صورت واجب است؛ در حقیقت پوشیدن مانتو با وجود آشکار بودن صورت نمی تواند پوششی اسلامی باشد.
خداوند در قرآن می فرماید:
"وَالْقَوَاعِدُ مِنْ النِّسَاءِ اللاَّتِی لَا یَرْجُونَ نِکاحاَ فَلَیْسَ عَلَیهِنَّ جنَاح ان یَضَعْنَ ثِیَابَهُنَّ غَیْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِینَة وَانْ یسْتَعْفِفنَ خَیْر لَهنَّ وَاللَّه سَمِیع عَلِیم".
"زنان سالخورده ای که امیدی به ازدواج ندارند می توانند لباسهای فوفانی (مانند چادر) را که معمولاً زن مسلمان با آنها خود را می پوشاند کنار بگذارند، به شرط آنکه با آرایش ظاهر نشوند، هرچند اگر پاکدامنی پیشه سازند و خود را بپوشانند برای آنها بهتر است و خداوند شنوا و دانا است ".
***
:John Brunner
There are two kind of fools, one that says 'This is old, and therefore good'. And one that says 'this is new, and therefore better'.
دو گونه احمق وجود دارد، یکی آنکه می گوید: این قدیمی است، پس خوب است و یکی آنکه می گوید: این جدید است، پس بهتر است.
"جان برونه / بزرگان و فرهیختگان جهان"

فصل پنجم: خطبه

اشاره

سخنان دختران پیامبر
در این فصل می خوانیم:
- خطبه فاطمه زهرا در مسجد
- خطبه فاطمه زهرا در بستر بیماری
- خطبه حضرت زینب در کوفه
- خطبه حضرت زینب در مجلس یزید
- خطبه حضرت ام کلثوم در کوفه
- خطبه فاطمه بنت الحسین در کوفه

:Susan B. Anthony ?
The true Republic: men, their rights and nothing more; women, their rights and nothing less.
جمهوری واقعی: مردان, حقوقشان و نه چیزی بیشتر؛ زنان, حقوقشان و نه چیزی کمتر.*
"سوزان بی. آنتونی / اصلاح طلب آمریکایی"
?

خطبه فاطمه زهرا (س) در مسجد

هنگامی که ابوبکر مصمّم شد فدک را از فاطمه باز گیرد، این خبر به آن حضرت رسید، مقنعه خود را پوشید و چادر به سر کشید و همراه گروهی از خدمتگزاران و زنان بنی هاشم در حالی که لباس بلند او زیر قدمش قرار می گرفت و راه رفتنش شبیه راه رفتن پیامبر اکرم(ص) بود بر ابوبکر- که در جمع مهاجران و انصار قرار داشت- وارد شد.
پرده ای به احترامش پیش رویش آویخته شد و فاطمه پشت پرده نشست و در نخستین لحظات ورود، یادآوری خاطرات ملکوتی و سرشار این مسجد از پیامبر اکرم (ص) شد و آنچنان انقلاب روحی در او پدید آورد که ناگاه ناله ای سر داد که مردم را به خروش افکند و همه به همراهی او گریستند و مجلس مضطرب شد. حضرت اندکی مهلت داد تا ناله و خروش مردم آرام گرفت. آن گاه سخن را با حمد و ثنای الهی آغاز کرد و بر پیامبر درود فرستاد. با شنیدن نام پیامبر مردم باز هم گریستند تا آن گاه که از گریه باز ایستادند، حضرت به کلام خود ادامه داد و چنین گفت:
1. ستایش خدای را در مقابل نعمتهایش و شکر او به جهت الهاماتش و سپاس در برابر آنچه مقدَم داشته از نعمتهای فراگیر که بی سابقه عطا کرده و نعمتهای فراوانی که به کمال عنایت نموده و منّت را تمام کرده است.
2. نعمتهایی که از حدّ شمارش بیرون و پایان آن نامعلوم و در نتیجه به جای آوردن شکر آن غیرممکن است.
3. بندگانش را برای دریافت نعمت به شکر فرا خوانده تا نعمتشان پیوسته گردد و برای کامل شدن آن طلب سپاس نموده و برای دستیابی به همانند آن از نعم اخروی ترغیب کرده است.
4. گواهی می دهم معبودی جز خداوند نیست. تنها و بی شریک است و این کلمه ای است که واقعیّت آن اخلاص و شهود آن ملازم دلها است و معنی دقیق آن را به واسطه تفکر، روشن و آشکار نموده است.
5. خداوندی که چشمها از دیدار و زبانها از بیان اوصاف و تصور چگونگی و کیفیتش ناتوانند و موجودات را بدون اینکه سابقاً چیزی باشند و بدون اینکه نمونه و مثالی داشته باشند آفرید.
6. اشیاء را با قدرت و مشیّت خود وجود بخشید، بی آنکه به وجود آنها نیازمند باشد یا این نقش آفرینی برای او سودی در بر داشته باشد، جز اینکه مقتضای حکمتش بود و هشداری برای طاعتش و اظهار قدرتش و الزام خلق بر بندگی و عزیز داشتن دعوتش.
7. آن گاه در مقابل طاعتش اجر و ثواب و در برابر نافرمانی اش عذاب و

عقاب قرار داد تا بندگانش را از نعمت و هلاکت برهاند و به سوی بهشت سوق دهد.
8 گواهی می دهم! همانا پدرم محمد (ص) بنده خدا و فرستاده او است، پیش از رسالت او را برگزید و پس از گزینش، نام او را یاد کرد و قبل از برانگیختن او انتخابش کرد، آن گاه که هنوز خلایق به حجاب غیب محجوب و در پرده اهوال مستور و به نهایت نیستی مقرون بودند.
9. خداوند به عواقب امور، عالم و به حوادث روزگاران محیط و از هنگام وقوع امور آگاه است.
10. خداوند او را مبعوث کرد برای اتمام امرش و عزم و اراده حتمی اش بر جریان حکمش و اجرای مقدرات رحمتش، پس امتها را از جهت دین مختلف یافت.
11. گروهی را آتش پرست و گروهی را بت پرست که منکر خدایند با اینکه خدا را می شناسند.
12. آن گاه خداوند به وسیله پدرم محمّد ظلمتها را روشن نمود، مشکلات دلها را بر طرف ساخت و پرده ابهامات را از چشمها زدود.
13. پس بین مردم به هدایت و روشنگری قیام کرد و ایشان را از گمراهی رهایی بخشید.
14. کوردلی شان را به بینایی مبدل ساخت و مردم را به دین استوار نمود و به راه مستقیم فر ا خواند.
15. سپس خداوند روح او را از روی مهربانی و اختیار خود او و رغبت و گزینش دار آخرت به سوی خود برد. اکنون محمد(ص) از رنج این دنیا در آسایش و در احاطه ملائکه ابرار و رضوان پروردگار غفّار و قرب ملک جبّار قرار دارد.
16. درود خدا بر پدرم که فرستاده و امین خدا و برگزیده و صفّی او از میان مردم است و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.
آن گاه حضرت فاطمه متوجّه اهل مجلس شد و فرمود:
17. شما بندگان خدا مورد امر و نهی او و حاملان دین و وحی او و امانتداران خدا نسبت به خویشتن ومبلّغان اونسبت به ملّتها هستید.
18. شما برای خود حقی گمان کردید! آیا خدا در مورد آن، عهد و پیمانی به شما سپرده است؟! در حالی که بصائر آن آشکار و آیاتی درباره ما است که اسرار آن روشن و دلائلی که ظواهر آن نمایان، بر مردم و پیروی اش راهنمای به سوی رضوان و گوش فرا دادن به آن سبب نجات است.
19. در قرآن حجّت های نورانی الهی، فرائض روشن، محرّمات محذور و ممنوع، بیانات آشکار وجود دارد. او و فضیلتهایی که مردم به سوی آن فرا خوانده شده اند و رخصتهایی که خداوند عنایت کرده و قوانینی که مقرّر فرموده است.

20. پس خداوند متعال ایمان را موجب پاکی شما از شرک،
21. نماز را برای دوری از کبر،
22. زکات را سبب تزکیه نفس،
23. روزی و روزه را برای اثبات اخلاص،
24. حجّ را موجب استحکام دین،
25. عدالت را هماهنگ کننده دلها،
26. پیروی ما را سبب نظم در شریعت،
27. پیشوایی ما را مانع جدایی،
28. جهاد را عزّت اسلام،
29. صبر را کمکی برای استحقاق امر،
30 . امر به معروف را مصلحت همگان،
31. نیکی به پدر و مادر را باز دارنده از عذاب،
32. صله رحم را باعث تأخیر اجل،
23. افزایش جمعیت و قصاص را برای جلوگیری از خونریزی،
34. وفای به نذر را زمینه ساز آمرزش،
35. سرشار کردن پیمانه و وزن را موجب جلوگیری از کاستی،
36. ستم و باز داشتن از شرابخواری را پاکی از پلیدی،
37. پرهیز از تهمت را مانع از لعنت،
38. ترک سرقت را موجب عفّت قرار داد.
39. شرک را به جهت اخلاص در ربوبیتش تحریم فرمود.
40. پس پروا کنید از خداوند آن گونه که حق پروا کردن از او است و خدا را در آنچه شما را به آن فرمان داده و در آنچه از آن باز داشته اطاعت کنید.
41. ای مردم! بدانید همانا من فاطمه ام و پدرم محمّد است، حرف اول و آخرم همین است، آنچه می گویم اشتباه نیست و آنچه انجام می دهم گزاف نباشد. "به یقین رسولی از خود شما به سویت آمد که رنجهای شما بر او ناگوار است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مومنان دلسوز و مهربان است ".
42. اگر نسبت شناس باشید و او را بشناسید می بینید که او پدر من است نه پدر زنان شما و برادر پسر عمّ من است نه برادر مردان شما و چه نیک نسبتی است نسبت با آن حضرت و درود خدا بر او و خاندانش باد.
43. پیام الهی را تبلیغ کرد در حالی که انذار مردم را آشکار نمود و از مسلک مشرکان دوری جست و ضربانش را بر پشت گردنهایشان نواخت و حلقومشان را گرفت و با حکمت و اندرز به سوی پروردگارش دعوت کرد. بتها را شکست و گردن فرازان را سرنگون ساخت تا جمعشان از هم گسیخت و پا به فرار نهادند.

44. تا اینکه ظلمت شب را کفر شکافت و نور صبح اسلام آشکار شد و حق خالص پدیدار گردید.
45. رهبر دین به سخن آمد و آوای شیاطین به خاموشی گرایید و گروه نفاق در آستانه هلاکت و سرگردانی قرار گرفت و گره های کفر و تفرقه گشوده شد.
46. شما کلمه اخلاص بر زبان را ندیدید میان عدّه ای سپید رو و پاکیزه که به حقیقت به دین گرویدند.
47. در حالی که شما در کنار گودالی از آتش قرار داشتید و به منزله جرعه آبی بودید برای نوشنده.
48. لقمه نانی برای خورنده.
49. شعله آتشی برای شتاب کننده.
50. زیر پای دیگران قرار داشتید و این همه در حالی بود که آب بدبو و مخلوط به بول و سرگین شتر را می خوردید و خوراکتان پوست دباغی نشده بود، پست و مطرود و از هجوم مردم اطرافتان در هراس بودید.

51. پس خداوند شما را به وسیله محمد رهایی بخشید بعد از آن گرفتاریهای بزرگ
و کوچک که برایش پیش آمد و به مردان جسور و سفلگان عرب و سرکشان اهل کتاب مبتلا شد.
52. هرگاه آتش جنگی بر افروختند خداوند خاموش کرد و هرگاه قدرتی از شیطان آشکار شد یا گروهی از مشرکان دهان گشودند پیامبر (ص) برادرش علی (ع) را در کامشان انداخت و او هرگز بر نگشت مگر بعد از اینکه گوشهایشان را پای کوب نمود و شعله افروزیشان را با شمشیر خود خاموش ساخت. 053 او که پذیرنده رنج و آزار در راه خدا، تلاش کننده در امر خدا، نزدیک و خویش پیامبر اکرم (ص) و سروری میان اولیای خدا بود، تلاشگری ناصح و کوشش کننده ای جدّی که در راه خدا از سرزنش ملامتگران نمی هراسید.
54. در آن حال شما در رفاه زندگی و آسایش و راحت و امنیّت به سر می بردید.
55. در حالی که بلا و مشکلات برای ما بود و انتظار شنیدن اخبار آن را داشتید.
56. هنگام جنگ عقب گرد می کردید و در صحنه نبرد فرار را بر قرار ترجیح می دادید.
57. آن هنگام که خداوند سرای رسولان و مکان برگزیدگانش را برای پیامبرش اختیار کرد، خصومت منافقانه در شما آشکار شد و جامعه دین فرسوده گردید.

58. خاموش و ساکت از گمراهان به سخن در آمد، پست فراموش شد، نیکو سخن شد
و شتر باطل گرایان به صدا در آمد و میان شما دم جنبانید.
59. شیطان از کمینگاه خود سر بر آورد و شما را فرا خواند، پس شما را آماده قبول دعوتش یافت و منتظر فریبش دید.
70. سپس شما را حرکت داد، خِفت و سبکی تان را احساس کرد، خشمتان را برانگیخت و شما را خشمگین یافت، پس غیر شترتان را داغ نهادید و به غیر آبشخور خود وارد شدید.
61. این در حالی بود که عهد پیامبر نزدیک و سوز و جراحت سینه ما گسترده و زخم دل ما التیام نیافته و رسول الهی هنوز به خاک نرفته بود.
62. شما به بهانه ترس از فتنه این کار را کردید "آگاه باشید! در فتنه سقوط کردند و همانا دوزخ بر کافران احاطه دارد".
63. جای بسی شگفتی است: چگونه اید شما؟! کجا می روید؟!
64. در حالی که کتاب خدا میان شما است، امورش ظاهر، احکامش نورانی، نشانه هایش درخشان، باز هم قصد اعراض از آن دارید یا به جز آن می خواهید حکم برانید؟! 65. شما در کار خلافت درنگ نکردید مگر به اندازه ای که سر کشی شتر خلافت ساکن گردد و افسارش نرم شود و به آسانی به دست آید. آن گاه آتش فتنه بر افروختید و هیزم آن را به هم زدید و برانگیختید و به فراخوان شیطان گمراه جواب مثبت دادید و در خاموش کردن آشکار کوشش نمودید.
66 . سنّتهای پیامبر برگزیده را واگذاشتید. توطئه می کنید و به بهانه خوردن کف روی شیر، شیر را به پنهانی سر می کشید و با اهل و فرزندانش نیرنگ می کنید.
67. و ما در مقابل این کارهای شما صبر می کنیم همانند صبر در برابر بریدن خنجر و فرو رفتن سر نیزه در پیکر.
68. و شما اکنون گمان می کنید برای ما ارثی نیست، "آیا حکم جاهلیت را می خواهید؟
و چه کسی بهتر از خدا برای اهل یقین حکم می کند؟ " آیا نمی دانید؟ برای شما چون خورشید درخشان آشکار است که من دختر پیامبر هستم.
049 ای گروه مسلمانان! آیا میراث پدرم به زور از من ستانده می شود؟
070 ای فرزند ابوقحافه! آیا در کتاب خدا است که تو از پدرت ارث ببری و من از ارث پدرم محروم باشم؟ امری شگفت آورده ای!
71. آیا از روی عمد کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر انداخته اید؟ در حالی که می گوید: "سلیمان از داوود ارث برد".
72. و در داستان تولد یحیی از قول زکریا آورده است: "پس مرا از نزد خود پسایندی بخش تا از من و از خاندان یعقوب ارث بَرد".

73. و نیز فرمود: "خداوند شما را درباره فرزندانتان سفارش می کند، برای پسر به اندازه سهم دو دختر".
74. و فرمود: "اگر یکی از شما خواسته ای بر جای نهاد به پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته سفارش نماید، این حقی است بر پرهیزکاران. "
75. شما گمان کردید من منزلتی ندارم و از پدرم ارث نمی برم و نسبتی بین ما نیست!
76. آیا خداوند شما را به آیه ای مخصوص گردانیده و پدرم را از آن استثنا کرده است
با اینکه می گویید اهل دو دین از هم ارث نمی برند؟!
77. آیا من و پدرم اهل یک آیین نیستیم یا اینکه شما به خاص و عام قرآن از پدر و پسر عمویم داناترید؟!
78. پس ای ابوبکر میراث مرا مهار زده و آماده بگیر که در روز حشر سراغت خواهد آمد.
79. پس چه نیک داوری است خداوند و داد خواهی است محمد و وعده گاهی است قیامت و در آن روز اهل باطل زیان می بینند، آن گاه پشیمانی برایتان سودی ندارد "و برای هر خبر هنگامی است "، "و زود خواهید دانست برای چه کسی عذاب خوارکننده خواهد آمد و تا ابد بر او مسلّط خواهد شد. "
سپس به طرف انصار رو گرداند و فرمود:
80. ای گروه بزرگان و یاران شریعت و دژهای اسلامی! این چه کوتاهی است درحق من و این چه تغافلی است درباره ستمی که بر من رفته است؟
81. آیا پدرم پیامبر اکرم نمی فرمود: "حرمت مرد در اولادش مراعات می شود؟ " چه زود بود آنچه انجام دادید و چه با شتاب به کاری که وقتش نرسیده بود اقدام کردید! در حالی که شما به آنچه من در پی آن هستم توانا و بر آنچه من می خواهم و طلب می کنم نیرومند هستید.
82. آیا می گویید: محمد از دنیا رفت (و کار تمام شد) ؟! رحلت پیامبر امر بزرگی است که گسستگی آن فراخ گردید و شکاف آن توسعه پیدا کرد و پیوستگی آن از هم گسیخت و چهره زمین با غیبت آن حضرت تیره شد و برگزیدگان خدا در مصیبت او محزون شدند، آرزوها به نا امیدی کشید و کوهها سر فرود آوردند و حریم پایمال گردید و هنگام رحلتش حرمتها شکسته شد.
83. سوگند به خدا! این حادثه بزرگ و مصیبت عظیمی بود که همانند آن نه بلایی هست دردنیا ونه مصیبتی.
84. این امری است که کتاب خداوند جلّ ثنا در خانه هایتان و در هر صبح و شامتان آن را با صدای بلند و فریاد و گاه با تلاوت و فهماندن بر شما اعلان

کرده است.
85. نیز به آنچه از پیش بر انبیا و رسولان پروردگار وارد شده که حکم تفسیر ناپذیر و فضای حتمی است، خبر داد، آنجا که می فرماید:
"محمد فقط فرستاده خدا است و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بوده اند، آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، شما به عقب بر می گردید؟! و هر کس به عقب باز گردد هرگز به خدا ضرری نمی رساند و خداوند به زودی شاکران را پاداش خواهد داد. "
86. آه! فرزندان قبیله (اوس و خزرج) آیا ارث پدرم از من ستانده شود و شما ببینید و بشنوید و جمعتان جمع باشد و فریاد من به شما برسد و از آن آگاه باشید، در حالی که شما دارای عده و عُدّه هستید، وسیله و نیرو دارید، سلاح و سپر در پیش شما است، فراخوان من به شما می رسد ولی اجابت نمی کنید؟!
87. فریاد دادخواهی مرا می شنوید، ولی یاری نمی کنید! شما که به شجاعت موصوف و به خیر صلاح شهره هستید و نخبگان برگزیده و نیکانی که برای ما اهل بیت انتخاب شده اید.
88 با عرب درگیر شدید، سختی و رنج را بر خود هموار نمودید، با گروهها نبرد کردید و با شجاعان به مبارزه پرداختید.
89. ما پیوسته فرمان می دادیم و شما فرمان می بردید تا اینکه آسیاب اسلام بر مدار ما چرخید ونعمت و خیرات روزگار فروان گردید و گردن شرک خاضع شد و غوغای دروغ آرام گرفت و آتش کفر به خاموشی گرایید و دعوت هرج و مرج فرو نشست و نظام دین استحکام یافت.
90. پس چگونه بعد از روشن شدن حق به باطل میل کردید و بعد از اقدام و پیشروی، عقبگرد نمودید؟!
91. و پس از اعلان ایمان با پیمان شکنان همراز شدید؟! آیا از ایشان می ترسید؟
92. سزاوار است که از خدا بترسید اگر اهل ایمان هستید.
93. همانا می بینم به آسایش زندگی دل بسته اید و آن کس را که به قبض و بسط امور شایسته تر است دور نگهداشته اید و به رفاه و آرامش رو کرده و از تنگی به گشایش و راحتی پناه برده اید.
94. پس آنچه از ایمان و عمل صالح، محفوظ می داشتید دور انداختید و آنچه را به گوارایی فرو برده بودید برگرداندید، "اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید خداوند بی نیاز و ستوده است ".
95. آگاه باشید! من گفتم در حالی که نسبت به یاری نکردن که سینه هاتان با آن همراه گشته و پیمان شکنی که بر دلهاتان نشسته آگاهم.
96. ولیکن جوشش جان و انفجار غصَه و ناتوانی نفس در پنهان داشتن آن و انتشار دردهای سینه و در عین حال اتمام حجت بود.

97. پس بگیرید شتر خلافت را و تنگ و طناب آن را محکم کنید با پشت زخمی، پای مجروح و عار باقی که با خشم خدای جبّار و ننگ پایدار، داغ و نشان زده شده و با هم پیوند خورده است.
98. آنچه انجام می دهید در منظر خدا است "و ظالمان به زودی خواهند فهمید که بازگشتشان به کجا است ".
در اینجا ابوبکر لب به سخن گشود و چنین گفت:
1. ای دختر ییامبر اکرم(ص) ! همانا پدرت نسبت به مومنان دلسوز، بخشنده و مهربان و بر کافران عذاب الیم و عقاب عظیم بود.
2. اگر نسبت خویشی را نظر کنیم، می بینیم که او پدر تو بود نه دیگر زنان و برادر همسر تو بود نه دیگر یاران، که او را بر هر خویشاوندی برگزید و او نیز در هر امر مهمی پیامبر را یاری کرد.
3. دوستی نمی کند با شما جز نیکبخت و دشمنی نمی کند با شما جز شقی مطرود، شما عترت پاک رسول الله هستید، نیکان برگزیده و راهنمای ما به سوی خیر و راهبر ما به سوی بهشت.
4. تو ای بهترین زنان و نه از گفتار راستینت، به خدا سوگند! از رأی پیامبر اکرم تجاوز نکردم و جز به اجازه او رفتار ننمودم، پیشتاز قوم به ایشان دروغ نمی گوید: و من خدا را شاهد می گیرم و او برای گواهی کافی است.
5. همانا شنیدم از پیامبر اکرم (ص) که فرمود:
"ما گروه پیامبران طلا، نقره، خانه و زمین به ارث نمی گذاریم، بلکه ارث ما کتاب، حکمت، دانش و نبوّت است و آنچه وسیله ارتزاق در آن حکم برند".
6. و ما آنچه را گرفتیم در تهیه مرکب و سلاح هزینه کردیم که مسلمانان به وسیله آنها به جنگ بروند و با کفار به جهاد بپردازند و من در نظر خود مستبدّ نبودم.
7. این حال من است و این مال من که برای تو و در اختیار تو باشد، از تو نمی ستانم و برای غیر تو ذخیره نمی کنم و تو سرور امت پدرت هستی و شجره طیّبه و پاک برای فرزندانت.
8. آنچه فضیلت داری انکار نمی کنیم و بر اصل و فرع (پدران و فرزندان) تو ایرادی نیست. فرمان تو در آنچه ملک شخصی من باشد نافذ است، پس آیا اجازه می دهی با پدرت در این مورد مخالفت کنم؟!
فاطمه زهرا فرمود:
99. سبحان اللَه! پدرم پیامبر اکرم اعراض کننده از کتاب خدا و مخالف با احکام آن نبود، بلکه اثر آن را پی می گرفت و حدود آن را مراعات می کرد.
100. آیا در مکر و خیانت هماهنگ شده اید و با افترا بر پیامبر اکرم کار

خود را توجیه می کنید.
101. این کار شما بعد از رحلت آن حضرت همانند غائله هایی است که در زمان حیات بر ضد او بر پا می کردید.
102. این کتاب خدا است، داوری عادل و ناطقی جداکننده بین حق و باطل که از زبان زکریا می گوید: "از من و از آل یعقوب ارث ببرد."
103. نیز می گوید: "و سلیمان از داوود ارث برد" و خداوند عزّ و جل با بیان توزیع سهام در تشریح، سهام و میراث و بیان سهم مردان و زنان، بهانه جویی اهل باطل را بر طرف کرد و گمانه زنی و شک را برای آیندگان از بین برد. نه چنین است که شما تصور می کنید.
104. "بلکه هواهای نفسانی شما این کار را برایتان آراسته و خداوند در آنچه می گویید مدد کار (من) است.
ابوبکر پاسخ داد:
9. راست گفت خدا و پیامبرش و نیز راست گفت دختر پیامبر که معدن حکمت و مرکز هدایت و رحمت و رکن دین و سرچشمه برهان و حجّت است. راستی تو را دور نمی دانم و گفتار تو را انکار نمی کنم.
10. اینک این مسلمانان بین من و تو حاضرند، اینان به گردن من انداختند آنچه را که به گردن گرفته ام و به اتفاق نیستم و برای خود هم نگرفته ام و مسلمانان در این باره ناظر و شاهدند.
پس فاطمه روی به مردم کرد و فرمود:
105. ای گروه مردم که به گفتار باطل شتاب گرفته اید و در برابر کار زشت زیان آور سکوت اختیار کرده اید و چشم و گوشتان را گرفته است و چه بد معنی و تفسیر کردید و به بد راهی اشاره و راهنمایی نمودید و بد معوضه ای انجام دادید!
106. سوگند به خدا! تحمل این بار سنگین و عاقبت آن را شدید و ناپسند خواهید یافت. هنگامی که پرده ها کنار رود و آنچه پشت ستر (غیب) قرار دارد ظاهر گردد و آشکار شود برای شما از جانب پروردگارتان آنچه را گمان نمی کردید.
آن گاه رو به سوی قبر پیامبر(ص) نمود و چنین گفت:
107. بعد از تو خبرها و اختلافات شدیدی رخ داد که اگر حاضر بودی این اتفاقات زیاد نمی شد.

108. ما تو را از دست دادیم؛ مانند زمین که از باران سرشار محروم شود و امّت تو سست و فاسد شدند؛ پس شاهد باش برایشان و غائب مباش.
109. مردانی راز دلشان را برای ما آشکار کردند، هنگامی که تو رفتی و خاکها بین ما جدایی انداخت.
110. افرادی با چهره های عبوس با ما روبه رو شدند و ما را سبک

شمردند، هنگامی که تو رفتی و همه زمین غصب شد.
111. تو ماه تمام و نوری بودی که روشنایی می بخشیدی و از جانب پروردگار صاحب عزت، بر تو کتابها نازل می شد و جبرئیل با آیات الهی مونس ما بود، همانا تو رفتی و تمام خیرات مستور گشت.
112. ای کاش قبل از تو با مرگ مواجه می شدیم، آن گاه که تو رفتی و خاکها بین ما حائل شد.
113. ما به مصیبتی گرفتار شدیم که هیچ محزونی در زمین نه از عرب و نه از عجم به آن گرفتار نشده است.
راوی گوید: هیچ روزی را ندیدم که گریه کنندگان از زن و مرد بیشتر از آن روز باشند، آن گاه حضرت صدیقه طاهره به سوی منزل بازگشت، در حالی که امیرالمومنین (ع) برگشتن و از راه رسیدن او را انتظار می کشید.
فاطمه (س) چون در خانه قرار گرفت به امیرالمومنین (ع)چنین خطاب کرد:
ای پسر ابوطالب! همانند طفل در شکم مادر پرده نشین شدی و چون شخص متّهم در گوشه خانه نشسته ای، تو که شهپر مرغان شکاری را در هم شکستی، اکنون دستخوش پرهای جوجه مرغان بی بال شده ای!
این فرزند ابوقحافه به زور و ستم عطای پدرم و قوت و معیشت دو پسرم را باز ستاند و در مظلومیت من کوشش بسیار کرد و در مقام مجادله دشمنی را به نهایت رساند، آن گاه که انصار یاری خود را از من دریغ داشتند و مهاجران رشته محبت و خویشی را بریدند و مردم از حق من چشم پوشی کردند. نه یاوری برای دفاع از حق خود دارم و نه مانعی در مقابل ستم، انباشته از حزن و خشم بیرون شدم و بدون گرفتن حق از ستمگر باز گشتم.
آن روز غبار تسلیم بر چهره ات نشست که شدت و جرئت خود وانهادی و پس از آنکه گردن گرگان در هم شکستی خاک نشین شدی!
نه گوینده ای را باز داشتم و نه مزیّتی به دست آوردم و اختیاری ندارم، ای کاش پیش از این حال و قبل از این ذلت جان می سپردم!
یاور من در مقابل ستم ابوبکر و حمایت تو خدا است! وای بر من در هر صبح هر شام! تکیه گاهم از دست رفت و بازویم سست شد، شکایتم به پدر و انتقام خواهی من از پر وردگارم است.
بار خدایا! حول و قوّه تو شدیدتر و برتر از آنها وعذاب و مجازات تو سخت تر است. حضرت علی(ع) فرمود:
وای و شرّ برای تو نیست بلکه برای دشمن بد خواه تو است، پس خشم خود بازدار ای دخت رسول برگزیده و ای یادگار نبوّت! من در امر دینم سستی نکرده ام و در حد توان خود کوتاه نیامده ام، اگر قوت زندگی را منظور داری، روزی تو ضمانت شده و کفیل تو امین است و آنچه از اجر

آخرت برای تو فراهم و ذخیره شده بهتر است از آنچه از تو باز داشته اند، پس همه را به حساب خدا بگذار!
فاطمه (س) گفت: خدا مرا کافی است، آن گاه سکوت اختیار کرد.

خطبه فاطمه زهرا (س) بستر بیماری

هنگامی که فاطمه زهرا(س) در بستر بیماری افتاد- همان بیماری که فاطمه را زمینگیر کرد و منجر به شهادتش شد- زنان مهاجر و انصار به عیادتش رفته، ا ز حالش جویا شدند و گفتند: ای دخت پیامبر خدا! با این ناراحتی و کسالت چگونه صبح کردی؟
آن حضرت حمد خدای را به جا آورد و بر پدر بزرگوارش درود فرستاد، سپس گفت: سوگند به خدا! شب را به روز آوردم در حالی که از دنیای شما بیزار و از مردانتان ناخشنودم، آنان را پس از آزمایش به دور افکندم و در پی تجربه با ایشان دشمنی کردم. پس چه زشت است کندی در شمشیر و سستی در نیزه و پراکندگی در رأی!
و "راستی چه نکوهیده است آنچه برای خود پیش فرستادند که در نتیجه خدا برایشان خشم گرفت و پیوسته در عذاب می مانند"! به ناچار گناه این ناسپاسی و سستی در دفاع از حق را به گردنشان انداختم و سنگینی آن را بردوششان گذاشتم و از هر سوی به ایشان تاختم و ننگش را به ایشان واگذاشتم، پس! ذلت وهلاکت و دوری از رحمت نصیب گروه ستمکاران باد!
وای برایشان ! چگونه بنای حکومت را از پایه های استوار رسالت و زیر بنای نبوّت و هدایت و فرودگاه جبرئیل و شخصیت آشنای به امور دنیا و دین دور کردند؟ آگاه باشید!

این زیانکاری آشکار است.
چه ایرادی بر ابوالحسن گرفتند و چه نکته ضعفی در او یافتند؟! آری! صلابت شمشیرش، نهراسیدن از مرگ، سختی در کارزار و برندگی در کار و خشم گرفتن و جدی بودن درباره ذات پروردگار، اینها است آنچه بر او خرده گرفتند.
به خدا سوگند! اگر آنها دست از آن زمانی که پیامبر اکرم به سوی او افکند بازمی داشتند و آن را رها می کردند، او زمام را به دست می گرفت و ایشان را به آسانی و ملایمت حرکت می داد که نه مرکب آزرده می شد و نه مرکب سوار در رنج و سختی می افتاد و آنها را به سر چشمه آبی صاف، زلال، گوارا، لبریز، با کناره ای پاکیزه هدایت می کرد و سیراب بر می گرداند و در نهان و آشکار خیر خواهشان بود و خود از زینت و نعمت دنیا بهره ای نمی گرفت، جز به مقدار جرعه آبی که تشنه کامی برای رهایی از مرگ نوشد یا لقمه نانی که سرپرست یتیم از مال او در حد ضرورت بخورد و آن گاه برایشان آشکار می شد که زاهد کیست و دنیا

طلب کیست؟
صادق کیست و دروغگو کدام است؟
"و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم؛ ولی تکذیب کردند، پس به کیفر دستاوردشان گریبان آنان را گرفتیم و کسانی از این گروه که ستم کرده اند، به زودی کیفر کردارشان را خواهند یافت و آنان را گریزی نیست.
بیا و بشنو و هر چه زنده بمانی روزگار عجایب بیشتری نشانت خواهد داد و اگر در شگفتی پس گفتار ایشان عجیب تر است!
کاش می دانستم به چه پایه و استوانه ای تکیه کرد ه اند و بر چه ریسمانی چنگ زده اند!
"واه، چه بد مولی و چه بد دمسازی و چه بد بدلی است برای ستمگران! "
آری! دنباله روها را بر پیشاهنگان و پس ماندگان را بر سروران بدل گرفتند، پس خوار و شکسته باد آن گروه که می پندارند کار نیک انجام می دهند، در حقیقت فساد انگیزند و خود نمی دانند.
وای برایشان! آیا کسی که به سوی حق رهبری می کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی نماید مگر آنکه خود هدایت شود؟
شما را چه شده است؟ چگونه داوری می کنید؟
سوگند به جانم! کردارشان به بار نشسته، اندکی مهلت تا نتیجه دهد و بزاید، آن گاه به جای شیر، خون تازه و سم مهلک بدوشند و قدح را لبریز کنند و در آنجا است که باطل گرایان زیان می بینند و آیندگان از نتیجه شوم و ناپسند کار گذشتگان آگاه می گردند.
پس به دست شستن از جانتان آماده شوید و دل برای وقوع فتنه مطمئن دارید و مژده باد شما را به شمشیر برّان و سلطه تجاوزگرانه و ظالمانه و آشوب فراگیر و استبداد و زورگویی ستمگران، به گونه ای که نصیبتان اندک و گروهتان بیچاره و مستأصل شود.
ای دریغ بر شما! کجا می روید؟!
همانا راه بر شما پوشیده شده است، آیا ما می توانیم شما را به آن وا داریم در حالی که خود دوست نمی دارید؟!
راوی حدیث می گوید:
زنان گفتار آن حضرت را بر مردانشان باز گفتند، آن گاه گروهی از مهاجر و انصار برای پوزش خواهی به محضرش شتافته، عرض کردند:
ای سرور زنان! اگر ابوالحسن پیش از استواری این عهد و استحکام این بیعت، مسئله را یادآور می شد ما به شخص دیگری جز او روی نمی آوردیم.

آن حضرت فرمود: بعد از بهانه جویی تان، عذری پذیرفته نیست و پس از کوتاهی تان کاری پیش نمی رود.

خطبه حضرت زینب در کوفه

حضرت زینب (ع) بعد از مادرش حضرت فاطمه(س) تنها زن عذاب کشیده و بلا دیده دنیا است و هیچ کس مانند حضرت زینب(س) نمی تواند نسبت به سختی و عذاب مدعی شود. آیا نمونه ای همچون حضرت زینب (س) هست که داغ دیده ی مادر در کودکی، پدر در نوجوانی و برادر در جوانی باشد، همچنین در دشت کربلا سختی کشیده باشد؟ آیا کسی همچون زینب وجود دارد که در مقابل لشکری بی حیایی بشنود و با بی حیایی چادر از سرش کشیده شود و دختران برادرش این چنین در برابرش پرپر شوند. به راستی که مظهر عفت، حیا و پاک دامنی همچون زینب در هیچ جای تاریخ نخواهد بود.
حضرت زینب بعد از صحنه کربلا هنگام ورود به کوفه از زبان راویان حدیث این گونه سخن می گوید:
بشیر بن خزیم اسدی می گوید:
آن روز زینب دختر علی را دیدم، بانویی بسیار با حیا و شرم و سخنگوتر از او هرگز ندید ه ام، گویا از زبان علی (ع) سخن می گفت، آری! تا مردم را به اشاره دست به سکوت فراخواند نفسها در سینه ها حبس شد و درای شتران از حرکت باز ایستاد، سپس چنین آغاز سخن کرد:
سپاس خدای را و درود بر پیامبر اکرم (ص)!
پس ای اهل کوفه، ای نیرنگ بازان و پیمان شکنان! اشک می ریزید؟!
خدا کند یک لحظه دیده هایتان از سیلاب اشک تهی نگردد و شیون و زاریتان پایان نگیرد. شما بدان زن می مانید که رشته خود را محکم می تابید، سپس تافته خود را می گشاید؛ چنانکه شما پیمانهایتان را بعد از استحکام آن، از روی فریب می گسلید.
شما جز لاف، ناپاکی و سینه پر کینه چه دارید؟
جز طنازی کنیزکان و غمازی به دشمنان چه دانید؟
شما بدان گیاه سر سبز می مانید که بر لجن زار روییده یا همچون گچی که گوری را زینت بخشیده!
آگاه باشید! بد توشه ای برای خود فراهم کرده اید و عذاب سخت خداوند که در آن جاودان خواهید بود.
آیا گریه و زاری می کنید؟ آری، سوگند به خدا سزاوار آنید! پس بسیار بگریید و کم خنده کنید که ننگ این کار و رسوایی آن را به جان خریدید و لکه آن را به هیچ آبی نتوانید شست. چگونه توانید شست ننگ کشتن جگر گوشه خاتم پیامبران و ارکان رسالت و سید جوانان اهل بهشت را، او که پناه نیکانتان و در گرفتاریها پشتیبانتان و نشانه روشن دینتان و بزرگ

سخنگویتان بود؟
آگاه باشید که بد ذخیره ای اندوختید، پس عذاب خدا و دوری از رحمتش نصیبتان باد که تلاشتان بیهوده شد و دستهایتان کوتاه گردید و تجارتتان زیان دید و غضب خدا را خریدار شدید و ذلت و واماندگی بر شما چیره شد.
وای بر شما ای اهل کوفه! می دانید چه جگری از پیامبر اکرم شکافتید؟!
و چه نور چشمی از او پراکنده ساختید؟!
و چه خونی از او بر زمین ریختید؟!
و چه حرمتی از او شکستید؟!
حقاً که کار بسیار زشتی انجام دادید. چیزی نمانده که آسمانها از این کار شما بشکافند و زمین چاک خورد و کوهها فرو ریزند.
آنچه به جای آوردید به پهنای زمین و گستره آسمان بی حرمتی، مصیبت بار، زشت، سبکسری، احمقانه و شوم بود.
آیا از اینکه آسمان خون ببارد تعجّب کردید؟! مکافات آخرت شدیدتر و رسوا کننده تر است و ایشان در آن روز یاری نخواهند شد، پس به مهلت چند روزه دنیا مغرور نشوید؛ چرا که سرعت گرفتن بر کاری خدای عزوجل را بر عجله وا ندارد و فرصت انتقام از دست او بیرون نرود. همانا پروردگارتان در کمین است، پس در انتظار اوّل نحل و آخر سوره صاد باشید.
راوی می گوید: سوگند به خدا! مردم را حیران و گریان دیدم که دست به دهان گرفته اند و پیر مردی را در کنار خود دیدم که اشک می ریخت به حدّی که محاسنش خیس شد و چنین می گفت:
پدر و مادرم فدای شما! بزرگسالانتان بهترین بزرگسالان و جوانانتان بهترین جوانان و زنانتان بهترین زنانند و نسلتان بهترین نسلها است که خوار و مقهور نمی گردد.

خطبه حضرت زینب (ع) در مجلس یزید

هنگامی که امام زین العابدین (ع) وارد مجلس یزید شدند، سر مبارک امام حسین (ع) را آورده، میان طشتی در مقابل یزید لعنت اللّه علیه قرار دادند و او در حالی که با چوب دستی خود به دندانهای امام می زد، اشعار کفرآمیزی را زمزمه می کرد و می گفت:
کاش بزرگانم که در بدر کشته شدند حاضر بودند و ناله خزرج از برخورد نیزه ها را می شنیدند، خوشحال می شدند و فریاد شادی سر می دادند و می گفتند:
یزید، دست مریزاد! بزرگ سرورشان را کشتیم، در مقابل کشته های بدر اکنون برابر شدیم. بنی هاشم با سلطنت باز می گردند، نه خبری آمده است و نه وحی نازل شده است. من از خندف نباشم اگر از فرزندان احمد، انتقام آنچه را انجام داده است نگیرم.
در آن هنگام زینب دختر علی (ع) که مادرش فاطمه دختر پیامبر اکرم (ص) است به پاخاست و سخن چنین آغاز کرد:
سپاس خدای را که پروردگار عالمیان است و درود و سلام بر سرور رسولان و آل او باد. راست گفت خدای تعالی که فرمود:
"پس عذاب سخت و دردناک پایان کار زشتکاران بود که آیات خدا را دروغ پنداشتند و آنان را به استهزا گرفتند."
ای یزید! از اینکه فرخنای زمین و کرانه های آسمان بر ما تنگ گرفته و ما را چون اسیران در کوچه می چرخاندی، گمان می بری ما در پیشگاه خدا خوار و تو در پیش او عزیزی!
و این حاکی از بزرگی مقام تو نزد او است؟!
پس تکبر می ورزی و به خود می بالی و سرخوش و شادمان هستی، آن گاه که می بینی دنیا برای تو فراهم شده و کارها انتظام یافته و قدرت و سلطنت ما برای تو صافی گشته و در اختیارت قرار گرفته است.
آهسته باش، آهسته باش! مگر گفتار خدای را فراموش کرده ای که فرمود:
"البته کسانی که راه کفر گزیده اند هرگز گمان نبرند به ایشان مهلت می دهیم برای آنان نیکو است، ما برای این به ایشان مهلت می دهیم تا بر گناه خود بیفزایند و عذابی خوارکننده خواهند داشت".
ای فرزند طلقا! آیا از دادگستری است که زنان و کنیزان خود را در پس پرده بداری و دختران پیامبر اکرم را به اسیری شهر به شهر بگردانی و نقاب از ایشان بر افکنی و چهره هایشان را آشکار کنی تا ساکنان منزلها و آبشخورها برایشان نظاره کنند و دور و نزدیک و شریف بر رخشان خیره

شوند، در حالی که نه سرپرستی از مردان خود به همراه دارند و نه حمایت گری از حامیانشان.
آری! چگونه می توان امید ملاحظه داشت از فرزند آنکه جگر پاکان را به دندان بریده و از دهان بیرون انداخته و از شخصی که گوشتش از خون شهیدان روییده!
و چگونه در دشمنی با ما اهل بیت کوتاه بیاید کسی که با دیده خصومت، کینه توزی، بدخواهی و عدالت بر ما نگرد، آن گاه بدون احساس گناه و بدون اینکه این امر عظیم را بزرگ شمارد چنین سراید:
لأهلـــْواوأســـتهلوافرحـــاً ثـم قـــالويـــايزيـــدلاتشـــلّ
اگر بزرگان من امروز را می دیدند مسرور می شدند و فریاد شادی سر می دادند ومی گفتند: یزید! دست مریزاد.
و در حالی که دندانهای ابوعبداللّه سید جوانان اهل بهشت را با چوب دستی خود می کوبی.
و چرا چنین نگویی، تو که زخم دل ما را قبل از خوب شدن شکافتی و با رفتن محمد(ص) و ستارگان زمین از آل عبدالمطلب، ریشه ما را بریدی!
اجداد بزرگان خود را یاد می کنی و گمان می کنی آنها را می خوانی و آنها می شنوند. آری! به سرعت به جایگاه آنان در آتش وارد خواهی شد، آن گاه آرزو خواهی کرد کاش دستت شکسته و زبانت لال گشته بود!
و آنچه گفتی نگفته بودی و آنچه کردی انجام نداده بودی!
بار الها! حق ما را بگیر و از آنانکه بر ما ستم روا داشته اند انتقام ما بازستان و خشم خود را بر آنان که خون ما را ریختند و حامیان ما را کشتند فرو ریز.
ای یزید! به خدا قسم نشکافتی مگر پوست خود را و نبریدی مگر گوشت خود را و به زودی بر پیامبر اکرم (ص) وارد خواهی شد با بار سنگین خون هایی که از ذریّه ی او ریختی و هتک حرمتی که نسبت به خاندان و خویشان آن حضرت روا داشتی و قطعاً آن روز که خداوند انبوه آنان را گردآورد و پراکندگی ایشان را مجتمع سازد و حقّشان را باز ستاند، در آن روز پیامبر اکرم با تو مخاصمه خواهد کرد و گمان می کنی کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.
و تو را کفایت می کند که در محکمه عدل الهی خداوند قاضی باشد و محمد(ص) دشمن و شاکی و جبرئیل شاهد و گواه.
و به زودی خواهی فهمید آن کسی که مقدمات کار را آراست و تو را برگرده مسلمانان سوار کرد چه بد مجازاتی برای ستمگران هست و جایگاه چه کسی بدتر و سپاهش ناتوان تر است. مصیبتهای روزگار مرا به سخن گفتن با تو واداشت؛ ولی تو را بی ارزش تر از آن می شمارم و

سرزنش های بزرگ و توبیخ های بسیار متوجه تو می دانم. ای کاش با تو روبه رو و هم سخن نمی شدم؛ لیکن چه کنم که چشمها گریان و دلها سوزان است.
بسیار عجیب و شگفت آور است کشتار برگزیدگان که حزب خدایند به دست آزاده شدگان که حزب شیطانند! آری! از این دست ها خون های ما می چکد و این دهان ها گوشت ما را می مکند و آن پیکرهای پاک و مقدس در معرض هجوم گرگ ها و درندگان بیابان مانده اند.
اگر امروز ما را غنیمت به حساب می آوری به زودی احساس خسران خواهی کرد، آن گاه که جز آنچه از پیش فرستاد ه ای نخواهی یافت و گرنه خداوند هرگز نسبت به بندگانش ستمکارنیست.
شکایات به سوی خدا می بریم و از او مدد می جویم و اگر مکری داری به کار بند و هر تلاشی می توانی انجام ده و از هیچ کوششی فرو مگذار.
سوگند به خدا! نمی توانی یاد و نام ما را از دلها بزدایی و فروغ وحی ما را خاموش کنی و توان درک فرجام ما را نداری!
ننگ کاری که از تو سرزد پاک نخواهد گردید و لکه این کار زشت از دامنت زدوده نخواهد شد.
و آیا جز این است که رأی تو خطا و دروغ و روزگارت محدود و جمع تو پراکنده است در آن روزی که منادی فریاد کند: "ألا لعنة اللّه علی الظالمین"؛ لعنت خدا بر ستمکاران.
سپاس خدای را که آغاز ما را سعادت و رحمت و پایان ما را شهادت و مغفرت مقرر فرمود و از درگاه او خواستاریم که اجر و ثواب شهیدانمان را کامل گرداند و سبب افزایش آن را فراهم نماید و جانشین نیک (آن شهیدان) برای ما باشد، چرا که خداوند رحیم و مهربان است و خداوند مارا کافی است که بهترین جانشین و نیکوترین سرپرست و یاور است.

خطبه حضرت ام کلثوم درکوفه

در آن روز ام کلثوم دختر علی (ع) از پشت پرده در حالی که صدا به گریه بلند کرده بود چنین سخن گفت:
ای اهل کوفه، بدا به حال شما! چه شد که حسین را یاری نکردید، او را کشتید، اموالش را غارت کرده،. تقسیم نمودید، اهل بیتش را اسیر و این همه مصیبت بر او وارد کردید؟ خداوند شما را نابود کند و از رحمت خود دور بدارد.
وای بر شما! آیا می دانید چه مصیبتهای ناگواری بر انگیختید؟!
و چه بار سنگینی بر دوش گرفتید؟!
و چه خونهایی بر زمین ریختید؟!
و چه نور چشمی را ستم کردید؟!
و چه کودکانی را غارت کردید؟!
و چه اموالی را به تاراج بردید؟!
بهترین مردان بعد از پیامبر را کشتید و رحمت و شفقت از دلهاتان زدوده شد. آگاه باشید حزب الله غالب و پیروزند و حزب شیطان زیانکار.
سپس اشعاری به مضمون ذیل زمزمه کرد:
برادرم را با شکنجه کشتید پس وا ی بر مادرتان مکافات شما آتشی سوزان شعله ور است
خون هایی را ریختید که خداوند، قرآن و پیامبر، ریختن آن خونها را حرام کرده اند. مژده باد شما را به آتش! شما فردا درعمق آتشی هستید که حرارت آن افزون می شود.
من در زندگی خود برای برادرم خواهم گریست، کسی که بهترین مولود بعد از پیامبر بود.
با اشکی فراوان جاری و پی درپی که بر گونه هایم پیوسته می ریزد و هرگز خشک نمی شود. راوی می گوید: مردم یکپارچه آه و ناله سر دادند و فریاد زدند و گریستند. زنان موهایشان را بیفشاندند، خاک بر سر پاشیدند، صورت خراشیدند، به گونه های خود زدند و صدا به وای و واویلا بلند نمودند، مردان نیز گریستند و محاسن خود کندند و گریه ای همچون گریه آن روز از زن و مرد دیده نشد.

خطبه فاطمه بنت الحسین در کوفه

حضرت فاطمه (ع) دختر امام حسین (ع) بعد از واقعه کربلا و سختی های راه در کوفه لب به سخن گشود و فرمود:
حمد خدا را به شمار شن ها و ریگ ها و به اندازه عرش تا زمین حمد می کنم او را و ایمان دارم به او و توکل می کنم بر او و شهادت می دهم هیچ معبود به حقی جز او نیست که یگانه و بی شریک است و اینکه محمد(ص) بنده و رسول او است و اینکه فرزندانش در شطّ فرات بدون اینکه خون ریخته یا ستمی کرده باشند، کشته شدند.
خداوندا! پناه می برم به تو از اینکه بر تو دروغ ببندم و اینکه چیزی بگویند بر خلاف آنچه نازل نمودی بر پیامبر! از گرفتن پیمان ها برای وصی و جانشینش علی بن ابی طالب که از حقش باز داشته شد و بدون گناه کشته شد، آنچنان که فرزندانش دیروز کشته شدند. او در خانه ای از خانه های خدا کشته شد و چه پس از مرگش ظلم و ستمی را از او دفع نکردند تا اینکه روح او را قبض کردی با باطنی پسندیده و خلقی نیک با خصال و مفاخر مشهور و رأی و روش روشن که در راه تو به ملامت هیچ ملامتگر و سرزنش هیچ سرزنش کننده ای اعتنا نکرد، در کوچکی او را به اسلام هدایت کردی و در بزرگی افعال نیک و خلق جمیل او را ستودی، پیوسته دل در گرو اخلاص و محبت تو و پیامبر تو داشت، آن گاه او را فرا خواندی وارسته از دنیا و بی علاقه به آن و راغب به آخرت و مجاهد در راه تو، او را پسندیدی و برگزیدی و به صراط مستقیم ره نمودی.
اما بعد ای اهل کوفه، ای اهل کوفه، ای اهل مکر و پیمان شکنی و تکبر و خود خواهی! همانا ما اهل بیتی هستیم که خداوند ما را به شما و شما را به ما مبتلا کرد و بلا وآزمایش ما را زیبا قرار داد و علم و فهم از پیش خود نزد ما گذاشت.
پس ما ظرف علم و محل فهم و حکمت الهی و حجّت او در زمین برای بندگانش هستیم. خداوند به کرامت خویش ما را گرامی داشت و به واسطه پیامبرش محمد بر بسیاری از مخلوقاتش برتری آشکار بخشید، آن گاه شما ما را تکذیب نمودید و به خروج از اسلام نسبت دادید. جنگ با ما را مجاز و اموال ما را غنیمت تلقی کردید؛ گویا ما فرزندان غیر مسلمانان از ترک و کابل هستیم، چنانکه جد ما را دیروز کشتید. قطرات خون ما اهل بیت به خاطر بغض و کینه دیرین شما از شمشیرهایتان می چکد. چشمان شما به این وسیله، روشن و دلهایتان شادمان شد با جرئتی که نسبت به خدا پیدا کردید و مکر و حیله ای که اندیشیدید و خداوند بهترین مکرکنندگان است.

پس برای آنچه از خون ما ریختید و از اموال ما به دست آوردید خوشحال نباشید؛ چرا که آنچه از مصائب گران و گرفتاریهای بزرگ به ما رسیده چنان است که خداوند می فرماید: "در کتابی است پیش از آنکه زمین را بیافرینیم و این برای خدا آسان است، تا شما برای آنچه از دست می دهید محزون نگردید و به آنچه به شما داده است دل بسته و شادمان نباشید و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد".
مرگ بر شما، منتظر لعنت وعذاب باشید و گویا بر شما وارد شده و از آسمان نعمت هایی پی در پی برایتان آمده است. پس شما را بر اثر آنچه به دست آوردید به هلاکت دچار می کند و شدّت و حدّت بعضی از شما را به بعض دیگر می چشاند، سپس در روز قیامت گرفتار عذاب دردناک ابدی خواهید بود بر اثر ظلمی که به ما روا داشتید، همانا لعنت خدا بر ستمگران باد!
وای بر شما! آیا می دانید چه دستی از شما با ما دشمنی کرد؟
وچه نفسی به جنگ ما برانگیخته شد؟
و با چه گامی به سوی ما قدم بر داشتید؟! دلهایتان قساوت پیدا کرده و رقّت از درونتان رخت بر بسته و بر قلب و گوش و چشمتان مهر زده شده و شیطان شما را فریب داده و گرفتار آرزوها کرده و بر چشمانتان پرده افتاده است؛ از این رو دیگر راه نمی یابید.
مرگ بر شما ای اهل کوفه! چه خونی از پیامبر اکرم نزد شما بود و چه قصاصی ازاو طلبکار بودید؟
برای چه با برادرش علی بن ابی طالب (ع) جدّ من و فرزندان او که عترت پاک و برگزیده پیامبرند دشمنی کردید و افتخار کننده شما به این کار افتخار کرد و گفت:
ما علی و فرزندان او راکشتیم، با شمشیرهای هندی و نیزه ها.
و زنانشان را اسیر کردیم؛ چون اسیران ترک و آنها را کوبیدیم چه کوبیدنی.
خاک و شن بر دهانت ای گوینده!
آیا افتخار می کنی به کشتار گروهی که خداوند آنها را پاکیزه گردانیده و پلیدی را از آنها زدوده و ایشان را پاک و پاکیزه قرار داده؟! دم فروبند و همانند پدرت بر نشیمنگاه خود بنشین، همانا برای هر شخصی همان است که خود به دست آورده و با دست خویش پیش فرستاده است. آیا به خاطر فضیلتی که خداوند به ما بخشیده بر ما حسد می ورزید؟ وای بر شما!
گناه ما چیست که دریای ما روزگاری در هیجان و تلاطم است و دریای تو چاله ای کم عمق است که روی کرمی را هم نمی پوشاند.
این فضل خداوند است به کسی که بخواهد عطا می کند و خداوند صاحب فضل عظیم است و کسی را که خداوند برای او نور و روشنایی قرار نداده نوری نیست.

راوی می گوید:
صداها به گریه بلند شد و گفتند: بس است ای دختر پاکان!
قلب ما را سوزاندی، سینه های ما را نشانه رفتی و اندرون ما را آتش زدی.
آن گاه فاطمه بنت الحسین سکوت اختیار کرد.
***

خدا را شاکریم بر آنچه به ما عطا کرد و به سبب نعمات بسیارش ما را رهین منت خویش نمود و امکان توبه را فراهم کرد تا بتوانیم گناهانی را که مرتکب شد ه ایم با توبه به درگاهش چاره جویی کنیم. توبه یعنی دوری از گناه و عدم تکرار آن از طریق غلبه بر هوی نفس چنانچه کمی تأمل کنیم، پی می بریم که چرا در هر مرحله از مراحل زندگیمان باید با یادآوری کلام خداوند و ائمه معصومین مبنی بر ضرورت توبه- که در قرآن و روایات نیز بارها بر آن تأکید شده است- بر در توبه بکوبیم و استغفار کنیم. به راستی اگر توبه نبود، ما چه می کردیم چه بلاهایی ممکن بود گریبان گیرمان گردد؟ این بشر خاکی از ارزش آنچه در طول زندگانی اش از آن بهره مند بوده، غفلت ورزیده خود را از مزیت ها و محسنات بسیاری از موهبت های الهی بی بهره نموده است؛ به عنوان مثال بسیاری از آدمیان غافلند از اینکه اگر راهی به نام توبه برای جبران گناهان نبود همین انسان خاکی در باتلاق اشتباهات خود بیش از پیش فرو می رفت و همیشه خلا چنین چیزی وی را با تمام وجود رنج می داد. همیشه و در همه جای دنیا تمامی مسائل مردم به همین شکل است و خواهد بود؛ یعنی حسرت بر چیزهایی که وجود دارد؛ اما مورد غفلت قرار می گیرد. هزاران افسوس که به یک پلک به هم زدن این دنیای فانی را وداع باید گفت و با کوله باری از معصیت به عالم دیگر نقل مکان باید کرد، در همان لحظه است که پشیمانی حالی جز غم و اندوه، ثمری برای صاحب خود ندارد، پس بیایید از آنچه قرار است تا لحظه دیگری برای هر کدام از ما رخ دهد، قبل از وقوع، پیشگیری کنیم و با توبه خالصانه به درگاه ایزد منّان، طلب عفو و بخشش نماییم و با ذکر دلنشین خدا، قلبمان را صیقل دهیم تا به آرامش روحی و جسمی برسیم.
در این بخش از کتاب سعی شده به تمامی موارد مرتبط اشاره گردد و با این نتیجه گیری که برای تمامی افراد جامعه مشکلاتی از این قبیل به وجود می آید و هیچ کس از ارتکاب معاصی و گناهان ایمن نیست، به چاره جویی بپردازیم. در اینجا برای آن دسته از کسانی که به پی برده اند و در صدد دوری از آن برآمده اند عنوانی را با نام "ستایش پاکی ها" به نقل از امام سجاد از کتاب صحیفه سجادیه، در تکمیل مباحث پیشین در نظر گرفته ایم که به راز و نیاز امام سجاد (ع) می پردازیم و امیدواریم در درگاه خداوند متعال مورد قبول واقع شود.

آنچه در این راز و نیاز بیان می شود، نیایش آن حضرت در موضوع "ستایش پاکی ها" است؛ نیایشی که ملتمسانه، خالصانه و دور از ریا و

معصیت است. حال شما قضاوت کنید با وجود امامی که معصوم و پاک است و در مقابل خدای خود این چنین راز و نیاز می کند، چه عملکردی را شایسته است در پیش گیریم، بیایید به خدا پناه ببریم و زیر لب خالصانه و با قلبی شکسته زمزمه کنیم و بگوییم:

1. "یَا مَنْ ذِکْرُهء شَرَفٌ لِلذّاکِرِینَ، وَ یَا مَنْ شُکرُهُ فَوْز لِلشّاکِرِینَ، وَ یَا مَنْ طَاعتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِیعِینَ، صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِه، وَ اشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذکِرِک غَنْ کلّ ذِکرِ، وَ اَلْسِنَتَنَا بِشکرِک عَنْ کلّ شُکر، وَ جَوَارِحَنَا بطَاعَتِک عَنْ کلّ طَاعَة".

"ای آن که یاد تو یادآورانت را بزرگی دهد، و ای آن که فرمانبرداری تو فرمانبردارانت را رهایی بخشد، بر محمّد و خاندانش درود فرست, و با یاد خود، دل های ما را از هر یاد دیگری بپرداز، و با سپاس خود، زبان های ما را از هر سپاس، و با فرمانبرداری خود، اعضای ما را از فرمانبرداری دیگران بازدار. "

2. "فَإن قَدّرْتَ لَنَا فَرَاغاَ مِنْ شغْل فَاجْعَلْهُ فرَاغَ سَلَامَة لَا تُدْرِکنَا فِیهِ تَبعَة، وَ لَا تَلْحَقُنَا فهِ سَامَة، حَتّی یَنْصَرِفَ عَنّا کتّاب السَّیّئَاتِ بصَحِیفَة خَالِیَةً مِنْ ذکِرِ سَیّئَاتِنَا، وَ یَتَولّی کتّاب الْحَسَنَاتِ عَنّا مَسْرُورِینَ بمَا کتَبوا مِنْ حَسنَاتِنَا".

"اگر برای ما فراغتی مقدّرَ کرده ای، آن را فراغتی بی گزند و سالم قرار ده که وبال نیاورد و دل هایمان را نمیراند، تا فرشتگانی که گناهان ما را می نویسند، با کارنامه ای سفید و تهی از تیرگی های گناه از پیش ما به سوی تو برگردند، و فرشتگانی که کارهای نیک ما را می نویسند، شادمان از آنچه در کارنامه ی ما نوشته اند، پیش تو آیند. "

3. "وَ إِذَا انْقَضَتْ ایّامُ حَیَاتِنَا، وَ تَصَرّمَتْ مُدَدُ أعْمَارنَا، وَ اسْتَحْضَرَتْنَا دَعْوَتُک الّتِی لَا بُدّ مِنْهَا وَ مِنْ إِجَابَتِهَا، فَصَلّ علَی محَمّدٍ وَ آلِه، وَ اجْعَلَ خِتَامَ مَا تُحْصِی عَلَیْنَا کتَبَةُ اعمَالِنَا توبهَ مقبُولَةَ لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَی ذَنْب اجْتَرَحْنَاهُ، وَ لَا مَعْصِیة اقْتَرَفْنَاهَا".

"چون روزهای زندگی ما سپری شود و مدّت عمر ما به سر آید و فراخوان تو ما را فراخواند همان که از اجابت آن چاره و گریزی نیست. بر محمد و خانداش درود فرست و چنان کن که آنچه فرشتگان نویسنده برای ما رقم می زنند، به توبه ای مقبول خاتمه یابد، تا پس از آن ما را به سبب گناهی که کرده ایم و نافرمانی ای که بدان آلوده گشته ایم، باز نداری".

4. "وَ لَا تَکشِفْ عَنّا سِتْراَ سَتَرْتَه عَلَی رُءُوسِ الْأشْهَاد، یَوْمَ تَبْلو اخْبَارَ عبَادکِ. "

"و در آن روز که از رازهای پنهان بندگانت پرده برمی داری، پیش چشم همگان، پرده از گناهان ما بر نداری".

5. "إِنّک رَحیم بمَنْ دَعاک، وَ مُسْتَجِیب لِمَنْ نَادَیک."

"تنها تویی که با هر کَس تو را بخواند، مهر می ورزی، و به هرکس که تو را ندا دهد، جواب می گویی".

کتابنامه

1.قرآن مجید، خطاط: کیخائی، انتشارات الهادی، چ 5، قم 1386.
2.نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، موسسه امیر المومنین، چ 7، قم 1386.
3.صحیفه سجادیه، ترجمه: محمدمهدی رضایی، انتشارات جمال، چ 3، قم 1385.
4.نهج الفصاحه، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ پانزدهم.
5.زن در آئینه جلال و جمال، انتشارات رجاء تهران.
6.قاضی، فاطمه: حجاب دختران، انتشارات گلستان ادب، چاپ اول، قم 1382
7.اکبری، محمدرضا: قصه های بانوان، انتشارات پیام عترت، چاپ دوم، قم 1378.
8.بیارجمندی، سید احمد فاضلی: انتشارات میثم، چاپ اول، قم 1381.
9.راشدی، لطیف: دانستنی های دختران جوان، انتشارات مصطفی، چاپ سوم، قم1380.
10.ابراهیمی، رحمت الله: جمال و کمال زن، انتشارات گاه سحر، چاپ دوم، قم 1380.
11.زن در آئینه جلال و جمال، انتشارات رجاء تهران.
12.فتاحی زاده، فتحیّه: حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم 1376
13.زنجانرودی، سید مجتبی موسوی: تربیت مذهبی کودک، انتشارات میثم تمار، چاپ سوم، قم 1387
14.اخلاق در خانواده، انتشارات اسلامی تهران.
15.چهره زن در آئینه اسلام، انتشارات ندای ایمان قم.
16.منهاج الصلحین، سید ابوالقاسم الخویی، مدینه العلم، قم.
17.غرر الحکم و دررالکلم، عبد الواحدین محمد تیممی واحدی، تهران، دانشگاه تهران.
18.نورانی، آیت الله مصطفی: سعادت خانواده در ازدواج، انتشارات مکتب اهل بیت، چاپ دوم، قم 1387.
19.ظهیری، علی اصغر: برای دختران، انتشارات روحانی، چاپ سوم، قم 1380.
20.الفروع من الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1350.
21.لذات فلسفه، ویل دورانت، ترجمه: رزیاب خویی، چاپ دوم، تهران.
22.کشف الاسرار، امام خمینی، تهران.

23.محمدی نیا، اسدالله: بهشت جوانان، انتشارات سبط اکبر، چاپ سیزدهم، قم 1381.
24.دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات چاپ و نشر بین الملل، چاپ چهارم، تهران 1382.
25.عبداللهی، مهدوی: چشمه سار کوثر، انتشارات امام هادی، چاپ اول، قم 1379.
26.سالک، علی: هزار و یک چرا، انتشارات کمال، چاپ دوم، قم 1382.
27.دوست محمدی، هادی، شخصیت زن از دیدگاه قرآن، انتشارات سازمان تبلیغات، چاپ دوم، تهران 1381.
28.امین زاده، محمدرضا: جایگاه اخض و ممتاز زن، انتشارات سازمان تبلیغات، چاپ اول،تهران 1380.
29.فلسفه حجاب، انتشارات ارم، چاپ چهارم.
30.موسوی مجاب، سید ضیاء: سیب های طلایی، با مقدمه دکتر دایان فرانجی، چاپ اول، انتشارات شهاب الدین، قم 1382.
31.دکتر لوشر، ماکس: ترجمه ویدا ابی زاده: روانشناسی رنگ ها، چاپ 23، انتشارات درسا، تهران 1386.
32.امام سجاد (ع) ، علی: رساله حقوقی، نگارش: محمد سپهری، انتشارات دار العلم، چاپ هفتم، قم 1382.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹